****وصیتنامه سیاسی‌ ـ الهی

بسم‌الله الرحمن‌ الرحیم

‌

قالَ رسولُالله ـ صلَّی‌الله علیه‌ و آله‌ و سلَّم‌: اِنّی‌ تاركٌ فیكُمُ الثّقلَینِ كتابَ اللهِ و عترتی‌ اهلَ بیتی‌؛ فإِنَّهُما لَنْ یفْتَرِقا حَتّی‌ یرِدَا عَلَی الْحَوضَ.

الحمدُلله و سُبحانَكَ؛ اللّهُمَّ صلِّ علی‌ محمدٍ و آلهِ مظاهر جمالِك‌ و جلالِك‌ و خزائنِ اسرارِ كتابِكَ الذی‌ تجلّی‌ فیه‌ الاَحدیه بِجمیعِ أسمائكَ حتّی‌ المُسْتَأْثَرِ منها الّذی‌ لایعْلَمُهُ غَیرُك‌؛ و اللَّعنُ علی‌ ظالِمیهم‌ اصلِ الشَجَره الخَبیثه.

و بعد، اینجانب‌ مناسب‌ می‌دانم‌ كه‌ شمه‌ای‌ كوتاه‌ و قاصر در باب‌ «ثقلین‌» تذكر دهم‌؛ نه‌ از حیث‌ مقامات‌ غیبی‌ و معنوی‌ و عرفانی‌، كه‌ قلم‌ مثل‌ منی‌ عاجز است‌ از جسارت‌ در مرتبه‌ای‌ كه‌ عرفان‌ آن‌ بر تمام‌ دایرة‌ وجود، از ملك‌ تا ملكوت‌ اعلی‌ و از آنجا تا لاهوت‌ و آنچه‌ در فهم‌ من‌ و تو ناید، سنگین‌ و تحمل‌ آن‌ فوق‌ طاقت‌، اگر نگویم‌ ممتنع‌ است‌؛ و نه‌ از آنچه‌ بر بشریت‌ گذشته‌ است‌، از مهجور بودن‌ از حقایق‌ مقام‌ والای‌ «ثقل‌ اكبر» و «ثقل‌ كبیر» كه‌ از هر چیز اكبر است‌ جز ثقل‌ اكبر كه‌ اكبر مطلق‌ است‌؛ و نه‌ از آنچه‌ گذشته‌ است‌ بر این‌ دو ثقل‌ از دشمنان‌ خدا و طاغوتیان‌ بازیگر كه‌ شمارش‌ آن‌ برای‌ مثل‌ منی‌ میسر نیست‌ با قصور اطلاع‌ و وقت‌ محدود؛ بلكه‌ مناسب‌ دیدم‌ اشاره‌ای‌ گذرا و بسیار كوتاه‌ از آنچه‌ بر این‌ دو ثقل‌ گذشته‌ است‌ بنمایم‌.

شاید جملة‌ لَنْ یفْتَرِقا حتّی‌ یرِدا عَلَی الْحَوض‌ اشاره‌ باشد بر اینكه‌ بعد از وجود مقدس‌ رسول‌الله ـ صلی‌الله علیه‌ و آله‌ و سلم‌ ـ هرچه‌ بر یكی‌ از این‌ دو گذشته‌ است‌ بر دیگری‌ گذشته‌ است‌ و مهجوریت‌ هر یك‌ مهجوریت‌ دیگری‌ است‌، تا آنگاه‌ كه‌ این‌ دو مهجور بر رسول‌ خدا در «حوض‌» وارد شوند. و آیا این‌ «حوض‌» مقام‌ اتصال‌ كثرت‌ به‌ وحدت‌ است‌ و اضمحلال‌ قطرات‌ در دریا است‌، یا چیز دیگر كه‌ به‌ عقل‌ و عرفان‌ بشر راهی‌ ندارد. و باید گفت‌ آن‌ ستمی‌ كه‌ از طاغوتیان‌ بر این‌ دو ودیعة‌ رسول‌ اكرم‌ ـ صلی‌الله علیه‌ و آله‌ و سلم‌ ـ گذشته‌، بر امت‌ مسلمان‌ بلكه‌ بر بشریت‌ گذشته‌ است‌ كه‌ قلم‌ از آن‌ عاجز است‌.

و ذكر این‌ نكته‌ لازم‌ است‌ كه‌ حدیث‌ «ثقلین‌» متواتر بین‌ جمیع‌ مسلمین‌ است‌ و (در) كتب‌ اهل‌ سنت‌ از «صحاح‌ ششگانه‌» تا كتب‌ دیگر آنان‌، با الفاظ‌ مختلفه‌ و موارد مكرره‌ از پیغمبر اكرم‌ ـ صلی‌الله علیه‌ و آله‌ و سلم‌ ـ به‌ طور متواتر نقل‌ شده‌ است‌. و این‌ حدیث‌ شریف‌ حجت‌ قاطع‌ است‌ بر جمیع‌ بشر بویژه‌ مسلمانان‌ مذاهب‌ مختلف‌؛ و باید همة‌ مسلمانان‌ كه‌ حجت‌ بر آنان‌ تمام‌ است‌ جوابگوی‌ آن‌ باشند؛ و اگر عذری‌ برای‌ جاهلان‌ بیخبر باشد برای‌ علمای‌ مذاهب‌ نیست‌.

اكنون‌ ببینیم‌ چه‌ گذشته‌ است‌ بر كتاب‌ خدا، این‌ ودیعة‌ الهی‌ و ماترك‌ پیامبر اسلام‌ صلی‌الله علیه‌ و آله‌ و سلم‌ ـ مسائل‌ أسف‌انگیزی‌ كه‌ باید برای‌ آن‌ خون‌ گریه‌ كرد، پس‌ از شهادت‌ حضرت‌ علی‌(ع‌) شروع‌ شد. خودخواهان‌ و طاغوتیان‌، قرآن‌ كریم‌ را وسیله‌ای‌ كردند برای‌ حكومتهای‌ ضد قرآنی‌؛ و مفسران‌ حقیقی‌ قرآن‌ و آشنایان‌ به‌ حقایق‌ را كه‌ سراسر قرآن‌ را از پیامبر اكرم‌ ـ صلی‌الله علیه‌ و آله‌ و سلم‌ ـ دریافت‌ كرده‌ بودند و ندای‌ اِنّی‌ تاركٌ فیكُمُ الثقلان‌ در گوششان‌ بود با بهانه‌های‌ مختلف‌ و توطئه‌های‌ از پیش‌ تهیه‌ شده‌، آنان‌ را عقب‌ زده‌ و با قرآن‌، در حقیقت‌ قرآن‌ را ـ كه‌ برای‌ بشریت‌ تا ورود به‌ حوض‌ بزرگترین‌ دستور زندگانی‌ مادی‌ و معنوی‌ بود و است‌ ـ از صحنه‌ خارج‌ كردند؛ و بر حكومت‌ عدل‌ الهی‌ ـ كه‌ یكی‌ از آرمانهای‌ این‌ كتاب‌ مقدس‌ بوده‌ و هست‌ ـ خط‌ بطلان‌ كشیدند و انحراف‌ از دین‌ خدا و كتاب‌ و سنت‌ الهی‌ را پایه‌گذاری‌ كردند، تا كار به‌ جایی‌ رسید كه‌ قلم‌ از شرح‌ آن‌ شرمسار است‌.

و هرچه‌ این‌ بنیان‌ كج‌ به‌ جلو آمد كجیها و انحرافها افزون‌ شد تا آنجا كه‌ قرآن‌ كریم‌ را كه‌ برای‌ رشد جهانیان‌ و نقطة‌ جمع‌ همة‌ مسلمانان‌ بلكه‌ عائلة‌ بشری‌، از مقام‌ شامخ‌ احدیت‌ به‌ كشف‌ تام‌ محمدی‌(ص‌) تنزل‌ كرد كه‌ بشریت‌ را به‌ آنچه‌ باید برسند برساند و این‌ ولیدة‌ «علم‌ الاسما ء » را از شرّ شیاطین‌ و طاغوتها رها سازد و جهان‌ را به‌ قسط‌ و عدل‌ رساند و حكومت‌ را به‌ دست‌ اولیا ء الله، معصومین‌ ـ علیهم‌ صلوات‌ الاولین‌ و الا´خرین‌ ـ بسپارد تا آنان‌ به‌ هر كه‌ صلاح‌ بشریت‌ است‌ بسپارند ـ چنان‌ از صحنه‌ خارج‌ نمودند كه‌ گویی‌ نقشی‌ برای‌ هدایت‌ ندارد و كار به‌ جایی‌ رسید كه‌ نقش‌ قرآن‌ به‌ دست‌ حكومتهای‌ جائر و آخوندهای‌ خبیثِ بدتر از طاغوتیان‌ وسیله‌ای‌ برای‌ اقامة‌ جور و فساد و توجیه‌ ستمگران‌ و معاندان‌ حق‌ تعالی‌ شد. و مع‌الاسف‌ به‌ دست‌ دشمنان‌ توطئه‌گر و دوستان‌ جاهل‌، قرآن‌ این‌ كتاب‌ سرنوشت‌ساز، نقشی‌ جز در گورستانها و مجالس‌ مردگان‌ نداشت‌ و ندارد و آنكه‌ باید وسیلة‌ جمع‌ مسلمانان‌ و بشریت‌ و كتاب‌ زندگی‌ آنان‌ باشد، وسیلة‌ تفرقه‌ و اختلاف‌ گردید و یا بكلی‌ از صحنه‌ خارج‌ شد، كه‌ دیدیم‌ اگر كسی‌ دم‌ از حكومت‌ اسلامی‌ برمی‌آورد و از سیاست‌، كه‌ نقش‌ بزرگ‌ اسلام‌ و رسول‌ بزرگوار صلی‌الله علیه‌ و آله‌ و سلم‌ ـ و قرآن‌ و سنت‌ مشحون‌ آن‌ است‌، سخن‌ می‌گفت‌ گویی‌ بزرگترین‌ معصیت‌ را مرتكب‌ شده‌؛ و كلمة‌ «آخوند سیاسی‌» موازن‌ با آخوند بی‌دین‌ شده‌ بود و اكنون‌ نیز هست‌.

و اخیراً قدرتهای‌ شیطانی‌ بزرگ‌ به‌ وسیلة‌ حكومتهای‌ منحرفِ خارج‌ از تعلیمات‌ اسلامی‌، كه‌ خود را به‌ دروغ‌ به‌ اسلام‌ بسته‌اند، برای‌ محو قرآن‌ و تثبیت‌ مقاصد شیطانی‌ ابرقدرتها قرآن‌ را با خط‌ زیبا طبع‌ می‌كنند و به‌ اطراف‌ می‌فرستند و با این‌ حیلة‌ شیطانی‌ قرآن‌ را از صحنه‌ خارج‌ می‌كنند. ما همه‌ دیدیم‌ قرآنی‌ را كه‌ محمدرضا خان‌ پهلوی‌ طبع‌ كرد و عده‌ای‌ را اغفال‌ كرد و بعض‌ آخوندهای‌ بیخبر از مقاصد اسلامی‌ هم‌ مداح‌ او بودند. و می‌بینیم‌ كه‌ ملك‌ فهد هر سال‌ مقدار زیادی‌ از ثروتهای‌ بی‌پایان‌ مردم‌ را صرف‌ طبع‌ قرآن‌ كریم‌ و محالّ تبلیغاتِ مذهبِ ضد قرآنی‌ می‌كند و وهابیت‌، این‌ مذهب‌ سراپا بی‌اساس‌ و خرافاتی‌ را ترویج‌ می‌كند؛ و مردم‌ و ملتهای‌ غافل‌ را سوق‌ به‌ سوی‌ ابرقدرتها می‌دهد و از اسلام‌ عزیز و قرآن‌ كریم‌ برای‌ هدم‌ اسلام‌ و قرآن‌ بهره‌برداری‌ می‌كند.

ما مفتخریم‌ و ملت‌ عزیز سرتاپا متعهد به‌ اسلام‌ و قرآن‌ مفتخر است‌ كه‌ پیرو مذهبی‌ است‌ كه‌ می‌خواهد حقایق‌ قرآنی‌، كه‌ سراسر آن‌ از وحدت‌ بین‌ مسلمین‌ بلكه‌ بشریت‌ دم‌ می‌زند، از مقبره‌ها و گورستانها نجات‌ داده‌ و به‌ عنوان‌ بزرگترین‌ نسخة‌ نجات‌ دهندة‌ بشر از جمیع‌ قیودی‌ كه‌ بر پای‌ و دست‌ و قلب‌ و عقل‌ او پیچیده‌ است‌ و او را به‌ سوی‌ فنا و نیستی‌ و بردگی‌ و بندگی‌ طاغوتیان‌ می‌كشاند نجات‌ دهد.

و ما مفتخریم‌ كه‌ پیرو مذهبی‌ هستیم‌ كه‌ رسول‌ خدا مؤسس‌ آن‌ به‌ امر خداوند تعالی‌ بوده‌، و امیرالمؤمنین‌ علی‌ بن‌ ابیطالب‌، این‌ بندة‌ رها شده‌ از تمام‌ قیود، مأمور رها كردن‌ بشر از تمام‌ اغلال‌ و بردگیها است‌.

ما مفتخریم‌ كه‌ كتاب‌ نهج‌البلاغه‌ كه‌ بعد از قرآن‌ بزرگترین‌ دستور زندگی‌ مادی‌ و معنوی‌ و بالاترین‌ كتاب‌ رهایی‌بخش‌ بشر است‌ و دستورات‌ معنوی‌ و حكومتی‌ آن‌ بالاترین‌ راه‌ نجات‌ است‌، از امام‌ معصوم‌ ما است‌.

ما مفتخریم‌ كه‌ ائمة‌ معصومین‌، از علی‌ بن‌ ابیطالب‌ گرفته‌ تا منجی‌ بشر حضرت‌ مهدی‌ صاحب‌ زمان‌ ـ علیهم‌ آلاف‌ التحیات‌ والسلام‌ ـ كه‌ به‌ قدرت‌ خداوند قادر، زنده‌ و ناظر امور است‌ ائمة‌ ما هستند.

ما مفتخریم‌ كه‌ ادعیة‌ حیاتبخش‌ كه‌ او را «قرآن‌ صاعد» می‌خوانند از ائمة‌ معصومین‌ ما است‌. ما به‌ «مناجات‌ شعبانیة‌» امامان‌ و «دعای‌ عرفات‌»
حسین‌ بن‌ علی‌ ـ علیهما السلام‌ ـ و «صحیفة‌ سجادیه‌» این‌ زبور آل‌ محمد و «صحیفة‌ فاطمیه‌» كه‌ كتاب‌ الهام‌ شده‌ از جانب‌ خداوند تعالی‌ به‌ زهرای‌ مرضیه‌ است‌ از ما است‌.

ما مفتخریم‌ كه‌ «باقرالعلوم‌» بالاترین‌ شخصیت‌ تاریخ‌ است‌ و كسی‌ جز خدای‌ تعالی‌ و رسول‌ ـ صلی‌الله علیه‌ و آله‌ ـ و ائمة‌ معصومین‌ علیهم‌السلام‌ ـ مقام‌ او را درك‌ نكرده‌ و نتوانند درك‌ كرد، از ما است‌.

و ما مفتخریم‌ كه‌ مذهب‌ ما «جعفری‌» است‌ كه‌ فقه‌ ما كه‌ دریای‌ بی‌پایان‌ است‌، یكی‌ از آثار اوست‌. و ما مفتخریم‌ به‌ همة‌ ائمة‌ معصومین‌ ـ علیهم‌ صلوات‌الله ـ و متعهد به‌ پیروی‌ آنانیم‌.

ما مفتخریم‌ كه‌ ائمة‌ معصومین‌ ما ـ صلوات‌ الله و سلامه‌ علیهم‌ ـ در راه‌ تعالی‌ دین‌ اسلام‌ و در راه‌ پیاده‌ كردن‌ قرآن‌ كریم‌ كه‌ تشكیل‌ حكومت‌ عدل‌ یكی‌ از ابعاد آن‌ است‌، در حبس‌ و تبعید به‌ سر برده‌ و عاقبت‌ در راه‌ براندازی‌ حكومتهای‌ جائرانه‌ و طاغوتیان‌ زمان‌ خود شهید شدند. و ما امروز مفتخریم‌ كه‌ می‌خواهیم‌ مقاصد قرآن‌ و سنت‌ را پیاده‌ كنیم‌ و اقشار مختلفة‌ ملت‌ ما در این‌ راه‌ بزرگِ سرنوشت‌ساز سر از پا نشناخته‌، جان‌ و مال‌ و عزیزان‌ خود را نثار راه‌ خدا می‌كنند.

ما مفتخریم‌ كه‌ بانوان‌ و زنان‌ پیر و جوان‌ و خرد و كلان‌ در صحنه‌های‌ فرهنگی‌ و اقتصادی‌ و نظامی‌ حاضر، و همدوش‌ مردان‌ یا بهتر از آنان‌ در راه‌ تعالی‌ اسلام‌ و مقاصد قرآن‌ كریم‌ فعالیت‌ دارند؛ و آنان‌ كه‌ توان‌ جنگ‌ دارند، در آموزش‌ نظامی‌ كه‌ برای‌ دفاع‌ از اسلام‌ و كشور اسلامی‌ از واجبات‌ مهم‌ است‌ شركت‌، و از محرومیتهایی‌ كه‌ توطئة‌ دشمنان‌ و ناآشنایی‌ دوستان‌ از احكام‌ اسلام‌ و قرآن‌ بر آنها بلكه‌ بر اسلام‌ و مسلمانان‌ تحمیل‌ نمودند، شجاعانه‌ و متعهدانه‌ خود را رهانده‌ و از قید خرافاتی‌ كه‌ دشمنان‌ برای‌ منافع‌ خود به‌ دست‌ نادانان‌ و بعضی‌ آخوندهای‌ بی‌اطلاع‌ از مصالح‌ مسلمین‌ به‌ وجود آورده‌ بودند، خارج‌ نموده‌اند؛ و آنان‌ كه‌ توان‌ جنگ‌ ندارند، در خدمت‌ پشت‌ جبهه‌ به‌ نحو ارزشمندی‌ كه‌ دل‌ ملت‌ را از شوق‌ و شعف‌ به‌ لرزه‌ درمی‌آورد و دل‌ دشمنان‌ و جاهلان‌ بدتر از دشمنان‌ را از خشم‌ و غضب‌ می‌لرزاند، اشتغال‌ دارند. و ما مكرر دیدیم‌ كه‌ زنان‌ بزرگواری‌ زینب‌گونه‌ ـ علیها سلام‌الله ـ فریاد می‌زنند كه‌ فرزندان‌ خود را از دست‌ داده‌ و در راه‌ خدای‌ تعالی‌ و اسلام‌ عزیز از همه‌ چیز خود گذشته‌ و مفتخرند به‌ این‌ امر؛ و می‌دانند آنچه‌ به‌ دست‌ آورده‌اند بالاتر از جنات‌ نعیم‌ است‌، چه‌ رسد به‌ متاع‌ ناچیز دنیا.

و ملت‌ ما بلكه‌ ملتهای‌ اسلامی‌ و مستضعفان‌ جهان‌ مفتخرند به‌ اینكه‌ دشمنان‌ آنان‌ كه‌ دشمنان‌ خدای‌ بزرگ‌ و قرآن‌ كریم‌ و اسلام‌ عزیزند، درندگانی‌ هستند كه‌ از هیچ‌ جنایت‌ و خیانتی‌ برای‌ مقاصد شوم‌ جنایتكارانة‌ خود دست‌ نمی‌كشند و برای‌ رسیدن‌ به‌ ریاست‌ و مطامع‌ پست‌ خود دوست‌ و دشمن‌ را نمی‌شناسند. و در رأس‌ آنان‌ امریكا این‌ تروریست‌ بالذات‌ دولتی‌ است‌ كه‌ سرتاسر جهان‌ را به‌ آتش‌ كشیده‌ و هم‌ پیمان‌ او صهیونیست‌ جهانی‌ است‌ كه‌ برای‌ رسیدن‌ به‌ مطامع‌ خود جنایاتی‌ مرتكب‌ می‌شود كه‌ قلمها از نوشتن‌ و زبانها از گفتن‌ آن‌ شرم‌ دارند؛ و خیال‌ ابلهانة‌ «اسرائیل‌ بزرگ‌»! آنان‌ را به‌ هر جنایتی‌ می‌كشاند. و ملتهای‌ اسلامی‌ و مستضعفان‌ جهان‌ مفتخرند كه‌ دشمنان‌ آنها حسین‌ اردنی‌ این‌ جنایت‌ پیشة‌ دوره‌گرد، و حسن‌ و حسنی‌ مبارك‌ هم‌ آخور با اسرائیل‌ جنایتكارند و در راه‌ خدمت‌ به‌ امریكا و اسرائیل‌ از هیچ‌ خیانتی‌ به‌ ملتهای‌ خود رویگردان‌ نیستند. و ما مفتخریم‌ كه‌ دشمن‌ ما صدام‌ عفلقی‌ است‌ كه‌ دوست‌ و دشمنْ او را به‌ جنایتكاری‌ و نقض‌ حقوق‌ بین‌المللی‌ و حقوق‌ بشر می‌شناسند و همه‌ می‌دانند كه‌ خیانتكاری او به‌ ملت‌ مظلوم‌ عراق‌ و شیخ‌نشینان‌ خلیج‌، كمتر از خیانت‌ به‌ ملت‌ ایران‌ نباشد.

و ما و ملتهای‌ مظلوم‌ دنیا مفتخریم‌ كه‌ رسانه‌های‌ گروهی‌ و دستگاههای‌ تبلیغات‌ جهانی‌، ما و همة‌ مظلومان‌ جهان‌ را به‌ هر جنایت‌ و خیانتی‌ كه‌ ابرقدرتهای‌ جنایتكار دستور می‌دهند متهم‌ می‌كنند. كدام‌ افتخار بالاتر و والاتر از اینكه‌ امریكا با همة‌ ادعاهایش‌ و همة‌ ساز و برگهای‌ جنگی‌اش‌ و آنهمه‌ دولتهای‌ سرسپرده‌اش‌ و به‌ دست‌ داشتن‌ ثروتهای‌ بی‌پایانِ ملتهای‌ مظلوم‌ عقب‌افتاده‌ و در دست‌ داشتن‌ تمام‌ رسانه‌های‌ گروهی‌، در مقابل‌ ملت‌ غیور ایران‌ و كشور حضرت‌ بقیة‌الله ـ ارواحنا لمقدمه‌ الفدا ء ـ آنچنان‌ وامانده‌ و رسوا شده‌ است‌ كه‌ نمی‌داند به‌ كه‌ متوسل‌ شود! و رو به‌ هر كس‌ می‌كند جواب‌ رد می‌شنود! و این‌ نیست‌ جز به‌ مددهای‌ غیبی‌ حضرت‌ باری‌ تعالی‌ ـ جلَّت‌ عظمتُه‌ـ كه‌ ملتها را بویژه‌ ملت‌ ایران‌ اسلامی‌ را بیدار نموده‌ و از ظلمات‌ ستمشاهی‌ به‌ نور اسلام‌ هدایت‌ نموده‌.

من‌ اكنون‌ به‌ ملتهای‌ شریف‌ ستمدیده‌ و به‌ ملت‌ عزیز ایران‌ توصیه‌ می‌كنم‌ كه‌ از این‌ راه‌ مستقیم‌ الهی‌ كه‌ نه‌ به‌ شرقِ ملحد و نه‌ به‌ غربِ ستمگرِ كافر وابسته‌ است‌، بلكه‌ به‌ صراطی‌ كه‌ خداوند به‌ آنها نصیب‌ فرموده‌ است‌ محكم‌ و استوار و متعهد و پایدارْ پایبند بوده‌، و لحظه‌ ] ای‌ [ از شكر این‌ نعمت‌ غفلت‌ نكرده‌ و دستهای‌ ناپاك‌ عمال‌ ابرقدرتها، چه‌ عمال‌ خارجی‌ و چه‌ عمال‌ داخلی‌ بدتر از خارجی‌، تزلزلی‌ در نیت‌ پاك‌ و ارادة‌ آهنین‌ آنان‌ رخنه‌ نكند؛ و بدانند كه‌ هرچه‌ رسانه‌های‌ گروهی‌ عالم‌ و قدرتهای‌ شیطانی‌ غرب‌ و شرق‌ اشتلم‌ می‌زنند دلیل‌ بر قدرت‌ الهی‌ آنان‌ است‌ و خداوند بزرگ‌ سزای‌ آنان‌ را هم‌ در این‌ عالم‌ و هم‌ در عوالم‌ دیگر خواهد داد. «إنَّه‌ ولی النِّعَم‌ و بِیدِه‌ ملكوتُ كلِّ شی‌ ء ٍ».

و با كمال‌ جِد و عجز از ملتهای‌ مسلمان‌ می‌خواهم‌ كه‌ از ائمة‌ اطهار و فرهنگ‌ سیاسی‌، اجتماعی‌، اقتصادی‌، نظامی‌ این‌ بزرگ‌ راهنمایان‌ عالم‌ بشریت‌ به‌ طور شایسته‌ و به‌ جان‌ و دل‌ و جانفشانی‌ و نثار عزیزان‌ پیروی‌ كنند. از آن‌ جمله‌ دست‌ از فقه‌ سنتی‌ كه‌ بیانگر مكتب‌ رسالت‌ و امامت‌ است‌ و ضامن‌ رشد و عظمت‌ ملتها است‌، چه‌ احكام‌ اولیه‌ و چه‌ ثانویه‌ كه‌ هر دو مكتب‌ فقه‌ اسلامی‌ است‌، ذره‌ای‌ منحرف‌ نشوند و به‌ وسواس‌ خناسان‌ معاند با حق‌ و مذهب‌ گوش‌ فرا ندهند و بدانند قدمی‌ انحرافی‌، مقدمة‌ سقوط‌ مذهب‌ و احكام‌ اسلامی‌ و حكومت‌ عدل‌ الهی‌ است‌. و از آن‌ جمله‌ از نماز جمعه‌ و جماعت‌ كه‌ بیانگر سیاسی‌ نماز است‌ هرگز غفلت‌ نكنند، كه‌ این‌ نماز جمعه‌ از بزرگترین‌ عنایات‌ حق‌ تعالی‌ بر جمهوری‌ اسلامی‌ ایران‌ است‌. و از آن‌ جمله‌ مراسم‌ عزاداری‌ ائمة‌ اطهار و بویژه‌ سید مظلومان‌ و سرور شهیدان‌، حضرت‌ ابی‌عبدالله الحسین‌ ـ صلوات‌ وافر الهی‌ و انبیا و ملائكة‌الله و صلحا بر روح‌ بزرگ‌ حماسی‌ او باد ـ هیچ‌گاه‌ غفلت‌ نكنند. و بدانند آنچه‌ دستور ائمه‌ ـ علیهم‌السلام‌ ـ برای‌ بزرگداشت‌ این‌ حماسة‌ تاریخی‌ اسلام‌ است‌ و آنچه‌ لعن‌ و نفرین‌ بر ستمگران‌ آل‌ بیت‌ است‌، تمام‌ فریاد قهرمانانة‌ ملتها است‌ بر سردمداران‌ ستم‌پیشه‌ در طول‌ تاریخ‌ الی‌ الابد. و می‌دانید كه‌ لعن‌ و نفرین‌ و فریاد از بیداد بنی‌امیه‌ لعنة‌الله علیهم‌ـ با آنكه‌ آنان‌ منقرض‌ و به‌ جهنم‌ رهسپار شده‌اند، فریاد بر سر ستمگران‌ جهان‌ و زنده‌ نگهداشتن‌ این‌ فریاد ستم‌شكن‌ است‌.

و لازم‌ است‌ در نوحه‌ها و اشعار مرثیه‌ و اشعار ثنای‌ از ائمة‌ حق‌ ـ علیهم‌ سلام‌الله ـ به‌طور كوبنده‌ فجایع‌ و ستمگریهای‌ ستمگران‌ هر عصر و مصر یادآوری‌ شود؛ و در این‌ عصر كه‌ عصر مظلومیت‌ جهان‌ اسلام‌ به‌ دست‌ امریكا و شوروی‌ و سایر وابستگان‌ به‌ آنان‌ و از آن‌ جمله‌ آل‌ سعود، این‌ خائنین‌ به‌ حرم‌ بزرگ‌ الهی‌ ـ لعنة‌الله و ملائكته‌ و رسله‌ علیهم‌ ـ است‌ به‌ طور كوبنده‌ یادآوری‌ و لعن‌ و نفرین‌ شود. و همه‌ باید بدانیم‌ كه‌ آنچه‌ موجب‌ وحدت‌ بین‌ مسلمین‌ است‌ این‌ مراسم‌ سیاسی‌ است‌ كه‌ حافظ‌ ملّیت‌ مسلمین‌، بویژه‌ شیعیان‌ ائمة‌ اثنی‌ عشر
ـ علیهم‌ صلوات‌ الله و سلم‌ ] است‌ [ .

و آنچه‌ لازم‌ است‌ تذكر دهم‌ آن‌ است‌ كه‌ وصیت‌ سیاسی‌ ـ الهی‌ اینجانب‌ اختصاص‌ به‌ ملت‌ عظیم‌الشأن‌ ایران‌ ندارد، بلكه‌ توصیه‌ به‌ جمیع‌ ملل‌ اسلامی‌ و مظلومان‌ جهان‌ از هر ملت‌ و مذهب‌ می‌باشد.

از خداوند ـ عزوجل‌ ـ عاجزانه‌ خواهانم‌ كه‌ لحظه‌ای‌ ما و ملت‌ ما را به‌ خود واگذار نكند و از عنایات‌ غیبی‌ خود به‌ این‌ فرزندان‌ اسلام‌ و رزمندگان‌ عزیز لحظه‌ [ ای‌ ] دریغ‌ نفرماید.

روح‌ الله الموسوی‌ الخمینی‌

بسم‌الله الرحمن‌ الرحیم‌

اهمیت‌ انقلاب‌ شكوهمند اسلامی‌ كه‌ دستاورد میلیونها انسان‌ ارزشمند و هزاران‌ شهید جاوید آن‌ و آسیب‌ دیدگان‌ عزیز، این‌ شهیدان‌ زنده‌ است‌ و مورد امید میلیونها مسلمانان‌ و مستضعفان‌ جهان‌ است‌، به‌ قدری‌ است‌ كه‌ ارزیابی‌ آن‌ از عهدة‌ قلم‌ و بیان‌ والاتر و برتر است‌. اینجانب‌، روح‌الله موسوی‌ خمینی‌ كه‌ از كرم‌ عظیم‌ خداوند متعال‌ با همة‌ خطایا مأیوس‌ نیستم‌ و زاد راه‌ پرخطرم‌ همان‌ دلبستگی‌ به‌ كرم‌ كریم‌ مطلق‌ است‌، به‌ عنوان‌ یك‌ نفر طلبة‌ حقیر كه‌ همچون‌ دیگر برادران‌ ایمانی‌ امید به‌ این‌ انقلاب‌ و بقای‌ دستاوردهای‌ آن‌ و به‌ ثمر رسیدن‌ هرچه‌ بیشتر آن‌ دارم‌، به‌ عنوان‌ وصیت‌ به‌ نسل‌ حاضر و نسلهای‌ عزیز آینده‌ مطالبی‌ هر چند تكراری‌ عرض‌ می‌نمایم‌. و از خداوند بخشاینده‌ می‌خواهم‌ كه‌ خلوص‌ نیت‌ در این‌ تذكرات‌ عنایت‌ فرماید.

1) ما می‌دانیم‌ كه‌ این‌ انقلاب‌ بزرگ‌ كه‌ دست‌ جهانخواران‌ و ستمگران‌ را از ایران‌ بزرگ‌ كوتاه‌ كرد، با تأییدات‌ غیبی‌ الهی‌ پیروز گردید. اگر نبود دست‌ توانای‌ خداوند امكان‌ نداشت‌ یك‌ جمعیت‌ 36 میلیونی‌ با آن‌ تبلیغات‌ ضداسلامی‌ و ضد روحانی‌ خصوص‌ در این‌ صد سال‌ اخیر و با آن‌ تفرقه‌افكنیهای‌ بیحساب‌ قلمداران‌ و زبان‌ مُزدان‌ در مطبوعات‌ و سخنرانیها و مجالس‌ و محافل‌ ضداسلامی‌ و ضدملی‌ به‌ صورت‌ ملیت‌، و آنهمه‌ شعرها و بذله‌گوییها، و آنهمه‌ مراكز عیاشی‌ و فحشا و قمار و مسكرات‌ و مواد مخدره‌ كه‌ همه‌ و همه‌ برای‌ كشیدن‌ نسل‌ جوان‌ فعال‌ كه‌ باید در راه‌ پیشرفت‌ و تعالی‌ و ترقی‌ میهن‌ عزیز خود فعالیت‌ نمایند، به‌ فساد و بی‌تفاوتی‌ در پیشامدهای‌ خائنانه‌، كه‌ به‌ دست‌ شاه‌ فاسد و پدر بی‌فرهنگش‌ و دولتها و مجالس‌ فرمایشی‌ كه‌ از طرف‌ سفارتخانه‌های‌ قدرتمندان‌ بر ملت‌ تحمیل‌ می‌شد، و از همه‌ بدتر وضع‌ دانشگاهها و دبیرستانها و مراكز آموزشی‌ كه‌ مقدرات‌ كشور به‌ دست‌ آنان‌ سپرده‌ می‌شد، با به‌ كار گرفتن‌ معلمان‌ و استادان‌ غربزده‌ یا شرقزدة‌ صددرصد مخالف‌ اسلام‌ و فرهنگ‌ اسلامی‌ بلكه‌ ملی‌ صحیح‌، با نام‌ «ملیت‌» و «ملی‌گرایی‌»، گرچه‌ در بین‌ آنان‌ مردانی‌ متعهد و دلسوز بودند، لكن‌ با اقلیت‌ فاحش‌ آنان‌ و در تنگنا قرار دادنشان‌ كار مثبتی‌ نمی‌توانستند انجام‌ دهند و با اینهمه‌ و دهها مسائل‌ دیگر، از آن‌ جمله‌ به‌ انزوا و عزلت‌ كشیدن‌ روحانیان‌ و با قدرت‌ تبلیغاتْ به‌ انحراف‌ فكری‌ كشیدن‌ بسیاری‌ از آنان‌، ممكن‌ نبود این‌ ملت‌ با این‌ وضعیت‌ یكپارچه‌ قیام‌ كنند و در سرتاسر كشور با ایدة‌ واحد و فریاد «الله اكبر» و فداكاریهای‌ حیرت‌آور و معجزه‌آسا تمام‌ قدرتهای‌ داخل‌ و خارج‌ را كنار زده‌ و خودْ مقدرات‌ كشور را به‌ دست‌ گیرد. بنابراین‌ شك‌ نباید كرد كه‌ انقلاب‌ اسلامی‌ ایران‌ از همة‌ انقلابها جدا است‌: هم‌ در پیدایش‌ و هم‌ در كیفیت‌ مبارزه‌ و هم‌ در انگیزة‌ انقلاب‌ و قیام‌. و تردید نیست‌ كه‌ این‌ یك‌ تحفة‌ الهی‌ و هدیة‌ غیبی‌ بوده‌ كه‌ از جانب‌ خداوند منان‌ بر این‌ ملت‌ مظلوم‌ غارتزده‌ عنایت‌ شده‌ است‌.

2) اسلام‌ و حكومت‌ اسلامی‌ پدیدة‌ الهی‌ است‌ كه‌ با به‌ كار بستن‌ آن‌ سعادت‌ فرزندان‌ خود را در دنیا و آخرت‌ به‌ بالاترین‌ وجه‌ تأمین‌ می‌كند و قدرت‌ آن‌ دارد كه‌ قلم‌ سرخ‌ بر ستمگریها و چپاولگریها و فسادها و تجاوزها بكشد و انسانها را به‌ كمال‌ مطلوب‌ خود برساند. و مكتبی‌ است‌ كه‌ برخلاف‌ مكتبهای‌ غیرتوحیدی‌، در تمام‌ شئون‌ فردی‌ و اجتماعی‌ و مادی‌ و معنوی‌ و فرهنگی‌ و سیاسی‌ و نظامی‌ و اقتصادی‌ دخالت‌ و نظارت‌ دارد و از هیچ‌ نكته‌، ولو بسیار ناچیز كه‌ در تربیت‌ انسان‌ و جامعه‌ و پیشرفت‌ مادی‌ و معنوی‌ نقش‌ دارد فروگذار ننموده‌ است‌؛ و موانع‌ و مشكلات‌ سر راه‌ تكامل‌ را در اجتماع‌ و فرد گوشزد نموده‌ و به‌ رفع‌ آنها كوشیده‌ است‌. اینك‌ كه‌ به‌ توفیق‌ و تأیید خداوند، جمهوری‌ اسلامی‌ با دست‌ توانای‌ ملت‌ متعهد پایه‌ریزی‌ شده‌، و آنچه‌ در این‌ حكومت‌ اسلامی‌ مطرح‌ است‌ اسلام‌ و احكام‌ مترقی‌ آن‌ است‌، بر ملت‌ عظیم‌الشأن‌ ایران‌ است‌ كه‌ در تحقق‌ محتوای‌ آن‌ به‌ جمیع‌ ابعاد و حفظ‌ و حراست‌ آن‌ بكوشند كه‌ حفظ‌ اسلام‌ در رأس‌ تمام‌ واجبات‌ است‌، كه‌ انبیای‌ عظام‌ از آدم‌ ـ علیه‌ السلام‌ ـ تا خاتم‌النبیین‌ ـ صلی‌الله علیه‌ و آله‌ و سلم‌ ـ در راه‌ آن‌ كوشش‌ و فداكاری‌ جانفرسا نموده‌اند و هیچ‌ مانعی‌ آنان‌ را از این‌ فریضة‌ بزرگ‌ بازنداشته‌؛ و همچنین‌ پس‌ از آنان‌ اصحاب‌ متعهد و ائمة‌ اسلام‌ ـ علیهم‌ صلوات‌ الله ـ با كوششهای‌ توانفرسا تا حد نثار خون‌ خود در حفظ‌ آن‌ كوشیده‌اند. و امروز بر ملت‌ ایران‌، خصوصاً، و بر جمیع‌ مسلمانان‌، عموماً، واجب‌ است‌ این‌ امانت‌ الهی‌ را كه‌ در ایران‌ به‌ طور رسمی‌ اعلام‌ شده‌ و در مدتی‌ كوتاه‌ نتایج‌ عظیمی‌ به‌ بار آورده‌، با تمام‌ توان‌ حفظ‌ نموده‌ و در راه‌ ایجاد مقتضیات‌ بقای‌ آن‌ و رفع‌ موانع‌ و مشكلات‌ آن‌ كوشش‌ نمایند. و امید است‌ كه‌ پرتو نور آن‌ بر تمام‌ كشورهای‌ اسلامی‌ تابیدن‌ گرفته‌ و تمام‌ دولتها و ملتها با یكدیگر تفاهم‌ در این‌ امر حیاتی‌ نمایند، و دست‌ ابرقدرتهای‌ عالمخوار و جنایتكاران‌ تاریخ‌ را تا ابد از سر مظلومان‌ و ستمدیدگان‌ جهان‌ كوتاه‌ نمایند.

اینجانب‌ كه‌ نفسهای‌ آخر عمر را می‌كشم‌ به‌ حسب‌ وظیفه‌، شطری‌ از آنچه‌ در حفظ‌ و بقای‌ این‌ ودیعة‌ الهی‌ دخالت‌ دارد و شطری‌ از موانع‌ و خطرهایی‌ كه‌ آن‌ را تهدید می‌كنند، برای‌ نسل‌ حاضر و نسلهای‌ آینده‌ عرض‌ می‌كنم‌ و توفیق‌ و تأیید همگان‌ را از درگاه‌ پروردگار عالمیان‌ خواهانم‌.

الف‌ بی‌تردید رمز بقای‌ انقلاب‌ اسلامی‌ همان‌ رمز پیروزی‌ است‌؛ و رمز پیروزی‌ را ملت‌ می‌داند و نسلهای‌ آینده‌ در تاریخ‌ خواهند خواند كه‌ دو ركن‌ اصلی‌ آن‌: انگیزة‌ الهی‌ و مقصد عالی‌ حكومت‌ اسلامی‌؛ و اجتماع‌ ملت‌ در سراسر كشور با وحدت‌ كلمه‌ برای‌ همان‌ انگیزه‌ و مقصد.

اینجانب‌ به‌ همة‌ نسلهای‌ حاضر و آینده‌ وصیت‌ می‌كنم‌ كه‌ اگر بخواهید اسلام‌ و حكومت‌ الله برقرار باشد و دست‌ استعمار و استثمارگرانِ خارج‌ و داخل‌ از كشورتان‌ قطع‌ شود، این‌ انگیزة‌ الهی‌ را كه‌ خداوند تعالی‌ در قرآن‌ كریم‌ بر آن‌ سفارش‌ فرموده‌ است‌ از دست‌ ندهید؛ و در مقابل‌ این‌ انگیزه‌ كه‌ رمز پیروزی‌ و بقای‌ آن‌ است‌، فراموشی‌ هدف‌ و تفرقه‌ و اختلاف‌ است‌. بی‌جهت‌ نیست‌ كه‌ بوقهای‌ تبلیغاتی‌ در سراسر جهان‌ و ولیده‌های‌ بومی‌ آنان‌ تمام‌ توان‌ خود را صرف‌ شایعه‌ها و دروغهای‌ تفرقه‌افكن‌ نموده‌اند و میلیاردها دلار برای‌ آن‌ صرف‌ می‌كنند. بی‌ انگیزه‌ نیست‌ سفرهای‌ دائمی‌ مخالفان‌ جمهوری‌ اسلامی‌ به‌ منطقه‌. و مع‌الاسف‌ در بین‌ آنان‌ از سردمداران‌ و حكومتهای‌ بعض‌ كشورهای‌ اسلامی‌، كه‌ جز به‌ منافع‌ شخص‌ خود فكر نمی‌كنند و چشم‌ و گوش‌ بسته‌ تسلیم‌ امریكا هستند دیده‌ می‌شود؛ و بعض‌ از روحانی‌ نماها نیز به‌ آنان‌ ملحقند.

امروز و در آتیه‌ نیز آنچه‌ برای‌ ملت‌ ایران‌ ومسلمانان‌ جهان‌ باید مطرح‌ باشد و اهمیت‌ آن‌ را در نظر گیرند، خنثی‌ كردن‌ تبلیغات‌ تفرقه‌ افكنِ خانه‌ برانداز است‌. توصیة‌ اینجانب‌ به‌ مسلمین‌ و خصوص‌ ایرانیان‌ بویژه‌ در عصر حاضر، آن‌ است‌ كه‌ در مقابل‌ این‌ توطئه‌ها عكس‌ العمل‌ نشان‌ داده‌ و به‌ انسجام‌ و وحدت‌ خود، به‌ هر راه‌ ممكن‌ افزایش‌ دهند و كفار و منافقان‌ را مأیوس‌ نمایند.

ب‌ از توطئه‌های‌ مهمی‌ كه‌ در قرن‌ اخیر، خصوصاً در دهه‌های‌ معاصر، و بویژه‌ پس‌ از پیروزی‌ انقلاب‌ آشكارا به‌ چشم‌ می‌خورد، تبلیغات‌ دامنه‌دار با ابعاد مختلف‌ برای‌ مأیوس‌ نمودن‌ ملتها و خصوص‌ ملت‌ فداكار ایران‌ از اسلام‌ است‌. گاهی‌ ناشیانه‌ و با صراحت‌ به‌ اینكه‌ احكام‌ اسلام‌ كه‌ 1400 سال‌ قبل‌ وضع‌ شده‌ است‌ نمی‌تواند در عصر حاضر كشورها را اداره‌ كند، یا آنكه‌ اسلام‌ یك‌ دین‌ ارتجاعی‌ است‌ و با هر نوآوری‌ و مظاهر تمدن‌ مخالف‌ است‌، و در عصر حاضر نمی‌شود كشورها از تمدن‌ جهانی‌ و مظاهر آن‌ كناره‌ گیرند، و امثال‌ این‌ تبلیغات‌ ابلهانه‌ و گاهی‌ موذیانه‌ و شیطنت‌آمیز به‌ گونة‌ طرفداری‌ از قداست‌ اسلام‌ كه‌ اسلام‌ و دیگر ادیان‌ الهی‌ سر و كار دارند با معنویات‌ و تهذیب‌ نفوس‌ و تحذیر از مقامات‌ دنیایی‌ و دعوت‌ به‌ ترك‌ دنیا و اشتغال‌ به‌ عبادات‌ و اذكار و ادعیه‌ كه‌ انسان‌ را به‌ خدای‌ تعالی‌ نزدیك‌ و از دنیا دور می‌كند، و حكومت‌ و سیاست‌ و سررشته‌داری‌ برخلاف‌ آن‌ مقصد و مقصود بزرگ‌ و معنوی‌ است‌، چه‌ اینها تمام‌ برای‌ تعمیر دنیا است‌ و آن‌ مخالف‌ مسلك‌ انبیای‌ عظام‌ است‌! و مع‌الاسف‌ تبلیغ‌ به‌ وجه‌ دوم‌ در بعض‌ از روحانیان‌ و متدینان‌ بیخبر از اسلام‌ تأثیر گذاشته‌ كه‌ حتی‌ دخالت‌ در حكومت‌ و سیاست‌ را به‌ مثابة‌ یك‌ گناه‌ و فسق‌ می‌دانستند و شاید بعضی‌ بدانند! و این‌ فاجعة‌ بزرگی‌ است‌ كه‌ اسلام‌ مبتلای‌ به‌ آن‌ بود.

گروه‌ اول‌ كه‌ باید گفت‌ از حكومت‌ و قانون‌ و سیاست‌ یا اطلاع‌ ندارند یا غرضمندانه‌ خود را به‌ بی‌اطلاعی‌ می‌زنند. زیرا اجرای‌ قوانین‌ بر معیار قسط‌ و عدل‌ و جلوگیری‌ از ستمگری‌ و حكومت‌ جائرانه‌ و بسط‌ عدالت‌ فردی‌ و اجتماعی‌ و منع‌ از فساد و فحشا و انواع‌ كجرویها، و آزادی‌ بر معیار عقل‌ و عدل‌ و استقلال‌ و خودكفایی‌ و جلوگیری‌ از استعمار و استثمار و استعباد، و حدود و قصاص‌ و تعزیرات‌ بر میزان‌ عدل‌ برای‌ جلوگیری‌ از فساد و تباهی‌ یك‌ جامعه‌، و سیاست‌ و راه‌ بردن‌ جامعه‌ به‌ موازین‌ عقل‌ و عدل‌ و انصاف‌ و صدها از این‌ قبیل‌، چیزهایی‌ نیست‌ كه‌ با مرور زمان‌ در طول‌ تاریخ‌ بشر و زندگی‌ اجتماعی‌ كهنه‌ شود. این‌ دعوی‌ به‌ مثابة‌ آن‌ است‌ كه‌ گفته‌ شود قواعد عقلی‌ و ریاضی‌ در قرن‌ حاضر باید عوض‌ شود و به‌ جای‌ آن‌ قواعد دیگر نشانده‌ شود. اگر در صدر خلقت‌، عدالت‌ اجتماعی‌ باید جاری‌ شود و از ستمگری‌ و چپاول‌ و قتل‌ باید جلوگیری‌ شود، امروز چون‌ قرن‌ اتم‌ است‌ آن‌ روش‌ كهنه‌ شده‌! و ادعای‌ آنكه‌ اسلام‌ با نوآوردها مخالف‌ است‌ ـ همان‌ سان‌ كه‌ محمدرضا پهلوی‌ مخلوع‌ می‌گفت‌ كه‌ اینان‌ می‌خواهند با چهارپایان‌ در این‌ عصر سفر كنند ـ یك‌ اتهام‌ ابلهانه‌ بیش‌ نیست‌. زیرا اگر مراد از مظاهر تمدن‌ و نوآوردها، اختراعات‌ و ابتكارات‌ و صنعتهای‌ پیشرفته‌ كه‌ در پیشرفت‌ و تمدن‌ بشر دخالت‌ دارد، هیچ‌گاه‌ اسلام‌ و هیچ‌ مذهب‌ توحیدی‌ با آن‌ مخالفت‌ نكرده‌ و نخواهد كرد بلكه‌ علم‌ و صنعت‌ مورد تأكید اسلام‌ و قرآن‌ مجید است‌. و اگر مراد از تجدد و تمدن‌ به‌ آن‌ معنی‌ است‌ كه‌ بعضی‌ روشنفكران‌ حرفه‌ای‌ می‌گویند كه‌ آزادی‌ در تمام‌ منكرات‌ و فحشا حتی‌ همجنس‌بازی‌ و از این‌ قبیل‌، تمام‌ ادیان‌ آسمانی‌ و دانشمندان‌ و عقلا با آن‌ مخالفند گرچه‌ غرب‌ و شرقزدگان‌ به‌ تقلید كوركورانه‌ آن‌ را ترویج‌ می‌كنند.

و اما طایفة‌ دوم‌ كه‌ نقشة‌ موذیانه‌ دارند و اسلام‌ را از حكومت‌ و سیاست‌ جدا می‌دانند. باید به‌ این‌ نادانان‌ گفت‌ كه‌ قرآن‌ كریم‌ و سنت‌ رسول‌الله ـ صلی‌الله علیه‌ و آله‌ ـ آنقدر كه‌ در حكومت‌ و سیاست‌ احكام‌ دارند در سایر چیزها ندارند؛ بلكه‌ بسیار از احكام‌ عبادی‌ اسلام‌، عبادی‌ ـ سیاسی‌ است‌ كه‌ غفلت‌ از آنها این‌ مصیبتها را به‌ بار آورده‌. پیغمبر اسلام‌(ص‌) تشكیل‌ حكومت‌ داد مثل‌ سایر حكومتهای‌ جهان‌ لكن‌ با انگیزة‌ بسط‌ عدالت‌ اجتماعی‌. و خلفای‌ اول‌ اسلامی‌ حكومتهای‌ وسیع‌ داشته‌اند و حكومت‌ علی‌بن‌ ابیطالب‌ ـ علیه‌السلام‌ ـ نیز با همان‌ انگیزه‌، به‌ طور وسیعتر و گسترده‌تر از واضحات‌ تاریخ‌ است‌. و پس‌ از آن‌ بتدریج‌ حكومت‌ به‌ اسم‌ اسلام‌ بوده‌؛ و اكنون‌ نیز مدعیان‌ حكومت‌ اسلامی‌ به‌ پیروی‌ از اسلام‌ و رسول‌ اكرم‌ ـ صلی‌الله علیه‌ و آله‌ ـ بسیارند.

اینجانب‌ در این‌ وصیتنامه‌ با اشاره‌ می‌گذرم‌، ولی‌ امید آن‌ دارم‌ كه‌ نویسندگان‌ و جامعه‌شناسان‌ و تاریخ‌نویسان‌، مسلمانان‌ را از این‌ اشتباه‌ بیرون‌ آورند. و آنچه‌ گفته‌ شده‌ و می‌شود كه‌ انبیا ـ علیهم‌السلام‌ ـ به‌ معنویات‌ كار دارند و حكومت‌ و سررشته‌داری‌ دنیایی‌ مطرود است‌ و انبیا و اولیا و بزرگان‌ از آن‌ احتراز می‌كردند و ما نیز باید چنین‌ كنیم‌، اشتباه‌ تأسف‌آوری‌ است‌ كه‌ نتایج‌ آن‌ به‌ تباهی‌ كشیدن‌ ملتهای‌ اسلامی‌ و باز كردن‌ راه‌ برای‌ استعمارگران‌ خونخوار است‌، زیرا آنچه‌ مردود است‌ حكومتهای‌ شیطانی‌ و دیكتاتوری‌ و ستمگری‌ است‌ كه‌ برای‌ سلطه‌جویی‌ و انگیزه‌های‌ منحرف‌ و دنیایی‌ كه‌ از آن‌ تحذیر نموده‌اند؛ جمع‌آوری‌ ثروت‌ و مال‌ و قدرت‌طلبی‌ و طاغوت‌ گرایی‌ است‌ و بالاخره‌ دنیایی‌ است‌ كه‌ انسان‌ را از حق‌ تعالی‌ غافل‌ كند. و اما حكومت‌ حق‌ برای‌ نفع‌ مستضعفان‌ و جلوگیری‌ از ظلم‌ و جور و اقامة‌ عدالت‌ اجتماعی‌، همان‌ است‌ كه‌ مثل‌ سلیمان‌ بن‌ داوود و پیامبر عظیم‌الشأن‌ اسلام‌ ـ صلی‌الله علیه‌ و آله‌ ـ و اوصیای‌ بزرگوارش‌ برای‌ آن‌ كوشش‌ می‌كردند؛ از بزرگترین‌ واجبات‌ و اقامة‌ آن‌ از والاترین‌ عبادات‌ است‌، چنانچه‌ سیاست‌ سالم‌ كه‌ در این‌ حكومتها بوده‌ از امور لازمه‌ است‌. باید ملت‌ بیدار و هوشیار ایران‌ با دید اسلامی‌ این‌ توطئه‌ها را خنثی‌ نمایند. و گویندگان‌ و نویسندگان‌ متعهد به‌ كمك‌ ملت‌ برخیزند و دست‌ شیاطین‌ توطئه‌گر را قطع‌ نمایند.

ج‌ و از همین‌ قماش‌ توطئه‌ها و شاید موذیانه‌تر، شایعه‌های‌ وسیع‌ در سطح‌ كشور، و در شهرستانها بیشتر، بر اینكه‌ جمهوری‌ اسلامی‌ هم‌ كاری‌ برای‌ مردم‌ انجام‌ نداد. بیچاره‌ مردم‌ با آن‌ شوق‌ و شعف‌ فداكاری‌ كردند كه‌ از رژیم‌ ظالمانة‌ طاغوت‌ رهایی‌ یابند، گرفتار یك‌ رژیم‌ بدتر شدند! مستكبران‌ مستكبرتر و مستضعفان‌ مستضعف‌تر شدند! زندانها پر از جوانان‌ كه‌ امید آتیة‌ كشور است‌ می‌باشد و شكنجه‌ها از رژیم‌ سابق‌ بدتر و غیرانسانیتر است‌! هر روز عده‌ای‌ را اعدام‌ می‌كنند به‌ اسم‌ اسلام‌! و ای‌ كاش‌ اسم‌ اسلام‌ روی‌ این‌ جمهوری‌ نمی‌گذاشتند! این‌ زمان‌ از زمان‌ رضاخان‌ و پسرش‌ بدتر است‌! مردم‌ در رنج‌ و زحمت‌ و گرانی‌ سرسام‌آور غوطه‌ می‌خورند و سردمداران‌ دارند این‌ رژیم‌ را به‌ رژیمی‌ كمونیستی‌ هدایت‌ می‌كنند! اموال‌ مردم‌ مصادره‌ می‌شود و آزادی‌ در هر چیز از ملت‌ سلب‌ شده‌! و بسیاری‌ دیگر از این‌ قبیل‌ امور كه‌ با نقشه‌ اجرا می‌شود. و دلیل‌ آنكه‌ نقشه‌ و توطئه‌ در كار است‌ آنكه‌ هرچند روز یك‌ امر در هر گوشه‌ و كنار و در هر كوی‌ و برزن‌ سر زبانها می‌افتد؛ در تاكسیها همین‌ مطلب‌ واحد و در اتوبوسها نیز همین‌ و در اجتماعات‌ چند نفره‌ باز همین‌ صحبت‌ می‌شود؛ و یكی‌ كه‌ قدری‌ كهنه‌ شد یكی‌ دیگر معروف‌ می‌شود. و مع‌الاسف‌ بعض‌ روحانیون‌ كه‌ از حیله‌های‌ شیطانی‌ بیخبرند با تماس‌ یكی‌ ـ دو نفر از عوامل‌ توطئه‌ گمان‌ می‌كنند مطلب‌ همان‌ است‌. و اساس‌ مسأله‌ آن‌ است‌ كه‌ بسیاری‌ از آنان‌ كه‌ این‌ مسائل‌ را می‌شنوند و باور می‌كنند اطلاع‌ از وضع‌ دنیا و انقلابهای‌ جهان‌ و حوادث‌ بعد از انقلاب‌ و گرفتاریهای‌ عظیم‌ اجتناب‌ناپذیر آن‌ ندارند چنانچه‌ اطلاع‌ صحیح‌ از تحولاتی‌ كه‌ همه‌ به‌ سود اسلام‌ است‌ ندارند ـ و چشم‌ بسته‌ و بیخبر امثال‌ این‌ مطالب‌ را شنیده‌ و خود نیز با غفلت‌ یا عمد به‌ آنان‌ پیوسته‌اند.

اینجانب‌ توصیه‌ می‌كنم‌ كه‌ قبل‌ از مطالعة‌ وضعیت‌ كنونی‌ جهان‌ و مقایسه‌ بین‌ انقلاب‌ اسلامی‌ ایران‌ با سایر انقلابات‌ و قبل‌ از آشنایی‌ با وضعیت‌ كشورها و ملتهایی‌ كه‌ در حال‌ انقلاب‌ و پس‌ از انقلابشان‌ بر آنان‌ چه‌ می‌گذشته‌ است‌، و قبل‌ از توجه‌ به‌ گرفتاریهای‌ این‌ كشور طاغوتزده‌ از ناحیة‌ رضاخان‌ و بدتر از آن‌ محمدرضا كه‌ در طول‌ چپاولگریهایشان‌ برای‌ این‌ دولت‌ به‌ ارث‌ گذاشته‌اند، از وابستگیهای‌ عظیم‌ خانمانسوز، تا اوضاع‌ وزارتخانه‌ها و ادارات‌ و اقتصاد و ارتش‌ و مراكز عیاشی‌ و مغازه‌های‌ مسكرات‌ فروشی‌ و ایجاد بی‌بندوباری‌ در تمام‌ شئون‌ زندگی‌ و اوضاع‌ تعلیم‌ و تربیت‌ و اوضاع‌ دبیرستانها و دانشگاهها و اوضاع‌ سینماها و عشرتكده‌ها و وضعیت‌ جوانها و زنها و وضعیت‌ روحانیون‌ و متدینین‌ و آزادیخواهان‌ متعهّد و بانوان‌ عفیف‌ ستمدیده‌ و مساجد در زمان‌ طاغوت‌ و رسیدگی‌ به‌ پروندة‌ اعدام‌ شدگان‌ و محكومان‌ به‌ حبس‌ و رسیدگی‌ به‌ زندانها و كیفیت‌ عملكرد متصدیان‌ و رسیدگی‌ به‌ مال‌ سرمایه‌داران‌ و زمینخواران‌ بزرگ‌ و محتكران‌ و گرانفروشان‌ و رسیدگی‌ به‌ دادگستریها و دادگاههای‌ انقلاب‌ و مقایسه‌ با وضع‌ سابق‌ دادگستری‌ و قضات‌ و رسیدگی‌ به‌ حال‌ نمایندگان‌ مجلس‌ شورای‌ اسلامی‌ و اعضای‌ دولت‌ و استاندارها و سایر مأمورین‌ كه‌ در این‌ زمان‌ آمده‌اند و مقایسه‌ با زمان‌ سابق‌ و رسیدگی‌ به‌ عملكرد دولت‌ و جهاد سازندگی‌ در روستاهای‌ محروم‌ از همة‌ مواهب‌ حتی‌ آب‌ آشامیدنی‌ و درمانگاه‌ و مقایسه‌ با طول‌ رژیم‌ سابق‌ با در نظر گرفتن‌ گرفتاری‌ به‌ جنگ‌ تحمیلی‌ و پیامدهای‌ آن‌ از قبیل‌ آوارگان‌ میلیونی‌ و خانواده‌های‌ شهدا و آسیب‌دیدگان‌ در جنگ‌ و آوارگان‌ میلیونی‌ افغانستان‌ و عراق‌ و با نظر به‌ حصر اقتصادی‌ و توطئه‌های‌ پی‌ در پی‌ امریكا و وابستگان‌ خارج‌ و داخلش‌ (اضافه‌ كنید فقدان‌ مبلّغ‌ آشنا به‌ مسائل‌ به‌ مقدار احتیاج‌ و قاضی‌ شرع‌) و هرج‌ و مرجهایی‌ كه‌ از طرف‌ مخالفان‌ اسلام‌ و منحرفان‌ و حتی‌ دوستان‌ نادان‌ در دست‌ اجرا است‌ و دهها مسائل‌ دیگر، تقاضا این‌ است‌ كه‌ قبل‌ از آشنایی‌ به‌ مسائل‌، به‌ اشكالتراشی‌ و انتقاد كوبنده‌ و فحاشی‌ برنخیزید؛ و به‌ حال‌ این‌ اسلام‌ غریب‌ كه‌ پس‌ از صدها سال‌ ستمگری‌ قلدرها و جهل‌ توده‌ها امروز طفلی‌ تازه‌پا و ولیده‌ای‌ است‌ محفوف‌ به‌ دشمنهای‌ خارج‌ و داخل‌، رحم‌ كنید. و شما اشكالتراشان‌ به‌ فكر بنشینید كه‌ آیا بهتر نیست‌ به‌ جای‌ سركوبی‌ به‌ اصلاح‌ و كمك‌ بكوشید؛ و به‌ جای‌ طرفداری‌ از منافقان‌ و ستمگران‌ و سرمایه‌داران‌ و محتكران‌ بی‌انصاف‌ از خدا بیخبر، طرفدار مظلومان‌ و ستمدیدگان‌ و محرومان‌ باشید؛ و به‌ جای‌ گروههای‌ آشوبگر و تروریستهای‌ مفسد و طرفداری‌ غیرمستقیم‌ از آنان‌، توجهی‌ به‌ ترور شدگان‌ از روحانیون‌ مظلوم‌ تا خدمتگزاران‌ متعهد مظلوم‌ داشته‌ باشید؟

اینجانب‌ هیچ‌ گاه‌ نگفته‌ و نمی‌گویم‌ كه‌ امروز در این‌ جمهوری‌ به‌ اسلام‌ بزرگ‌ با همة‌ ابعادش‌ عمل‌ می‌شود و اشخاصی‌ از روی‌ جهالت‌ و عقده‌ و بی‌انضباطی‌ برخلاف‌ مقررات‌ اسلام‌ عمل‌ نمی‌كنند؛ لكن‌ عرض‌ می‌كنم‌ كه‌ قوة‌ مقننه‌ و قضاییه‌ و اجراییه‌ با زحمات‌ جانفرسا كوشش‌ در اسلامی‌ كردن‌ این‌ كشور می‌كنند و ملتِ دهها میلیونی‌ نیز طرفدار و مددكار آنان‌ هستند؛ و اگر این‌ اقلیت‌ اشكالتراش‌ و كارشكن‌ به‌ كمك‌ بشتابند، تحقق‌ این‌ آمال‌ آسانتر و سریعتر خواهد بود. و اگر خدای‌ نخواسته‌ اینان‌ به‌ خود نیایند، چون‌ تودة‌ میلیونی‌ بیدار شده‌ و متوجه‌ مسائل‌ است‌ و در صحنه‌ حاضر است‌، آمال‌ انسانی‌ ـ اسلامی‌ به‌ خواست‌ خداوند متعال‌ جامة‌ عمل‌ به‌ طور چشمگیر خواهد پوشید و كجروان‌ و اشكالتراشان‌ در مقابل‌ این‌ سیل‌ خروشان‌ نخواهند توانست‌ مقاومت‌ كنند.

من‌ با جرأت‌ مدعی‌ هستم‌ كه‌ ملت‌ ایران‌ و تودة‌ میلیونی‌ آن‌ در عصر حاضر بهتر از ملت‌ حجاز در عهد رسول‌الله ـ صلی‌الله علیه‌ و آله‌ ـ و كوفه‌ و عراق‌ در عهد امیرالمؤمنین‌ و حسین‌ بن‌ علی‌ ـ صلوات‌ الله و سلامه‌ علیهما ـ می‌باشند. آن‌ حجاز كه‌ در عهد رسول‌الله ـ صلی‌الله علیه‌ و آله‌ ـ مسلمانان‌ نیز اطاعت‌ از ایشان‌ نمی‌كردند و با بهانه‌هایی‌ به‌ جبهه‌ نمی‌رفتند، كه‌ خداوند تعالی‌ در سورة‌ «توبه‌» با آیاتی‌ آنها را توبیخ‌ فرموده‌ و وعدة‌ عذاب‌ داده‌ است‌. و آنقدر به‌ ایشان‌ دروغ‌ بستند كه‌ به‌ حسب‌ نقل‌، در منبر به‌ آنان‌ نفرین‌ فرمودند. و آن‌ اهل‌ عراق‌ و كوفه‌ كه‌ با امیرالمؤمنین‌ آنقدر بدرفتاری‌ كردند و از اطاعتش‌ سر باز زدند كه‌ شكایات‌ آن‌ حضرت‌ از آنان‌ در كتب‌ نقل‌ و تاریخ‌ معروف‌ است‌. و آن‌ مسلمانان‌ عراق‌ و كوفه‌ كه‌ با سیدالشهدا ـ علیه‌السلام‌ ـ آن‌ شد كه‌ شد. و آنان‌ كه‌ در
شهادت‌ دستْ آلوده‌ نكردند، یا گریختند از معركه‌ و یا نشستند تا آن‌ جنایت‌ تاریخ‌ واقع‌ شد. اما امروز می‌بینیم‌ كه‌ ملت‌ ایران‌ از قوای‌ مسلح‌ نظامی‌ و انتظامی‌ و سپاه‌ و بسیج‌ تا قوای‌ مردمی‌ از عشایر و داوطلبان‌ و از قوای‌ در جبهه‌ها و مردم‌ پشت‌ جبهه‌ها، با كمال‌ شوق‌ و اشتیاق‌ چه‌ فداكاریها می‌كنند و چه‌ حماسه‌ها می‌آفرینند. و می‌بینیم‌ كه‌ مردم‌ محترم‌ سراسر كشور چه‌ كمكهای‌ ارزنده‌ می‌كنند. و می‌بینیم‌ كه‌ بازماندگان‌ شهدا و آسیب‌ دیدگان‌ جنگ‌ و متعلقان‌ آنان‌ با چهره‌های‌ حماسه‌آفرین‌ و گفتار و كرداری‌ مشتاقانه‌ و اطمینان‌ بخش‌ با ما و شما روبه‌رو می‌شوند. و اینها همه‌ از عشق‌ و علاقه‌ و ایمان‌ سرشار آنان‌ است‌ به‌ خداوند متعال‌ و اسلام‌ و حیات‌ جاویدان‌. در صورتی‌ كه‌ نه‌ در محضر مبارك‌ رسول‌ اكرم‌ ـ صلی‌الله علیه‌ و آله‌ و سلم‌ ـ هستند، و نه‌ در محضر امام‌ معصوم‌ ـ صلوات‌ الله علیه‌. و انگیزة‌ آنان‌ ایمان‌ و اطمینان‌ به‌ غیب‌ است‌. و این‌ رمز موفقیت‌ و پیروزی‌ در ابعاد مختلف‌ است‌. و اسلام‌ باید افتخار كند كه‌ چنین‌ فرزندانی‌ تربیت‌ نموده‌، و ما همه‌ مفتخریم‌ كه‌ در چنین‌ عصری‌ و در پیشگاه‌ چنین‌ ملتی‌ می‌باشیم‌.

و اینجانب‌ در اینجا یك‌ وصیت‌ به‌ اشخاصی‌ كه‌ به‌ انگیزة‌ مختلف‌ با جمهوری‌ اسلامی‌ مخالفت‌ می‌كنند و به‌ جوانان‌، چه‌ دختران‌ و چه‌ پسرانی‌ كه‌ مورد بهره‌برداری‌ منافقان‌ و منحرفان‌ فرصت‌ طلب‌ و سودجو واقع‌ شده‌اند می‌نمایم‌، كه‌ بیطرفانه‌ و با فكر آزاد به‌ قضاوت‌ بنشینید و تبلیغات‌ آنان‌ كه‌ می‌خواهند جمهوری‌ اسلامی‌ ساقط‌ شود و كیفیت‌ عمل‌ آنان‌ و رفتارشان‌ با توده‌های‌ محروم‌ و گروهها و دولتهایی‌ كه‌ از آنان‌ پشتیبانی‌ كرده‌ و می‌كنند و گروهها و اشخاصی‌ كه‌ در داخل‌ به‌ آنان‌ پیوسته‌ و از آنان‌ پشتیبانی‌ می‌كنند و اخلاق‌ و رفتارشان‌ در بین‌ خود و هوادارانشان‌ و تغییر موضعهایشان‌ در پیشامدهای‌ مختلف‌ را، با دقت‌ و بدون‌ هوای‌ نفس‌ بررسی‌ كنید، و مطالعه‌ كنید حالات‌ آنان‌ كه‌ در این‌ جمهوری‌ اسلامی‌ به‌ دست‌ منافقان‌ و منحرفان‌ شهید شدند، و ارزیابی‌ كنید بین‌ آنان‌ و دشمنانشان‌؛ نوارهای‌ این‌ شهیدان‌ تا حدی‌ در دست‌ و نوارهای‌ مخالفان‌ شاید در دست‌ شماها باشد، ببینید كدام‌ دسته‌ طرفدار محرومان‌ و مظلومان‌ جامعه‌ هستند.

برادران‌! شما این‌ اوراق‌ را قبل‌ از مرگ‌ من‌ نمی‌خوانید. ممكن‌ است‌ پس‌ از من‌ بخوانید در آن‌ وقت‌ من‌ نزد شما نیستم‌ كه‌ بخواهم‌ به‌ نفع‌ خود و جلب‌ نظرتان‌ برای‌ كسب‌ مقام‌ و قدرتی‌ با قلبهای‌ جوان‌ شما بازی‌ كنم‌. من‌ برای‌ آنكه‌ شما جوانان‌ شایسته‌ای‌ هستید علاقه‌ دارم‌ كه‌ جوانی‌ خود را در راه‌ خداوند و اسلام‌ عزیز و جمهوری‌ اسلامی‌ صرف‌ كنید تا سعادت‌ هر دو جهان‌ را دریابید. و از خداوند غفور می‌خواهم‌ كه‌ شما را به‌ راه‌ مستقیم‌ انسانیت‌ هدایت‌ كند و از گذشتة‌ ما و شما با رحمت‌ واسعة‌ خود بگذرد. شماها نیز در خلوتها از خداوند همین‌ را بخواهید، كه‌ او هادی‌ و رحمان‌ است‌.

و یك‌ وصیت‌ به‌ ملت‌ شریف‌ ایران‌ و سایر ملتهای‌ مبتلا به‌ حكومتهای‌ فاسد و دربند قدرتهای‌ بزرگ‌ می‌كنم‌؛ اما به‌ ملت‌ عزیز ایران‌ توصیه‌ می‌كنم‌ كه‌ نعمتی‌ كه‌ با جهاد عظیم‌ خودتان‌ و خون‌ جوانان‌ برومندتان‌ به‌ دست‌ آوردید همچون‌ عزیزترین‌ امور قدرش‌ را بدانید و از آن‌ حفاظت‌ و پاسداری‌ نمایید و در راه‌ آن‌، كه‌ نعمتی‌ عظیم‌ الهی‌ و امانت‌ بزرگ‌ خداوندی‌ است‌ كوشش‌ كنید و از مشكلاتی‌ كه‌ در این‌ صراط‌ مستقیم‌ پیش‌ می‌آید نهراسید كه‌ إن‌ تَنْصرواالله ینْصُرْكم‌ و یثَبِّتْ اَقدامَكم‌ . و در مشكلات‌ دولت‌ جمهوری‌ اسلامی‌ با جان‌ و دل‌ شریك‌ و در رفع‌ آنها كوشا باشید، و دولت‌ و مجلس‌ را از خود بدانید، و چون‌ محبوبی‌ گرامی‌ از آن‌ نگهداری‌ كنید.

و به‌ مجلس‌ و دولت‌ و دست‌اندركاران‌ توصیه‌ می‌نمایم‌ كه‌ قدر این‌ ملت‌ را بدانید و در خدمتگزاری‌ به‌ آنان‌ خصوصاً مستضعفان‌ و محرومان‌ و ستمدیدگان‌ كه‌ نور چشمان‌ ما و اولیای‌ نعم‌ همه‌ هستند و جمهوری‌ اسلامی‌ رهاورد آنان‌ و با فداكاریهای‌ آنان‌ تحقق‌ پیدا كرد و بقای‌ آن‌ نیز مرهون‌ خدمات‌ آنان‌ است‌، فروگذار نكنید و خود را از مردم‌ و آنان‌ را از خود بدانید و حكومتهای‌ طاغوتی‌ را كه‌ چپاولگرانی‌ بی‌فرهنگ‌ و زورگویانی‌ تهی‌ مغز بودند و هستند را همیشه‌ محكوم‌ نمایید، البته‌ با اعمال‌ انسانی‌ كه‌ شایسته‌ برای‌ یك‌ حكومت‌ اسلامی‌ است‌.

و اما به‌ ملتهای‌ اسلامی‌ توصیه‌ می‌كنم‌ كه‌ از حكومت‌ جمهوری‌ اسلامی‌ و از ملت‌ مجاهد ایران‌ الگو بگیرید و حكومتهای‌ جائر خود را در صورتی‌ كه‌ به‌ خواست‌ ملتها كه‌ خواست‌ ملت‌ ایران‌ است‌ سر فرود نیاوردند، با تمام‌ قدرت‌ به‌ جای‌ خود بنشانید، كه‌ مایة‌ بدبختی‌ مسلمانان‌، حكومتهای‌ وابستة‌ به‌ شرق‌ و غرب‌ می‌باشند. و اكیداً توصیه‌ می‌كنم‌ كه‌ به‌ بوقهای‌ تبلیغاتی‌ مخالفان‌ اسلام‌ و جمهوری‌ اسلامی‌ گوش‌ فرا ندهید كه‌ همه‌ كوشش‌ دارند كه‌ اسلام‌ را از صحنه‌ بیرون‌ كنند كه‌ منافع‌ ابرقدرتها تأمین‌ شود.

د از نقشه‌های‌ شیطانی قدرتهای‌ بزرگ‌ استعمار و استثمارگر كه‌ سالهای‌ طولانی‌ در دست‌ اجرا است‌ و در كشور ایران‌ از زمان‌ رضاخان‌ اوج‌ گرفت‌ و در زمان‌ محمدرضا با روشهای‌ مختلف‌ دنباله‌گیری‌ شد، به‌ انزواكشاندن‌ روحانیت‌ است‌؛ كه‌ در زمان‌ رضاخان‌ با فشار و سركوبی‌ و خلع‌ لباس‌ و حبس‌ و تبعید و هتك‌ حرمات‌ و اعدام‌ و امثال‌ آن‌، و در زمان‌ محمدرضا با نقشه‌ و روشهای‌ دیگر كه‌ یكی‌ از آنها ایجاد عداوت‌ بین‌ دانشگاهیان‌ و روحانیان‌ بود، كه‌ تبلیغات‌ وسیعی‌ در این‌ زمینه‌ شد؛ و مع‌الاسف‌ به‌ واسطة‌ بیخبری‌ هر دو قشر از توطئة‌ شیطانی‌ ابرقدرتها نتیجة‌ چشمگیری‌ گرفته‌ شد. از یك‌ طرف‌، از دبستانها تا دانشگاهها كوشش‌ شد كه‌ معلمان‌ و دبیران‌ و اساتید و رؤسای‌ دانشگاهها از بین‌ غربزدگان‌ یا شرقزدگان‌ و منحرفان‌ از اسلام‌ و سایر ادیان‌ انتخاب‌ و به‌ كار گماشته‌ شوند و متعهدان‌ مؤمن‌ در اقلیت‌ قرار گیرند كه‌ قشر مؤثر را كه‌ در آتیه‌ حكومت‌ را به‌ دست‌ می‌گیرند، از كودكی‌ تا نوجوانی‌ و تا جوانی‌ طوری‌ تربیت‌ كنند كه‌ از ادیان‌ مطلقاً، و اسلام‌ بخصوص‌، و از وابستگان‌ به‌ ادیان‌ خصوصاً روحانیون‌ و مبلغان‌، متنفر باشند. و اینان‌ را عمال‌ انگلیس‌ در آن‌ زمان‌، و طرفدار سرمایه‌داران‌ و زمینخواران‌ و طرفدار ارتجاع‌ و مخالف‌ تمدن‌ و تعالی‌ در بعد از آن‌ معرفی‌ می‌نمودند. و از طرف‌ دیگر، با تبلیغات‌ سو ء ، روحانیون‌ و مبلغان‌ و متدینان‌ را از دانشگاه‌ و دانشگاهیان‌ ترسانیده‌ و همه‌ را به‌ بی‌دینی‌ و بی‌بند و باری‌ و مخالف‌ با مظاهر اسلام‌ و ادیان‌ متهم‌ می‌نمودند. نتیجه‌ آنكه‌ دولتمردانْ مخالف‌ ادیان‌ و اسلام‌ و روحانیون‌ و متدینان‌ باشند؛ و توده‌های‌ مردم‌ كه‌ علاقه‌ به‌ دین‌ و روحانی‌ دارند مخالف‌ دولت‌ و حكومت‌ و هر چه‌ متعلق‌ به‌ آن‌ است‌ باشند، و اختلاف‌ عمیق‌ بین‌ دولت‌ و ملت‌ و دانشگاهی‌ و روحانی‌ راه‌ را برای‌ چپاولگران‌ آنچنان‌ باز كند كه‌ تمام‌ شئون‌ كشور در تحت‌ قدرت‌ آنان‌ و تمام‌ ذخایر ملت‌ در جیب‌ آنان‌ سرازیر شود، چنانچه‌ دیدید به‌ سر این‌ ملت‌ مظلوم‌ چه‌ آمد، و می‌رفت‌ كه‌ چه‌ آید.

اكنون‌ كه‌ به‌ خواست‌ خداوند متعال‌ و مجاهدت‌ ملت‌ ـ از روحانی‌ و دانشگاهی‌ تا بازاری‌ و كارگر و كشاورز و سایر قشرها ـ بند اسارت‌ را پاره‌ و سد قدرت‌ ابرقدرتها را شكستند و كشور را از دست‌ آنان‌ و وابستگانشان‌ نجات‌ دادند، توصیة‌ اینجانب‌ آن‌ است‌ كه‌ نسل‌ حاضر و آینده‌ غفلت‌ نكنند و دانشگاهیان‌ و جوانان‌ برومند عزیز هر چه‌ بیشتر با روحانیان‌ و طلاب‌ علوم‌ اسلامی‌ پیوند دوستی‌ و تفاهم‌ را محكمتر و استوارتر سازند و از نقشه‌ها و توطئه‌های‌ دشمن‌ غدار غافل‌ نباشند و به‌ مجرد آنكه‌ فرد یا افرادی‌ را دیدند كه‌ با گفتار و رفتار خود در صدد است‌ بذر نفاق‌ بین‌ آنان‌ افكند او را ارشاد و نصیحت‌ نمایند؛ و اگر تأثیر نكرد از او روگردان‌ شوند و او را به‌ انزوا كشانند و نگذارند توطئه‌ ریشه‌ دواند كه‌ سرچشمه‌ را به‌ آسانی‌ می‌توان‌ گرفت‌. و مخصوصاً اگر در اساتید كسی‌ پیدا شد كه‌ می‌خواهد انحراف‌ ایجاد كند، او را ارشاد و اگر نشد، از خود و كلاس‌ خود طرد كنند. و این‌ توصیه‌ بیشتر متوجه‌ روحانیون‌ و محصلین‌ علوم‌ دینی‌ است‌. و توطئه‌ها در دانشگاهها از عمق‌ ویژه‌ای‌ برخوردار است‌ و هر قشر محترم‌ كه‌ مغز متفكر جامعه‌ هستند باید مواظب‌ توطئه‌ها باشند.

ه از جمله‌ نقشه‌ها كه‌ مع‌الاسف‌ تأثیر بزرگی‌ در كشورها و كشور عزیزمان‌ گذاشت‌ و آثار آن‌ باز تا حد زیادی‌ به‌ جا مانده‌، بیگانه‌ نمودن‌ كشورهای‌ استعمار زده‌ از خویش‌، و غربزده‌ و شرقزده‌ نمودن‌ آنان‌ است‌ به‌ طوریكه‌ خود را و فرهنگ‌ و قدرت‌ خود را به‌ هیچ‌ گرفتند و غرب‌ و شرق‌، دو قطب‌ قدرتمند را نژاد برتر و فرهنگ‌ آنان‌ را والاتر و آن‌ دو قدرت‌ را قبله‌گاه‌ عالم‌ دانستند و وابستگی‌ به‌ یكی‌ از دو قطب‌ را از فرائض‌ غیرقابل‌ اجتناب‌ معرفی‌ نمودند! و قصة‌ این‌ امر غم‌انگیز، طولانی‌ و ضربه‌هایی‌ كه‌ از آن‌ خورده‌ و اكنون‌ نیز می‌خوریم‌ كشنده‌ و كوبنده‌ است‌.

و غم‌انگیزتر اینكه‌ آنان‌ ملتهای‌ ستمدیدة‌ زیر سلطه‌ را در همه‌ چیز عقب‌ نگه‌داشته‌ و كشورهایی‌ مصرفی‌ بار آوردند و به‌قدری‌ ما را از پیشرفتهای‌ خود و قدرتهای‌ شیطانی‌شان‌ ترسانده‌اند كه‌ جرأت‌ دست‌ زدن‌ به‌ هیچ‌ ابتكاری‌ نداریم‌ و همه‌ چیز خود را تسلیم‌ آنان‌ كرده‌ و سرنوشت‌ خود و كشورهای‌ خود را به‌ دست‌ آنان‌ سپرده‌ و چشم‌ و گوش‌ بسته‌ مطیع‌ فرمان‌ هستیم‌. و این‌ پوچی‌ و تهی‌ مغزی‌ مصنوعی‌ موجب‌ شده‌ كه‌ در هیچ‌ امری‌ به‌ فكر و دانش‌ خود اتكا نكنیم‌ و كوركورانه‌ از شرق‌ و غرب‌ تقلید نماییم‌ بلكه‌ از فرهنگ‌ و ادب‌ و صنعت‌ و ابتكار اگر داشتیم‌، نویسندگان‌ و گویندگان‌ غرب‌ و شرقزدة‌ بی‌فرهنگ‌، آنها را به‌ باد انتقاد و مسخره‌ گرفته‌ و فكر و قدرت‌ بومی‌ ما را سركوب‌ و مأیوس‌ نموده‌ و می‌نمایند و رسوم‌ و آداب‌ اجنبی‌ را هر چند مبتذل‌ و مفتضح‌ باشد با عمل‌ و گفتار و نوشتار ترویج‌ كرده‌ و با مداحی‌ و ثناجویی‌ آنها را به‌ خورد ملتها داده‌ و می‌دهند. فی‌المثل‌، اگر در كتاب‌ یا نوشته‌ یا گفتاری‌ چند واژة‌ فرنگی‌ باشد، بدون‌ توجه‌ به‌ محتوای‌ آن‌ با اعجاب‌ پذیرفته‌، و گوینده‌ و نویسندة‌ آن‌ را دانشمند و روشنفكر به‌ حساب‌ می‌آورند. و از گهواره‌ تا قبر به‌ هرچه‌ بنگریم‌ اگر با واژة‌ غربی‌ و شرقی‌ اسم‌گذاری‌ شود مرغوب‌ و مورد توجه‌ و از مظاهر تمدن‌ و پیشرفتگی‌ محسوب‌، و اگر واژه‌های‌ بومی‌ خودی‌ به‌ كار رود مطرود و كهنه‌ و واپسزده‌ خواهد بود. كودكان‌ ما اگر نام‌ غربی‌ داشته‌ باشند مفتخر؛ و اگر نام‌ خودی‌ دارند سر به‌ زیر و عقب‌ افتاده‌اند. خیابانها، كوچه‌ها، مغازه‌ها، شركتها، داروخانه‌ها، كتابخانه‌ها، پارچه‌ها، و دیگر متاعها، هرچند در داخل‌ تهیه‌ شده‌ باید نام‌ خارجی‌ داشته‌ باشد تا مردم‌ از آن‌ راضی‌ و به‌ آن‌ اقبال‌ كنند. فرنگی‌ مآبی‌ از سر تا پا و در تمام‌ نشست‌ و برخاستها و در معاشرتها و تمام‌ شئون‌ زندگی‌ موجب‌ افتخار و سربلندی‌ و تمدن‌ و پیشرفت‌، و در مقابل‌، آداب‌ و رسوم‌ خودی‌، كهنه‌پرستی‌ و عقب‌ افتادگی‌ است‌. در هر مرض‌ و كسالتی‌ ولو جزئی‌ و قابل‌ علاج‌ در داخل‌، باید به‌ خارج‌ رفت‌ و دكترها و اطبای‌ دانشمند خود را محكوم‌ و مأیوس‌ كرد. رفتن‌ به‌ انگلستان‌ و فرانسه‌ و امریكا و مسكو افتخاری‌ پر ارزش‌ و رفتن‌ به‌ حج‌ و سایر اماكن‌ متبركه‌ كهنه‌پرستی‌ و عقب‌ماندگی‌ است‌. بی‌اعتنایی‌ به‌ آنچه‌ مربوط‌ به‌ مذهب‌ و معنویات‌ است‌ از نشانه‌های‌ روشنفكری‌ و تمدن‌، و در مقابل‌، تعهد به‌ این‌ امور نشانة‌ عقب‌ماندگی‌ و كهنه‌ پرستی‌ است‌.

اینجانب‌ نمی‌گویم‌ ما خود همه‌ چیز داریم‌؛ معلوم‌ است‌ ما را در طول‌ تاریخِ نه‌ چندان‌ دور خصوصاً، و در سده‌های‌ اخیر از هر پیشرفتی‌ محروم‌ كرده‌اند و دولتمردان‌ خائن‌ و دودمان‌ پهلوی‌ خصوصاً، و مراكز تبلیغاتی‌ علیه‌ دستاوردهای‌ خودی‌ و نیز خودْ كوچك‌دیدنها و یا ناچیزدیدنها، ما را از هر فعالیتی‌ برای‌ پیشرفت‌ محروم‌ كرد. وارد كردن‌ كالاها از هر قماش‌ و سرگرم‌ كردن‌ بانوان‌ و مردان‌ خصوصاً طبقة‌ جوان‌، به‌ اقسام‌ اجناس‌ وارداتی‌ از قبیل‌ ابزار آرایش‌ و تزئینات‌ و تجملات‌ و بازیهای‌ كودكانه‌ و به‌ مسابقه‌ كشاندن‌ خانواده‌ها و مصرفی‌ بار آوردن‌ هر چه‌ بیشتر، كه‌ خود داستانهای‌ غم‌انگیز دارد، و سرگرم‌ كردن‌ و به‌ تباهی‌ كشاندن‌ جوانها كه‌ عضو فعال‌ هستند با فراهم‌ آوردن‌ مراكز فحشا و عشرتكده‌ها، و دهها از این‌ مصائب‌ حساب‌ شده‌، برای‌ عقب‌ نگهداشتن‌ كشورهاست‌. من‌ وصیت‌ دلسوزانه‌ و خادمانه‌ می‌كنم‌ به‌ ملت‌ عزیز كه‌ اكنون‌ كه‌ تا حدود بسیار چشمگیری‌ از بسیاری‌ از این‌ دامها نجات‌ یافته‌ و نسل‌ محروم‌ حاضر به‌ فعالیت‌ و ابتكار برخاسته‌ و دیدیم‌ كه‌ بسیاری‌ از كارخانه‌ها و وسایل‌ پیشرفته‌ مثل‌ هواپیماها و دیگر چیزها كه‌ گمان‌ نمی‌رفت‌ متخصصین‌ ِ ایران‌ قادر به‌ راه‌ انداختن‌ كارخانه‌ها و امثال‌ آن‌ باشند و همه‌ دستها را به‌ سوی‌ غرب‌ یا شرق‌ دراز كرده‌ بودیم‌ كه‌ متخصصین‌ آنان‌ اینها را به‌ راه‌ اندازند، در اثر محاصرة‌ اقتصادی‌ و جنگ‌ تحمیلی‌، خود جوانان‌ عزیز ما قطعات‌ محل‌ احتیاج‌ را ساخته‌ و با قیمتهای‌ ارزانتر عرضه‌ كرده‌ و رفع‌ احتیاج‌ نمودند و ثابت‌ كردند كه‌ اگر بخواهیم‌ می‌توانیم‌.

باید هوشیار و بیدار و مراقب‌ باشید كه‌ سیاست‌بازان‌ پیوسته‌ به‌ غرب‌ و شرق‌ با وسوسه‌های‌ شیطانی‌ شما را به‌ سوی‌ این‌ چپاولگران‌ بین‌المللی‌ نكشند؛ و با ارادة‌ مصمم‌ و فعالیت‌ و پشتكار خود به‌ رفع‌ وابستگیها قیام‌ كنید.

و بدانید كه‌ نژاد آریا و عرب‌ از نژاد اروپا و امریكا و شوروی‌ كم‌ ندارد و اگر خودی خود را بیابد و یأس‌ را از خود دور كند و چشمداشت‌ به‌ غیر خود نداشته‌ باشد، در درازمدت‌ قدرت‌ همه‌ كار و ساختن‌ همه‌ چیز را دارد. و آنچه‌ انسانهای‌ شبیه‌ به‌ اینان‌ به‌ آن‌ رسیده‌اند شما هم‌ خواهید رسید به‌ شرط‌ اتكال‌ به‌ خداوند تعالی‌ و اتكا به‌ نفس‌، و قطع‌ وابستگی‌ به‌ دیگران‌ و تحمل‌ سختیها برای‌ رسیدن‌ به‌ زندگی‌ شرافتمندانه‌ و خارج‌ شدن‌ از تحت‌ سلطة‌ اجانب‌.

و بر دولتها و دست‌ اندركاران‌ است‌ چه‌ در نسل‌ حاضر و چه‌ در نسلهای‌ آینده‌ كه‌ از متخصصین‌ خود قدردانی‌ كنند و آنان‌ را با كمكهای‌ مادی‌ و معنوی‌ تشویق‌ به‌ كار نمایند و از ورود كالاهای‌ مصرف‌ساز و خانه‌ برانداز جلوگیری‌ نمایند و به‌ آنچه‌ دارند بسازند تا خود همه‌ چیز بسازند.

و از جوانان‌، دختران‌ و پسران‌، می‌خواهم‌ كه‌ استقلال‌ و آزادی‌ و ارزشهای‌ انسانی‌ را، ولو با تحمل‌ زحمت‌ و رنج‌، فدای‌ تجملات‌ و عشرتها و بی‌ بند و باریها و حضور در مراكز فحشا كه‌ از طرف‌ غرب‌ و عمال‌ بی‌وطن‌ به‌ شما عرضه‌ می‌شود نكنند؛ كه‌ آنان‌ چنانچه‌ تجربه‌ نشان‌ داده‌ جز تباهی‌ شما و اغفالتان‌ از سرنوشت‌ كشورتان‌ و چاپیدن‌ ذخائر شما و به‌ بند استعمار و ننگ‌ وابستگی‌ كشیدنتان‌ و مصرفی‌ نمودن‌ ملت‌ و كشورتان‌ به‌ چیز دیگر فكر نمی‌كنند؛ و می‌خواهند با این‌ وسایل‌ و امثال‌ آن‌ شما را عقب‌مانده‌، و به‌ اصطلاح‌ آنان‌ «نیمه‌ وحشی‌» نگه‌ دارند.

و از توطئه‌های‌ بزرگ‌ آنان‌، چنانچه‌ اشاره‌ شد و كراراً تذكر داده‌ام‌، به‌ دست‌ گرفتن‌ مراكز تعلیم‌ و تربیت‌ خصوصاً دانشگاهها است‌ كه‌ مقدرات‌ كشورها در دست‌ محصولات‌ آنها است‌. روش‌ آنان‌ با روحانیون‌ و مدارس‌ علوم‌ اسلامی‌ فرق‌ دارد با روشی‌ كه‌ در دانشگاهها و دبیرستانها دارند. نقشة‌ آنان‌ برداشتن‌ روحانیون‌ از سر راه‌ و منزوی‌ كردن‌ آنان‌ است‌؛ یا با سركوبی‌ و خشونت‌ و هتاكی‌ كه‌ در زمان‌ رضاخان‌ عمل‌ شد ولی‌ نتیجة‌ معكوس‌ گرفته‌ شد؛ یا با تبلیغات‌ و تهمتها و نقشه‌های‌ شیطانی‌ برای‌ جدا كردن‌ قشر تحصیلكرده‌ و به‌ اصطلاح‌ روشنفكر كه‌ این‌ هم‌ در زمان‌ رضاخان‌ عمل‌ می‌شد و در ردیف‌ فشار و سركوبی‌ بود؛ و در زمان‌ محمدرضا ادامه‌ یافت‌ بدون‌ خشونت‌ ولی‌ موذیانه‌.

و اما در دانشگاه‌ نقشه‌ آن‌ است‌ كه‌ جوانان‌ را از فرهنگ‌ و ادب‌ و ارزشهای‌ خودی‌ منحرف‌ كنند و به‌ سوی‌ شرق‌ یا غرب‌ بكشانند و دولتمردان‌ را از بین‌ اینان‌ انتخاب‌ و بر سرنوشت‌ كشورها حكومت‌ دهند تا به‌ دست‌ آنها هرچه‌ می‌خواهند انجام‌ دهند. اینان‌ كشور را به‌ غارتزدگی‌ و غربزدگی‌ بكشانند و قشر روحانی‌ با انزوا و منفوریت‌ و شكست‌ قادر بر جلوگیری‌ نباشد. و این‌ بهترین‌ راه‌ است‌ برای‌ عقب‌ نگهداشتن‌ و غارت‌ كردن‌ كشورهای‌ تحت‌ سلطه‌، زیرا برای‌ ابرقدرتها بی‌زحمت‌ و بی‌خرج‌ و در جوامع‌ ملی‌ بی‌سر و صدا، هر چه‌ هست‌ به‌ جیب‌ آنان‌ می‌ریزد.

پس‌ اكنون‌ كه‌ دانشگاهها و دانشسراها در دست‌ اصلاح‌ و پاكسازی‌ است‌، بر همة‌ ما لازم‌ است‌ با متصدیان‌ كمك‌ كنیم‌ و برای‌ همیشه‌ نگذاریم‌ دانشگاهها به‌ انحراف‌ كشیده‌ شود؛ و هر جا انحرافی‌ به‌ چشم‌ خورد با اقدام‌ سریع‌ به‌ رفع‌ آن‌ كوشیم‌. و این‌ امر حیاتی‌ باید در مرحلة‌ اول‌ با دست‌ پرتوان‌ خود جوانان‌ دانشگاهها و دانشسراها انجام‌ گیرد كه‌ نجات‌ دانشگاه‌ از انحراف‌، نجات‌ كشور و ملت‌ است‌.

و اینجانب‌ به‌ همة‌ نوجوانان‌ و جوانان‌ در مرحلة‌ اول‌، و پدران‌ و مادران‌ و دوستان‌ آنها در مرحلة‌ دوم‌، و به‌ دولتمردان‌ و روشنفكران‌ دلسوز برای‌ كشور در مرحلة‌ بعد وصیت‌ می‌كنم‌ كه‌ در این‌ امر مهم‌ كه‌ كشورتان‌ را از آسیب‌ نگه‌ می‌دارد، با جان‌ و دل‌ كوشش‌ كنید و دانشگاهها را به‌ نسل‌ بعد بسپرید. و به‌ همة‌ نسلهای‌ مسلسل‌ توصیه‌ می‌كنم‌ كه‌ برای‌ نجات‌ خود و كشور عزیز و اسلامِآدم‌ ساز، دانشگاهها را از انحراف‌ و غرب‌ و شرقزدگی‌ حفظ‌ و پاسداری‌ كنید و با این‌ عمل‌ انسانی‌ ـ اسلامی‌ خود دست‌ قدرتهای‌ بزرگ‌ را از كشور قطع‌ و آنان‌ را ناامید نمایید. خدایتان‌ پشتیبان‌ و نگهدار باد.

ز از مهمات‌ امور، تعهد وكلای‌ مجلس‌ شورای‌ اسلامی‌ است‌. ما دیدیم‌ كه‌ اسلام‌ و كشور ایران‌ چه‌ صدمات‌ بسیار غم‌انگیزی‌ از مجلس‌ شورای‌ غیرصالح‌ و منحرف‌، از بعد از مشروطه‌ تا عصر رژیم‌ جنایتكار پهلوی‌ و از هر زمان‌ بدتر و خطرناكتر در این‌ رژیم‌ تحمیلی‌ فاسد خورد؛ و چه‌ مصیبتها و خسارتهای‌ جانفرسا از این‌ جنایتكاران‌ بی‌ارزش‌ و نوكرمآب‌ به‌ كشور و ملت‌ وارد شد. در این‌ پنجاه‌ سال‌ یك‌ اكثریت‌ قلابی‌ منحرف‌ در مقابل‌ یك‌ اقلیت‌ مظلوم‌ موجب‌ شد كه‌ هرچه‌ انگلستان‌ و شوروی‌ و اخیراً امریكا خواستند، با دست‌ همین‌ منحرفانِ از خدا بیخبر انجام‌ دهند و كشور را به‌ تباهی‌ و نیستی‌ كشانند. از بعد از مشروطه‌، هیچ‌ گاه‌ تقریباً به‌ مواد مهم‌ قانون‌ اساسی‌ عمل‌ نشد ـ قبل‌ از رضاخان‌ با تصدی‌ غربزدگان‌ و مشتی‌ خان‌ و زمینخواران‌؛ و در زمان‌ رژیم‌ پهلوی‌ به‌ دست‌ آن‌ رژیم‌ سفاك‌ و وابستگان‌ و حلقه‌ به‌ گوشان‌ آن‌.

اكنون‌ كه‌ با عنایت‌ پروردگار و همت‌ ملت‌ عظیم‌الشأن‌ سرنوشت‌ كشور به‌ دست‌ مردم‌ افتاد و وكلا از خود مردم‌ و با انتخاب‌ خودشان‌، بدون‌ دخالت‌ دولت‌ و خانهای‌ ولایات‌ به‌ مجلس‌ شورای‌ اسلامی‌ راه‌ یافتند، و امید است‌ كه‌ با تعهد آنان‌ به‌ اسلام‌ و مصالح‌ كشور جلوگیری‌ از هر انحراف‌ بشود. وصیت‌ اینجانب‌ به‌ ملت‌ در حال‌ و آتیه‌ آن‌ است‌ كه‌ با ارادة‌ مصمم‌ خود و تعهد خود به‌ احكام‌ اسلام‌ و مصالح‌ كشور در هر دوره‌ از انتخابات‌ وكلای‌ دارای‌ تعهد به‌ اسلام‌ و جمهوری‌ اسلامی‌ كه‌ غالباً بین‌ متوسطین‌ جامعه‌ و محرومین‌ می‌باشند و غیر منحرف‌ از صراط‌ مستقیم‌ ـ به‌ سوی‌ غرب‌ یا شرق‌ ـ و بدون‌ گرایش‌ به‌ مكتبهای‌ انحرافی‌ و اشخاص‌ تحصیلكرده‌ و مطلع‌ بر مسائل‌ روز و سیاستهای‌ اسلامی‌، به‌ مجلس‌ بفرستند.

و به‌ جامعة‌ محترم‌ روحانیت‌ خصوصاً مراجع‌ معظم‌، وصیت‌ می‌كنم‌ كه‌ خود را از مسائل‌ جامعه‌ خصوصاً مثل‌ انتخاب‌ رئیس‌ جمهور و وكلای‌ مجلس‌، كنار نكشند و بی‌تفاوت‌ نباشند. همه‌ دیدید و نسل‌ آتیه‌ خواهد شنید كه‌ دست‌ سیاست‌بازان‌ پیرو شرق‌ و غرب‌، روحانیون‌ را كه‌ اساس‌ مشروطیت‌ را با زحمات‌ و رنجها بنیان‌ گذاشتند از صحنه‌ خارج‌ كردند و روحانیون‌ نیز بازی‌ سیاست‌بازان‌ را خورده‌ و دخالت‌ در امور كشور و مسلمین‌ را خارج‌ از مقام‌ خود انگاشتند و صحنه‌ را به‌ دست‌ غربزدگان‌ سپردند؛ و به‌ سر مشروطیت‌ و قانون‌ اساسی‌ و كشور و اسلام‌ آن‌ آوردند كه‌ جبرانش‌ احتیاج‌ به‌ زمان‌ طولانی‌ دارد.

اكنون‌ كه‌ بحمدالله تعالی‌ موانع‌ رفع‌ گردیده‌ و فضای‌ آزاد برای‌ دخالت‌ همة‌ طبقات‌ پیش‌ آمده‌ است‌، هیچ‌ عذری‌ باقی‌ نمانده‌ و از گناهان‌ بزرگ‌ نابخشودنی‌، مسامحه‌ در امر مسلمین‌ است‌. هركس‌ به‌ مقدار توانش‌ و حیطة‌ نفوذش‌ لازم‌ است‌ در خدمت‌ اسلام‌ و میهن‌ باشد؛ و با جدیت‌ از نفوذ وابستگان‌ به‌ دو قطب‌ استعمارگر و غرب‌ یا شرقزدگان‌ و منحرفان‌ از مكتب‌ بزرگ‌ اسلام‌ جلوگیری‌ نمایند، و بدانند كه‌ مخالفین‌ اسلام‌ و كشورهای‌ اسلامی‌ كه‌ همان‌ ابرقدرتان‌ چپاولگر بین‌ المللی‌ هستند، با تدریج‌ و ظرافت‌ در كشور ما و كشورهای‌ اسلامی‌ دیگر رخنه‌، و با دست‌ افراد خودِ ملتها، كشورها را به‌ دام‌ استثمار می‌كشانند. باید با هوشیاری‌ مراقب‌ باشید و با احساس‌ اولین‌ قدمِ نفوذی‌ به‌ مقابله‌ برخیزید و به‌ آنان‌ مهلت‌ ندهید. خدایتان‌ یار و نگهدار باشد.

و از نمایندگان‌ مجلس‌ شورای‌ اسلامی‌ در این‌ عصر و عصرهای‌ آینده‌ می‌خواهم‌ كه‌ اگر خدای‌ نخواسته‌ عناصر منحرفی‌ با دسیسه‌ و بازی‌ سیاسی‌ وكالت‌ خود را به‌ مردم‌ تحمیل‌ نمودند، مجلس‌ اعتبارنامة‌ آنان‌ را رد كنند و نگذارند حتی‌ یك‌ عنصر خرابكار وابسته‌ به‌ مجلس‌ راه‌ یابد.

و به‌ اقلیتهای‌ مذهبی‌ رسمی‌ وصیت‌ می‌كنم‌ كه‌ از دوره‌های‌ رژیم‌ پهلوی‌ عبرت‌ بگیرند و وكلای‌ خود را از اشخاص‌ متعهد به‌ مذهب‌ خود و جمهوری‌ اسلامی‌ و غیروابسته‌ به‌ قدرتهای‌ جهانخوار و بدون‌ گرایش‌ به‌ مكتبهای‌ الحادی‌ و انحرافی‌ و التقاطی‌ انتخاب‌ نمایند.

و از همة‌ نمایندگان‌ خواستارم‌ كه‌ با كمال‌ حسن‌ نیت‌ و برادری‌ با هم‌ مجلسان‌ خود رفتار، و همه‌ كوشا باشند كه‌ قوانین‌ خدای‌ نخواسته‌ از اسلام‌ منحرف‌ نباشد و همه‌ به‌ اسلام‌ و احكام‌ آسمانی‌ آن‌ وفادار باشید تا به‌ سعادت‌ دنیا و آخرت‌ نایل‌ آیید.

و از شورای‌ محترم‌ نگهبان‌ می‌خواهم‌ و توصیه‌ می‌كنم‌، چه‌ در نسل‌ حاضر و چه‌ در نسلهای‌ آینده‌، كه‌ با كمال‌ دقت‌ و قدرت‌ وظایف‌ اسلامی‌ و ملی‌ خود را ایفا و تحت‌ تأثیر هیچ‌ قدرتی‌ واقع‌ نشوند و از قوانین‌ مخالف‌ با شرع‌ مطهر و قانون‌ اساسی‌ بدون‌ هیچ‌ ملاحظه‌ جلوگیری‌ نمایند و با ملاحظة‌ ضرورات‌ كشور كه‌ گاهی‌ با احكام‌ ثانویه‌ و گاهی‌ به‌ ولایت‌ فقیه‌ باید اجرا شود توجه‌ نمایند.

و وصیت‌ من‌ به‌ ملت‌ شریف‌ آن‌ است‌ كه‌ در تمام‌ انتخابات‌، چه‌ انتخاب‌ رئیس‌ جمهور و چه‌ نمایندگان‌ مجلس‌ شورای‌ اسلامی‌ و چه‌ انتخاب‌ خبرگان‌ برای‌ تعیین‌ شورای‌ رهبری‌ یا رهبر، در صحنه‌ باشند و اشخاصی‌ كه‌ انتخاب‌ می‌كنند روی‌ ضوابطی‌ باشد كه‌ اعتبار می‌شود مثلاً در انتخاب‌ خبرگان‌ برای‌ تعیین‌ شورای‌ رهبری‌ یا رهبر، توجه‌ كنند كه‌ اگر مسامحه‌ نمایند و خبرگان‌ را روی‌ موازین‌ شرعیه‌ و قانون‌ انتخاب‌ نكنند، چه‌ بسا كه‌ خساراتی‌ به‌ اسلام‌ و كشور وارد شود كه‌ جبران‌پذیر نباشد. و در این‌ صورت‌ همه‌ در پیشگاه‌ خداوند متعال‌ مسئول‌ می‌باشند.

از این‌ قرار، عدم‌ دخالت‌ ملت‌ از مراجع‌ و علمای‌ بزرگ‌ تا طبقة‌ بازاری‌ و كشاورز و كارگر و كارمند، همه‌ و همه‌ مسئول‌ سرنوشت‌ كشور و اسلام‌ می‌باشند؛ چه‌ در نسل‌ حاضر و چه‌ در نسلهای‌ آتیه‌؛ و چه‌ بسا كه‌ در بعض‌ مقاطع‌، عدم‌ حضور و مسامحه‌، گناهی‌ باشد كه‌ در رأس‌ گناهان‌ كبیره‌ است‌. پس‌ علاج‌ واقعه‌ را قبل‌ از وقوع‌ باید كرد، و ال كار از دست‌ همه‌ خارج‌ خواهد شد. و این‌ حقیقتی‌ است‌ كه‌ بعد از مشروطه‌ لمس‌ نموده‌اید و نموده‌ایم‌. چه‌ هیچ‌ علاجی‌ بالاتر و والاتر از آن‌ نیست‌ كه‌ ملت‌ در سرتاسر كشور در كارهایی‌ كه‌ محول‌ به‌ اوست‌ برطبق‌ ضوابط‌ اسلامی‌ و قانون‌ اساسی‌ انجام‌ دهد؛ و در تعیین‌ رئیس‌ جمهور و وكلای‌ مجلس‌ با طبقة‌ تحصیلكردة‌ متعهد و روشنفكر با اطلاع‌ از مجاری‌ امور و غیروابسته‌ به‌ كشورهای‌ قدرتمند استثمارگر و اشتهار به‌ تقوا و تعهد به‌ اسلام‌ و جمهوری‌ اسلامی‌ مشورت‌ كرده‌، و با علما و روحانیون‌ با تقوا و متعهد به‌ جمهوری‌ اسلامی‌ نیز مشورت‌ نموده‌؛ و توجه‌ داشته‌ باشند رئیس‌ جمهور و وكلای‌ مجلس‌ از طبقه‌ای‌ باشند؛ كه‌ محرومیت‌ و مظلومیت‌ مستضعفان‌ و محرومان‌ جامعه‌ را لمس‌ نموده‌ و در فكر رفاه‌ آنان‌ باشند، نه‌ از سرمایه‌داران‌ و زمینخواران‌ و صدرنشینان‌ مرفه‌ و غرق‌ در لذات‌ و شهوات‌ كه‌ تلخی‌ محرومیت‌ و رنج‌ گرسنگان‌ و پابرهنگان‌ را نمی‌توانند بفهمند.

و باید بدانیم‌ كه‌ اگر رئیس‌ جمهور و نمایندگان‌ مجلس‌، شایسته‌ و متعهد به‌ اسلام‌ و دلسوز برای‌ كشور و ملت‌ باشند، بسیاری‌ از مشكلات‌ پیش‌ نمی‌آید؛ و مشكلاتی‌ اگر باشد رفع‌ می‌شود. و همین‌ معنی‌ در انتخاب‌ خبرگان‌ برای‌ تعیین‌ شورای‌ رهبری‌ یا رهبر با ویژگی‌ خاص‌ باید در نظر گرفته‌ شود؛ كه‌ اگر خبرگان‌ كه‌ با انتخاب‌ ملت‌ تعیین‌ می‌شوند از روی‌ كمال‌ دقت‌ و با مشورت‌ با مراجع‌ عظام‌ هر عصر و علمای‌ بزرگ‌ سرتاسر كشور و متدینین‌ و دانشمندان‌ متعهد، به‌ مجلس‌ خبرگان‌ بروند، بسیاری‌ از مهمات‌ و مشكلات‌ به‌ واسطة‌ تعیین‌ شایسته‌ترین‌ و متعهدترین‌ شخصیتها برای‌ رهبری‌ یا شورای‌ رهبری‌ پیش‌ نخواهد آمد، یا با شایستگی‌ رفع‌ خواهد شد. و با نظر به‌ اصل‌ یكصد و نهم‌ و یكصد و دهم‌ قانون‌ اساسی‌، وظیفة‌ سنگین‌ ملت‌ در تعیین‌ خبرگان‌ و نمایندگان‌ در تعیین‌ رهبر یا شورای‌ رهبری‌ روشن‌ خواهد شد، كه‌ اندك‌ مسامحه‌ در انتخاب‌، چه‌ آسیبی‌ به‌ اسلام‌ و كشور و جمهوری‌ اسلامی‌ وارد خواهد كرد كه‌ احتمال‌ آن‌، كه‌ در سطح‌ بالای‌ از اهمیت‌ است‌ برای‌ آنان‌ تكلیف‌ الهی‌ ایجاد می‌كند.

و وصیت‌ اینجانب‌ به‌ رهبر و شورای‌ رهبری‌ در این‌ عصر كه‌ عصر تهاجم‌ ابرقدرتها و وابستگان‌ به‌ آنان‌ در داخل‌ و خارج‌ كشور به‌ جمهوری‌ اسلامی‌ و در حقیقت‌ به‌ اسلام‌ است‌ در پوشش‌ جمهوری‌ اسلامی‌ و در عصرهای‌ آینده‌، آن‌ است‌ كه‌ خود را وقف‌ در خدمت‌ به‌ اسلام‌ و جمهوری‌ اسلامی‌ و محرومان‌ و مستضعفان‌ بنمایند؛ و گمان‌ ننمایند كه‌ رهبری‌ فی‌نفسه‌ برای‌ آنان‌ تحفه‌ای‌ است‌ و مقام‌ والایی‌، بلكه‌ وظیفة‌ سنگین‌ و خطرناكی‌ است‌ كه‌ لغزش‌ در آن‌ اگر خدای‌ نخواسته‌ با هوای‌ نفس‌ باشد، ننگ‌ ابدی‌ در این‌ دنیا و آتش‌ غضب‌ خدای‌ قهار در جهان‌ دیگر در پی‌ دارد.

از خداوند منان‌ هادی‌ با تضرع‌ و ابتهال‌ می‌خواهم‌ كه‌ ما و شما را از این‌ امتحان‌ خطرناك‌ با روی‌ سفید در حضرت‌ خود بپذیرد و نجات‌ دهد و این‌ خطر قدری‌ خفیفتر برای‌ رؤسای‌ جمهور حال‌ و آینده‌ و دولتها و دست‌اندركاران‌، به‌ حسب‌ درجات‌ در مسئولیتها نیز هست‌ كه‌ باید خدای‌ متعال‌ را حاضر و ناظر و خود را در محضر مبارك‌ او بدانند. خداوند متعال‌ راهگشای‌ آنان‌ باشد.

ح‌ ـ از مهمات‌ امور مسألة‌ قضاوت‌ است‌ كه‌ سر و كار آن‌ با جان‌ و مال‌ و ناموس‌ مردم‌ است‌. وصیت‌ اینجانب‌ به‌ رهبر و شورای‌ رهبری‌ آن‌ است‌ كه‌ در تعیین‌ عالیترین‌ مقام‌ قضایی‌ كه‌ در عهده‌ دارند، كوشش‌ كنند كه‌ اشخاص‌ متعهد سابقه‌دار و صاحبنظر در امور شرعی‌ و اسلامی‌ و در سیاست‌ را نصب‌ نمایند.

و از شورایعالی‌ قضایی‌ می‌خواهم‌ امر قضاوت‌ را كه‌ در رژیم‌ سابق‌ به‌ وضع‌ أسفناك‌ و غم‌انگیزی‌ درآمده‌ بود با جدیت‌ سر و سامان‌ دهند؛ و دست‌ كسانی‌ كه‌ با جان‌ و مال‌ مردم‌ بازی‌ می‌كنند و آنچه‌ نزد آنان‌ مطرح‌ نیست‌ عدالت‌ اسلامی‌ است‌ از این‌ كرسی‌ پراهمیت‌ كوتاه‌ كنند، و با پشتكار و جدیت‌ بتدریج‌ دادگستری‌ را متحول‌ نمایند؛ و قضات‌ دارای‌ شرایطی‌ كه‌، ان‌شا ء الله با جدیت‌ حوزه‌های‌ علمیه‌ مخصوصاً حوزة‌ مباركة‌ علمیة‌ قم‌ تربیت‌ و تعلیم‌ می‌شوند و معرفی‌ می‌گردند، به‌ جای‌ قضاتی‌ كه‌ شرایط‌ مقررة‌ اسلامی‌ را ندارند نصب‌ گردند، كه‌ ان‌شا ء الله تعالی‌ بزودی‌ قضاوت‌ اسلامی‌ در سراسر كشور جریان‌ پیدا كند.

و به‌ قضات‌ محترم‌ در عصر حاضر و اعصار آینده‌ وصیت‌ می‌كنم‌ كه‌ با درنظر گرفتن‌ احادیثی‌ كه‌ از معصومین‌ ـ صلوات‌الله علیهم‌ ـ در اهمیت‌ قضا و خطر عظیمی‌ كه‌ قضاوت‌ دارد و توجه‌ و نظر به‌ آنچه‌ دربارة‌ قضاوت‌ به‌ غیر حق‌ وارد شده‌ است‌، این‌ امر خطیر را تصدی‌ نمایند و نگذارند این‌ مقام‌ به‌ غیر اهلش‌ سپرده‌ شود. و كسانی‌ كه‌ اهل‌ هستند از تصدی‌ این‌ امر سرباز نزنند و به‌ اشخاص‌ غیر اهل‌ میدان‌ ندهند؛ و بدانند كه‌ همان‌ طور كه‌ خطر این‌ مقامْ بزرگ‌ است‌ اجر و فضل‌ و ثواب‌ آن‌ نیز بزرگ‌ است‌. و می‌دانند كه‌ تصدی‌ قضا برای‌ اهلش‌ واجب‌ كفایی‌ است‌.

ط -‌ وصیت‌ اینجانب‌ به‌ حوزه‌های‌ مقدسة‌ علمیه‌ آن‌ است‌ كه‌ كراراً عرض‌ نموده‌ام‌ كه‌ در این‌ زمان‌ كه‌ مخالفین‌ اسلام‌ و جمهوری‌ اسلامی‌ كمر به‌ براندازی‌ اسلام‌ بسته‌اند و از هر راه‌ ممكن‌ برای‌ این‌ مقصد شیطانی‌ كوشش‌ می‌نمایند، و یكی‌ از راههای‌ با اهمیت‌ برای‌ مقصد شوم‌ آنان‌ و خطرناك‌ برای‌ اسلام‌ و حوزه‌های‌ اسلامی‌ نفوذ دادن‌ افراد منحرف‌ و تبهكار در حوزه‌های‌ علمیه‌ است‌، كه‌ خطر بزرگ‌ كوتاه‌ مدت‌ آن‌ بدنام‌ نمودن‌ حوزه‌ها با اعمال‌ ناشایسته‌ و اخلاق‌ و روش‌ انحرافی‌ است‌ و خطر بسیار عظیم‌ آن‌ در درازمدت‌ به‌ مقامات‌ بالا رسیدن‌ یك‌ یا چند نفر شیاد كه‌ با آگاهی‌ بر علوم‌ اسلامی‌ و جا زدن‌ خود را در بین‌ توده‌ها و قشرهای‌ مردم‌ پاكدل‌ و علاقه‌مند نمودن‌ آنان‌ را به‌ خویش‌ و ضربة‌ مهلك‌ زدن‌ به‌ حوزه‌های‌ اسلامی‌ و اسلام‌ عزیز و كشور در موقع‌ مناسب‌ می‌باشد. و می‌دانیم‌ كه‌ قدرتهای‌ بزرگ‌ چپاولگر در میان‌ جامعه‌ها افرادی‌ به‌ صورتهای‌ مختلف‌ از ملیگراها و روشنفكران‌ مصنوعی‌ و روحانی‌ نمایان‌ كه‌ اگر مجال‌ یابند از همه‌ پرخطرتر و آسیب‌رسانترند ذخیره‌ دارند كه‌ گاهی‌ سی‌ ـ چهل‌ سال‌ با مشی‌ اسلامی‌ و مقدس‌ مآبی‌ یا «پان‌ایرانیسم‌» و وطن‌پرستی‌ و حیله‌های‌ دیگر، با صبر و بردباری‌ در میان‌ ملتها زیست‌ می‌كنند و در موقع‌ مناسب‌ مأموریت‌ خود را انجام‌ می‌دهند. و ملت‌ عزیز ما در این‌ مدت‌ كوتاه‌ پس‌ از پیروزی‌ انقلاب‌ نمونه‌هایی‌ از قبیل‌ «مجاهد خلق‌» و «فدایی‌ خلق‌» و «توده‌ای‌»ها و دیگر عناوین‌ دیده‌اند، و لازم‌ است‌ همه‌ با هوشیاری‌ این‌ قسم‌ توطئه‌ را خنثی‌ نمایند و از همه‌ لازمتر حوزه‌های‌ علمیه‌ است‌ كه‌ تنظیم‌ و تصفیة‌ آن‌ با مدرسین‌ محترم‌ و افاضل‌ سابقه‌دار است‌ با تأیید مراجع‌ وقت‌. و شاید تز «نظم‌ در بی‌نظمی‌» است‌ از القائات‌ شوم‌ همین‌ نقشه‌ریزان‌ و توطئه‌گران‌ باشد.

در هر صورت‌ وصیت‌ اینجانب‌ آن‌ است‌ كه‌ در همة‌ اعصار خصوصاً در عصر حاضر كه‌ نقشه‌ها و توطئه‌ها سرعت‌ و قوّت‌ گرفته‌ است‌، قیام‌ برای‌ نظام‌ دادن‌ به‌ حوزه‌ها لازم‌ و ضروری‌ است‌؛ كه‌ علما و مدرسین‌ و افاضل‌ عظیم‌الشأن‌ صرف‌ وقت‌ نموده‌ و با برنامة‌ دقیق‌ صحیح‌ حوزه‌ها را و خصوصاً حوزة‌ علمیة‌ قم‌ و سایر حوزه‌های‌ بزرگ‌ و با اهمیت‌ را در این‌ مقطع‌ از زمان‌ از آسیب‌ حفظ‌ نمایند.

و لازم‌ است‌ علما و مدرسین‌ محترم‌ نگذارند در درسهایی‌ كه‌ مربوط‌ به‌ فقاهت‌ است‌ و حوزه‌های‌ فقهی‌ و اصولی‌ از طریقة‌ مشایخ‌ معظم‌ كه‌ تنها راه‌ برای‌ حفظ‌ فقه‌ اسلامی‌ است‌ منحرف‌ شوند، و كوشش‌ نمایند كه‌ هر روز بر دقتها و بحث‌ و نظرها و ابتكار و تحقیقها افزوده‌ شود؛ و فقه‌ سنتی‌ كه‌ ارث‌ سلف‌ صالح‌ است‌ و انحراف‌ از آن‌ سست‌ شدن‌ اركان‌ تحقیق‌ و تدقیق‌ است‌، محفوظ‌ بماند و تحقیقات‌ بر تحقیقات‌ اضافه‌ گردد. و البته‌ در رشته‌های‌ دیگر علوم‌ به‌ مناسبت‌ احتیاجات‌ كشور و اسلام‌ برنامه‌هایی‌ تهیه‌ خواهد شد و رجالی‌ در آن‌ رشته‌ تربیت‌ باید شود. و از بالاترین‌ و والاترین‌ حوزه‌هایی‌ كه‌ لازم‌ است‌ به‌ طور همگانی‌ مورد تعلیم‌ و تعلم‌ قرار گیرد، علوم‌ معنوی‌ اسلامی‌ ] است‌ [ ، از قبیل‌ علم‌ اخلاق‌ و تهذیب‌ نفس‌ و سیر و سلوك‌ الی‌ الله ـ رزقنا الله و ایاكم‌ ـ كه‌ جهاد اكبر می‌باشد.

ی‌ از اموری‌ كه‌ اصلاح‌ و تصفیه‌ و مراقبت‌ از آن‌ لازم‌ است‌ قوة‌ اجراییه‌ است‌. گاهی‌ ممكن‌ است‌ كه‌ قوانین‌ مترقی‌ و مفید به‌ حال‌ جامعه‌ از مجلس‌ بگذرد و شورای‌ نگهبان‌ آن‌ را تنفیذ كند و وزیر مسئول‌ هم‌ ابلاغ‌ نماید، لكن‌ به‌ دست‌ مجریان‌ غیر صالح‌ كه‌ افتاد آن‌ را مسخ‌ كنند و برخلاف‌ مقررات‌ یا با كاغذبازیها یا پیچ‌ و خمها كه‌ به‌ آن‌ عادت‌ كرده‌اند یا عمداً برای‌ نگران‌ نمودن‌ مردم‌ عمل‌ كنند، كه‌ بتدریج‌ و مسامحه‌ غائله‌ ایجاد می‌كند.

وصیت‌ اینجانب‌ به‌ وزرای‌ مسئول‌ در عصر حاضر و در عصرهای‌ دیگر آن‌ است‌ كه‌ علاوه‌ بر آنكه‌ شماها و كارمندان‌ وزارتخانه‌ها بودجه‌ای‌ كه‌ از آن‌ ارتزاق‌ می‌كنید مال‌ ملت‌، و باید همه‌ خدمتگزار ملت‌ و خصوصاً مستضعفان‌ باشید، و ایجاد زحمت‌ برای‌ مردم‌ و مخالف‌ وظیفه‌ عمل‌ كردن‌ حرام‌ و خدای‌ نخواسته‌ گاهی‌ موجب‌ غضب‌ الهی‌ می‌شود، همة‌ شما به‌ پشتیبانی‌ ملت‌ احتیاج‌ دارید. با پشتیبانی‌ مردم‌ خصوصاً طبقات‌ محروم‌ بود كه‌ پیروزی‌ حاصل‌ شد و دست‌ ستمشاهی‌ از كشور و ذخائر آن‌ كوتاه‌ گردید. و اگر روزی‌ از پشتیبانی‌ آنان‌ محروم‌ شوید، شماها كنار گذاشته‌ می‌شوید و همچون‌ رژیم‌ شاهنشاهی‌ ستمكار به‌ جای‌ شما ستم‌ پیشگان‌ پستها را اشغال‌ می‌نمایند. بنابر این‌ حقیقت‌ ملموس‌، باید كوشش‌ در جلب‌ نظر ملت‌ بنمایید و از رفتار غیر اسلامی‌ ـ انسانی‌ احتراز نمایید.

و در همین‌ انگیزه‌ به‌ وزرای‌ كشور در طول‌ تاریخ‌ آینده‌ توصیه‌ می‌كنم‌ كه‌ در انتخاب‌ استاندارها دقت‌ كنند اشخاص‌ لایق‌، متدین‌، متعهد، عاقل‌ و سازگار با مردم‌ انتخاب‌ نمایند، تا آرامش‌ در كشور هرچه‌ بیشتر حكمفرما باشد. و باید دانست‌ كه‌ گرچه‌ تمام‌ وزیران‌ وزارتخانه‌ها مسئولیت‌ در اسلامی‌ كردن‌ و تنظیم‌ امور محل‌ مسئولیت‌ خود دارند لكن‌ بعضی‌ از آنها ویژگی‌ خاص‌ دارند؛ مثل‌ وزارت‌ خارجه‌ كه‌ مسئولیت‌ سفارتخانه‌ها را در خارج‌ از كشور دارند. اینجانب‌ از ابتدای‌ پیروزی‌ به‌ وزرای‌ خارجه‌ راجع‌ به‌ طاغوتزدگی‌ سفارتخانه‌ها و تحول‌ آنها به‌ سفارتخانه‌های‌ مناسب‌ با جمهوری‌ اسلامی‌ توصیه‌هایی‌ نمودم‌، لكن‌ بعض‌ آنان‌ یا نخواستند یا نتوانستند عمل‌ مثبتی‌ انجام‌ دهند. و اكنون‌ كه‌ سه‌ سال‌ از پیروزی‌ می‌گذرد اگرچه‌ وزیر خارجة‌ كنونی‌ اقدام‌ به‌ این‌ امر نموده‌ است‌ و امید است‌ با پشتكار و صرف‌ وقت‌ این‌ امر مهم‌ انجام‌ گیرد.

و وصیت‌ من‌ به‌ وزرای‌ خارجه‌ در این‌ زمان‌ و زمانهای‌ بعد آن‌ است‌ كه‌ مسئولیت‌ شما بسیار زیاد است‌، چه‌ در اصلاح‌ و تحول‌ وزارتخانه‌ و سفارتخانه‌ها؛ و چه‌ در سیاست‌ خارجی حفظ‌ استقلال‌ و منافع‌ كشور و روابط‌ حسنه‌ با دولتهایی‌ كه‌ قصد دخالت‌ در امور كشور ما را ندارند. و از هر امری‌ كه‌ شائبة‌ وابستگی‌ با همة‌ ابعادی‌ كه‌ دارد به‌ طور قاطع‌ احتراز نمایید. و باید بدانید كه‌ وابستگی‌ در بعض‌ امور هر چند ممكن‌ است‌ ظاهر فریبنده‌ای‌ داشته‌ باشد یا منفعت‌ و فایده‌ای‌ در حال‌ داشته‌ باشد، لكن‌ در نتیجه‌، ریشة‌ كشور را به‌ تباهی‌ خواهد كشید. و كوشش‌ داشته‌ باشید در بهتر كردن‌ روابط‌ با كشورهای‌ اسلامی‌ و در بیدار كردن‌ دولتمردان‌ و دعوت‌ به‌ وحدت‌ و اتحاد كنید كه‌ خداوند با شماست‌.

و وصیت‌ من‌ به‌ ملتهای‌ كشورهای‌ اسلامی‌ است‌ كه‌ انتظار نداشته‌ باشید كه‌ از خارج‌ كسی‌ به‌ شما در رسیدن‌ به‌ هدف‌ كه‌ آن‌ اسلام‌ و پیاده‌ كردن‌ احكام‌ اسلام‌ است‌ كمك‌ كند؛ خود باید به‌ این‌ امر حیاتی‌ كه‌ آزادی‌ و استقلال‌ را تحقق‌ می‌بخشد قیام‌ كنید. و علمای‌ اعلام‌ و خطبای‌ محترم‌ كشورهای‌ اسلامی‌ دولتها را دعوت‌ كنند كه‌ از وابستگی‌ به‌ قدرتهای‌ بزرگ‌ خارجی‌ خود را رها كنند و با ملت‌ خود تفاهم‌ كنند؛ در این‌ صورت‌ پیروزی‌ را در آغوش‌ خواهند كشید. و نیز ملتها را دعوت‌ به‌ وحدت‌ كنند؛ و از نژادپرستی‌ كه‌ مخالف‌ دستور اسلام‌ است‌ بپرهیزند؛ و با برادران‌ ایمانی‌ خود در هر كشوری‌ و با هر نژادی‌ كه‌ هستند دست‌ برادری‌ دهند كه‌ اسلام‌ بزرگ‌ آنان‌ را برادر خوانده‌. و اگر این‌ برادری‌ ایمانی‌ با همت‌ دولتها و ملتها و با تأیید خداوند متعال‌ روزی‌ تحقق‌ یابد، خواهید دید كه‌ بزرگترین‌ قدرت‌ جهان‌ را مسلمین‌ تشكیل‌ می‌دهند. به‌ امید روزی‌ كه‌ با خواست‌ پروردگار عالم‌ این‌ برادری‌ و برابری‌ حاصل‌ شود.

و وصیت‌ اینجانب‌ به‌ وزارت‌ ارشاد در همة‌ اعصار خصوصاً عصر حاضر كه‌ ویژگی‌ خاصی‌ دارد، آن‌ است‌ كه‌ برای‌ تبلیغ‌ حق‌ مقابل‌ باطل‌ و ارائة‌ چهرة‌ حقیقی‌ جمهوری‌ اسلامی‌ كوشش‌ كنند. ما اكنون‌، در این‌ زمان‌ كه‌ دست‌ ابرقدرتها را از كشور خود كوتاه‌ كردیم‌، مورد تهاجم‌ تبلیغاتی‌ تمام‌ رسانه‌های‌ گروهی‌ وابسته‌ به‌ قدرتهای‌ بزرگ‌ هستیم‌. چه‌ دروغها و تهمتها كه‌ گویندگان‌ و نویسندگان‌ وابسته‌ به‌ ابرقدرتها به‌ این‌ جمهوری‌ اسلامی‌ نوپا نزده‌ و نمی‌زنند.

مع‌الاسف‌ اكثر دولتهای‌ منطقة‌ اسلامی‌ كه‌ به‌ حكم‌ اسلام‌ باید دست‌ اخوت‌ به‌ ما دهند، به‌ عداوت‌ با ما و اسلام‌ برخاسته‌اند و همه‌ در خدمت‌ جهانخواران‌ از هر طرف‌ به‌ ما هجوم‌ آورده‌اند. و قدرت‌ تبلیغاتی‌ ما بسیار ضعیف‌ و ناتوان‌ است‌ و می‌دانید كه‌ امروز جهان‌ روی‌ تبلیغات‌ می‌چرخد. و با كمال‌ تأسف‌، نویسندگان‌ به‌ اصطلاح‌ روشنفكر كه‌ به‌ سوی‌ یكی‌ از دو قطب‌ گرایش‌ دارند، به‌ جای‌ آنكه‌ در فكر استقلال‌ و آزادی‌ كشور و ملت‌ خود باشند، خودخواهیها و فرصت‌طلبیها و انحصارجوییها به‌ آنان‌ مجال‌ نمی‌دهد كه‌ لحظه‌ای‌ تفكر نمایند و مصالح‌ كشور و ملت‌ خود را در نظر بگیرند، و مقایسة‌ بین‌ آزادی‌ و استقلال‌ را در این‌ جمهوری‌ با رژیم‌ ستمگر سابق‌ نمایند و زندگی‌ شرافتمندانة‌ ارزنده‌ را توأم‌ با بعض‌ آنچه‌ را كه‌ از دست‌ داده‌اند، كه‌ رفاه‌ و عیشزدگی‌ است‌، با آنچه‌ از رژیم‌ ستمشاهی‌ دریافت‌ می‌كردند توأم‌ با وابستگی‌ و نوكرمآبی‌ و ثناجویی‌ و مداحی‌ از جرثومه‌های‌ فساد و معادن‌ ظلم‌ و فحشا بسنجند؛ و از تهمتها و نارواها به‌ این‌ جمهوری‌ تازه‌ تولد یافته‌ دست‌ بكشند و با ملت‌ و دولت‌ در صف‌ واحد بر ضد طاغوتیان‌ و ستم‌پیشگان‌ زبانها و قلمها را به‌ كار بگیرند.

و مسئلة‌ تبلیغ‌ تنها به‌ عهدة‌ وزارت‌ ارشاد نیست‌ بلكه‌ وظیفة‌ همة‌ دانشمندان‌ و گویندگان‌ و نویسندگان‌ و هنرمندان‌ است‌. باید وزارت‌ خارجه‌ كوشش‌ كند تا سفارتخانه‌ها نشریات‌ تبلیغی‌ داشته‌ باشند و چهرة‌ نورانی‌ اسلام‌ را برای‌ جهانیان‌ روشن‌ نمایند؛ كه‌ اگر این‌ چهره‌ با آن‌ جمال‌ جمیل‌ كه‌ قرآن‌ و سنت‌ در همة‌ ابعاد به‌ آن‌ دعوت‌ كرده‌ از زیر نقاب‌ مخالفان‌ اسلام‌ و كج‌فهمیهای‌ دوستان‌ خودنمایی‌ نماید، اسلامْ جهانگیر خواهد شد و پرچم‌ پرافتخار آن‌ در همه‌ جا به‌ اهتزاز خواهد آمد. چه‌ مصیبت‌ بار و غم‌انگیز است‌ كه‌ مسلمانان‌ متاعی‌ دارند كه‌ از صدر عالم‌ تا نهایت‌ آن‌ نظیر ندارد، نتوانسته‌اند این‌ گوهر گرانبها را كه‌ هر انسانی‌ به‌ فطرت‌ آزاد خود طالب‌ آن‌ است‌ عرضه‌ كنند؛ بلكه‌ خود نیز از آن‌ غافل‌ و به‌ آن‌ جاهلند و گاهی‌ از آن‌ فراری‌اند!

ك‌ از امور بسیار با اهمیت‌ و سرنوشت‌ساز مسئلة‌ مراكز تعلیم‌ و تربیت‌ از كودكستانها تا دانشگاهها است‌ كه‌ به‌ واسطة‌ اهمیت‌ فوق‌العاده‌اش‌ تكرار نموده‌ و با اشاره‌ می‌گذرم‌. باید ملت‌ غارت‌ شده‌ بدانند كه‌ در نیم‌ قرن‌ اخیر آنچه‌ به‌ ایران‌ و اسلام‌ ضربة‌ مهلك‌ زده‌ است‌ قسمت‌ عمده‌اش‌ از دانشگاهها بوده‌ است‌. اگر دانشگاهها و مراكز تعلیم‌ و تربیتِ دیگر با برنامه‌های‌ اسلامی‌ و ملی‌ در راه‌ منافع‌ كشور به‌ تعلیم‌ و تهذیب‌ و تربیت‌ كودكان‌ و نوجوانان‌ و جوانان‌ جریان‌ داشتند، هرگز میهن‌ ما در حلقوم‌ انگلستان‌ و پس‌ از آن‌ امریكا و شوروی‌ فرو نمی‌رفت‌ و هرگز قراردادهای‌ خانه‌ خراب‌كن‌ بر ملت‌ محروم‌ غارتزده‌ تحمیل‌ نمی‌شد و هرگز پای‌ مستشاران‌ خارجی‌ به‌ ایران‌ باز نمی‌شد و هرگز ذخائر ایران‌ و طلای‌ سیاه‌ این‌ ملت‌ رنجدیده‌ در جیب‌ قدرتهای‌ شیطانی‌ ریخته‌ نمی‌شد و هرگز دودمان‌ پهلوی‌ و وابسته‌های‌ به‌ آن‌ اموال‌ ملت‌ را نمی‌توانستند به‌ غارت‌ ببرند و در خارج‌ و داخل‌ پاركها و ویلاها بر روی‌ اجساد مظلومان‌ بنا كنند و بانكهای‌ خارج‌ را از دسترنج‌ این‌ مظلومان‌ پر كنند و صرف‌ عیاشی‌ و هرزگی‌ خود و بستگان‌ خود نمایند. اگر مجلس‌ و دولت‌ و قوة‌ قضاییه‌ و سایر ارگانها از دانشگاههای‌ اسلامی‌ و ملی‌ سرچشمه‌ می‌گرفت‌ ملت‌ ما امروز گرفتار مشكلات‌ خانه‌برانداز نبود. و اگر شخصیتهای‌ پاكدامن‌ با گرایش‌ اسلامی‌ و ملی‌ به‌ معنای‌ صحیحش‌، نه‌ آنچه‌ امروز در مقابل‌ اسلام‌ عرض‌ اندام‌ می‌كند، از دانشگاهها به‌ مراكز قوای‌ سه‌گانه‌ راه‌ می‌یافت‌، امروز ما غیر امروز، و میهن‌ ما غیر این‌ میهن‌، و محرومان‌ ما از قید محرومیت‌ رها، و بساط‌ ظلم‌ و ستمشاهی‌ و مراكز فحشا و اعتیاد و عشرتكده‌ها كه‌ هر یك‌ برای‌ تباه‌ نمودن‌ نسل‌ جوان‌ فعال‌ ارزنده‌ كافی‌ بود، در هم‌ پیچیده‌ و این‌ ارث‌ كشور بر باد ده‌ و انسان‌ برانداز به‌ ملت‌ نرسیده‌ بود. و دانشگاهها اگر اسلامی‌ ـ انسانی‌ ـ ملی‌ بود، می‌توانست‌ صدها و هزارها مدرس‌ به‌ جامعه‌ تحویل‌ دهد؛ لكن‌ چه‌ غم‌انگیز و اسفبار است‌ كه‌ دانشگاهها و دبیرستانها به‌ دست‌ كسانی‌ اداره‌ می‌شد و عزیزان‌ ما به‌ دست‌ كسانی‌ تعلیم‌ و تربیت‌ می‌دیدند كه‌ جز اقلیت‌ مظلوم‌ محرومی‌ همه‌ از غربزدگان‌ و شرقزدگان‌ با برنامه‌ و نقشة‌ دیكته‌ شده‌ در دانشگاهها كرسی‌ داشتند؛ و ناچار جوانان‌ عزیز و مظلوم‌ ما در دامن‌ این‌ گرگان‌ وابسته‌ به‌ ابرقدرتها بزرگ‌ شده‌ و به‌ كرسیهای‌ قانونگذاری‌ و حكومت‌ و قضاوت‌ تكیه‌ می‌كردند، و بر وفق‌ دستور آنان‌، یعنی‌ رژیم‌ ستمگر پهلوی‌ عمل‌ می‌كردند.

اكنون‌ بحمدالله تعالی‌ دانشگاه‌ از چنگال‌ جنایتكاران‌ خارج‌ شده‌. و بر ملت‌ و دولت‌ جمهوری‌ اسلامی‌ است‌ در همة‌ اعصار، كه‌ نگذارند عناصر فاسد دارای‌ مكتبهای‌ انحرافی‌ یا گرایش‌ به‌ غرب‌ و شرق‌ در دانشسراها و دانشگاهها و سایر مراكز تعلیم‌ و تربیت‌ نفوذ كنند و از قدم‌ اول‌ جلوگیری‌ نمایند تا مشكلی‌ پیش‌ نیاید و اختیار از دست‌ نرود.

و وصیت‌ اینجانب‌ به‌ جوانان‌ عزیز دانشسراها و دبیرستانها و دانشگاهها آن‌ است‌ كه‌ خودشان‌ شجاعانه‌ در مقابل‌ انحرافات‌ قیام‌ نمایند تا استقلال‌ و آزادی‌ خود و كشور و ملت‌ خودشان‌ مصون‌ باشد.

ل‌ قوای‌ مسلح‌، از ارتش‌ و سپاه‌ و ژاندارمری‌ و شهربانی‌ تا كمیته‌ها و بسیج‌ و عشایر ویژگی‌ خاص‌ دارند. اینان‌ كه‌ بازوان‌ قوی‌ و قدرتمند جمهوری‌ اسلامی‌ می‌باشند و نگهبان‌ سرحدات‌ و راهها و شهرها و روستاها و بالاخره‌ نگهداران‌ امنیت‌ و آرامش‌بخشان‌ به‌ ملت‌ می‌باشند، می‌بایست‌ مورد توجه‌ خاص‌ ملت‌ و دولت‌ و مجلس‌ باشند. و لازم‌ است‌ توجه‌ داشته‌ باشند كه‌ در دنیا آنچه‌ كه‌ مورد بهره‌برداری‌ برای‌ قدرتهای‌ بزرگ‌ و سیاستهای‌ مخرب‌، بیشتر از هر چیز و هر گروهی‌ است‌، قوای‌ مسلح‌ است‌. قوای‌ مسلح‌ است‌ كه‌ با بازیهای‌ سیاسی‌، كودتاها و تغییر حكومتها و رژیمها به‌ دست‌ آنان‌ واقع‌ می‌شود؛ و سودجویان‌ دغل‌ بعض‌ سران‌ آنان‌ را می‌خرند و با دست‌ آنان‌ و توطئه‌های‌ فرماندهان‌ بازی‌ خوردة‌ كشورها را به‌ دست‌ می‌گیرند، و ملتهای‌ مظلوم‌ را تحت‌ سلطه‌ قرار داده‌ و استقلال‌ و آزادی‌ را از كشورها سلب‌ می‌كنند. و اگر فرماندهان‌ پاكدامن‌ متصدی‌ امر باشند، هرگز برای‌ دشمنان‌ كشورها امكان‌ كودتا یا اشغال‌ یك‌ كشور پیش‌ نمی‌آید و یا اگر احیاناً پیش‌ آید، به‌ دست‌ فرماندهان‌ متعهد شكسته‌ و ناكام‌ خواهد ماند. و در ایران‌ نیز كه‌ این‌ معجزة‌ عصر به‌ دست‌ ملت‌ انجام‌ گرفت‌، قوای‌ مسلح‌ متعهد و فرماندهان‌ پاك‌ و میهن‌دوست‌ سهم‌ بسزایی‌ داشتند.

و امروز كه‌ جنگ‌ لعنتی‌ و تحمیلی‌ صدام‌ تكریتی‌ به‌ امر و كمك‌ امریكا و سایر قدرتها پس‌ از نزدیك‌ به‌ دو سال‌ با شكست‌ سیاسی‌ و نظامی‌ ارتش‌ متجاوز بعث‌ و پشتیبانان‌ قدرتمند و وابستگان‌ به‌ آنان‌ روبه‌رو است‌، باز قوای‌ مسلح‌ نظامی‌ و انتظامی‌ و سپاهی‌ و مردمی‌ با پشتیبانی‌ بیدریغ‌ ملت‌ در جبهه‌ها و پشت‌ جبهه‌ها این‌ افتخار بزرگ‌ را آفریدند و ایران‌ را سرافراز نمودند؛ و نیز شرارتها و توطئه‌های‌ داخلی‌ را كه‌ به‌ دست‌ عروسكهای‌ وابسته‌ به‌ غرب‌ و شرق‌ برای‌ براندازی‌ جمهوری‌ اسلامی‌ بسیج‌ شده‌ بودند با دست‌ توانای‌ جوانان‌ كمیته‌ها و پاسداران‌ بسیج‌ و شهربانی‌ و با كمك‌ ملت‌ غیرتمند درهم‌ شكسته‌ شد. و همین‌ جوانان‌ فداكار عزیزند كه‌ شبها بیدارند تا خانواده‌ها با آرامش‌ استراحت‌ كنند. خدایشان‌ یار و مددكار باد.

پس‌ وصیت‌ برادرانة‌ من‌ در این‌ قدمهای‌ آخرین‌ عمر بر قوای‌ مسلح‌ به‌ طور عموم‌، آن‌ است‌ كه‌ ای‌ عزیزان‌ كه‌ به‌ اسلام‌ عشق‌ می‌ورزید و با عشق‌ لقا ء الله به‌ فداكاری‌ در جبهه‌ها و در سطح‌ كشور به‌ كار ارزشمند خود ادامه‌ می‌دهید، بیدار باشید و هوشیار كه‌ بازیگران‌ سیاسی‌ و سیاستمداران‌ حرفه‌ای‌ غرب‌ و شرقزده‌ و دستهای‌ مرموز جنایتكاران‌ پشت‌پرده‌ لبة‌ تیز سلاح‌ خیانت‌ و جنایتكارشان‌ از هر سو و بیشتر از هر گروه‌ متوجه‌ به‌ شما عزیزان‌ است‌؛ و می‌خواهند از شما عزیزان‌ كه‌ با جانفشانی‌ خود انقلاب‌ را پیروز نمودید و اسلام‌ را زنده‌ كردید بهره‌گیری‌ كرده‌ و جمهوری‌ اسلامی‌ را براندازند؛ و شما را با اسم‌ اسلام‌ و خدمت‌ به‌ میهن‌ و ملت‌ از اسلام‌ و ملت‌ جدا كرده‌ به‌ دامن‌ یكی‌ از دو قطب‌ جهانخوار بیندازند؛ و بر زحمات‌ و فداكاریهای‌ شما با حیله‌های‌ سیاسی‌ و ظاهرهای‌ به‌ صورت‌ اسلامی‌ و ملی‌ خط‌ بطلان‌ بكشند.

وصیت‌ اكید من‌ به‌ قوای‌ مسلح‌ آن‌ است‌ كه‌ همان‌ طور كه‌ از مقررات‌ نظام‌، عدم‌ دخول‌ نظامی‌ در احزاب‌ و گروهها و جبهه‌ها است‌ به‌ آن‌ عمل‌ نمایند؛ و قوای‌ مسلح‌ مطلقاً، چه‌ نظامی‌ و انتظامی‌ و پاسدار و بسیج‌ و غیر اینها، در هیچ‌ حزب‌ و گروهی‌ وارد نشده‌ و خود را از بازیهای‌ سیاسی‌ دور نگه‌ دارند. در این‌ صورت‌ می‌توانند قدرت‌ نظامی‌ خود را حفظ‌ و از اختلافات‌ درون‌ گروهی‌ مصون‌ باشند. و بر فرماندهان‌ لازم‌ است‌ كه‌ افراد تحت‌ فرمان‌ خود را از ورود در احزاب‌ منع‌ نمایند. و چون‌ انقلاب‌ از همة‌ ملت‌ و حفظ‌ آن‌ بر همگان‌ است‌، دولت‌ و ملت‌ و شورای‌ دفاع‌ و مجلس‌ شورای‌ اسلامی‌ وظیفة‌ شرعی‌ و میهنی‌ آنان‌ است‌ كه‌ اگر قوای‌ مسلح‌، چه‌ فرماندهان‌ و طبقات‌ بالا و چه‌ طبقات‌ بعد، برخلاف‌ مصالح‌ اسلام‌ و كشور بخواهند عملی‌ انجام‌ دهند یا در احزاب‌ وارد شوند كه‌ ـ بی‌اشكال‌ به‌ تباهی‌ كشیده‌ می‌شوند ـ و یا در بازیهای‌ سیاسی‌ وارد شوند، از قدم‌ اول‌ با آن‌ مخالفت‌ كنند. و بر رهبر و شورای‌ رهبری‌ است‌ كه‌ با قاطعیت‌ از این‌ امر جلوگیری‌ نماید تا كشور از آسیب‌ در امان‌ باشد.

و من‌ به‌ همة‌ نیروهای‌ مسلح‌ در این‌ پایان‌ زندگی‌ خاكی‌، وصیت‌ مشفقانه‌ می‌كنم‌ كه‌ از اسلام‌ كه‌ یگانه‌ مكتب‌ استقلال‌ و آزادیخواهی‌ است‌ و خداوند متعال‌ همه‌ را با نور هدایت‌ آن‌ به‌ مقام‌ والای‌ انسانی‌ دعوت‌ می‌كند، چنانچه‌ امروز وفادارید در وفاداری‌ استقامت‌ كنید كه‌ شما را و كشور و ملت‌ شما را از ننگ‌ وابستگیها و پیوستگیها به‌ قدرتهایی‌ كه‌ همة‌ شما را جز برای‌ بردگی‌ خویش‌ نمی‌خواهند و كشور و ملت‌ عزیزتان‌ را عقب‌ مانده‌ و بازار مصرف‌ و زیر بار ننگین‌ ستم‌پذیری‌ نگه‌ می‌دارند نجات‌ می‌دهد. و زندگی‌ انسانی‌ شرافتمندانه‌ را ولو با مشكلات‌ بر زندگانی‌ ننگین‌ بردگی‌ اجانب‌ ولو با رفاه‌ حیوانی‌ ترجیح‌ دهید؛ و بدانید مادام‌ كه‌ در احتیاجات‌ صنایع‌ پیشرفته‌، دست‌ خود را پیش‌ دیگران‌ دراز كنید و به‌ دریوزگی‌ عمر را بگذرانید قدرت‌ ابتكار و پیشرفت‌ در اختراعات‌ در شما شكوفا نخواهد شد. و به‌ خوبی‌ و عینیت‌ دیدید كه‌ در این‌ مدت‌ كوتاه‌ پس‌ از تحریم‌ اقتصادی‌ همانها كه‌ از ساختن‌ هرچیز خود را عاجز می‌دیدند و از راه‌ انداختن‌ كارخانه‌ها آنان‌ را مأیوس‌ می‌نمودند، افكار خود را به‌ كار بستند و بسیاری‌ از احتیاجات‌ ارتش‌ و كارخانه‌ها را خود رفع‌ نمودند. و این‌ جنگ‌ و تحریم‌ اقتصادی‌ و اخراج‌ كارشناسان‌ خارجی‌، تحفه‌ای‌ الهی‌ بود كه‌ ما از آن‌ غافل‌ بودیم‌. اكنون‌ اگر دولت‌ و ارتش‌ كالاهای‌ جهانخواران‌ را خود تحریم‌ كنند و به‌ كوشش‌ و سعی‌ در راه‌ ابتكار بیفزایند، امید است‌ كه‌ كشور خودكفا شود و از دریوزگی‌ از دشمن‌ نجات‌ یابد.

و هم‌ در اینجا باید بیفزایم‌ كه‌ احتیاج‌ ما پس‌ از اینهمه‌ عقب‌ماندگی‌ مصنوعی‌ به‌ صنعتهای‌ بزرگ‌ كشورهای‌ خارجی‌ حقیقتی‌ است‌ انكارناپذیر. و این‌ به‌ آن‌ معنی‌ نیست‌ كه‌ ما باید در علوم‌ پیشرفته‌ به‌ یكی‌ از دو قطب‌ وابسته‌ شویم‌. دولت‌ و ارتش‌ باید كوشش‌ كنند كه‌ دانشجویان‌ متعهد را در كشورهایی‌ كه‌ صنایع‌ بزرگ‌ پیشرفته‌ را دارند و استعمار و استثمارگر نیستند بفرستند؛ و از فرستادن‌ به‌ امریكا و شوروی‌ و كشورهای‌ دیگر كه‌ در مسیر این‌ دو قطب‌ هستند احتراز كنند، مگر ان‌شا ء الله روزی‌ برسد كه‌ این‌ دو قدرت‌ به‌ اشتباه‌ خود پی‌برند و در مسیر انسانیت‌ و انساندوستی‌ و احترام‌ به‌ حقوق‌ دیگران‌ واقع‌ شوند؛ یا ان‌شا ء الله مستضعفان‌ جهان‌ و ملتهای‌ بیدار و مسلمانان‌ متعهد، آنان‌ را به‌ جای‌ خود نشانند. به‌ امید چنین‌ روزی‌.

م‌ رادیو و تلویزیون‌ و مطبوعات‌ و سینماها و تئأترها از ابزارهای‌ مؤثر تباهی‌ و تخدیر ملتها، خصوصاً نسل‌ جوان‌ بوده‌ است‌. در این‌ صد سال‌ اخیر بویژه‌ نیمة‌ دوم‌ آن‌، چه‌ نقشه‌های‌ بزرگی‌ از این‌ ابزار، چه‌ در تبلیغ‌ ضد اسلام‌ و ضد روحانیت‌ خدمتگزار، و چه‌ در تبلیغ‌ استعمارگران‌ غرب‌ و شرق‌، كشیده‌ شد و از آنها برای‌ درست‌ كردن‌ بازار كالاها خصوصاً تجملی‌ و تزئینی‌ از هر قماش‌، از تقلید در ساختمانها و تزئینات‌ و تجملات‌ آنها و تقلید در اجناس‌ نوشیدنی‌ و پوشیدنی‌ و در فرم‌ آنها استفاده‌ كردند، به‌ طوری‌ كه‌ افتخار بزرگِ فرنگی‌ مآب‌ بودن‌ در تمام‌ شئون‌ زندگی‌ از رفتار و گفتار و پوشش‌ و فرم‌ آن‌ بویژه‌ در خانمهای‌ مرفه‌ یا نیمه‌ مرفه‌ بود، و در آداب‌ معاشرت‌ و كیفیت‌ حرف‌ زدن‌ و به‌ كار بردن‌ لغات‌ غربی‌ در گفتار و نوشتار به‌ صورتی‌ بود كه‌ فهم‌ آن‌ برای‌ بیشتر مردم‌ غیرممكن‌، و برای‌ همردیفان‌ نیز مشكل‌ می‌نمود! فیلمهای‌ تلویزیون‌ از فرآورده‌های‌ غرب‌ یا شرق‌ بود كه‌ طبقة‌ جوان‌ زن‌ و مرد را از مسیر عادی‌ زندگی‌ و كار و صنعت‌ و تولید و دانش‌ منحرف‌ و به‌ سوی‌ بیخبری‌ از خویش‌ و شخصیت‌ خود و یا بدبینی‌ و بدگمانی‌ به‌ همه‌ چیز خود و كشور خود، حتی‌ فرهنگ‌ و ادب‌ و مآثر پر ارزشی‌ كه‌ بسیاری‌ از آن‌ با دست‌ خیانتكار سودجویان‌، به‌ كتابخانه‌ها و موزه‌های‌ غرب‌ و شرق‌ منتقل‌ گردیده‌ است‌. مجله‌ها با مقاله‌ها و عكسهای‌ افتضاح‌ بار و أسف‌انگیز، و روزنامه‌ها با مسابقات‌ در مقالات‌ ضدفرهنگی‌ خویش‌ و ضداسلامی‌ با افتخار، مردم‌ بویژه‌ طبقة‌ جوان‌ مؤثر را به‌ سوی‌ غرب‌ یا شرق‌ هدایت‌ می‌كردند. اضافه‌ كنید بر آن‌ تبلیغ‌ دامنه‌دار در ترویج‌ مراكز فساد و عشرتكده‌ها و مراكز قمار و لاتار و مغازه‌های‌ فروش‌ كالاهای‌ تجملاتی‌ و اسباب‌ آرایش‌ و بازیها و مشروبات‌ الكلی‌ بویژه‌ آنچه‌ از غرب‌ وارد می‌شد. و در مقابل‌ صدور نفت‌ و گاز و مخازن‌ دیگر، عروسكها و اسباب‌ بازیها و كالاهای‌ تجملی‌ وارد می‌شد؛ و صدها چیزهایی‌ كه‌ امثال‌ من‌ از آنها بی‌اطلاع‌ هستیم‌. و اگر خدای‌ نخواسته‌ عمر رژیم‌ سرسپرده‌ و خانمان‌ برانداز پهلوی‌ ادامه‌ پیدا می‌كرد، چیزی‌ نمی‌گذشت‌ كه‌ جوانان‌ برومند ما ـ این‌ فرزندان‌ اسلام‌ و میهن‌ كه‌ چشم‌ امید ملت‌ به‌ آنها است‌ ـ با انواع‌ دسیسه‌ها و نقشه‌های‌ شیطانی‌ به‌ دست‌ رژیم‌ فاسد و رسانه‌های‌ گروهی‌ و روشنفكران‌ غرب‌ و شرقگرا از دست‌ ملت‌ و دامن‌ اسلام‌ رخت‌ برمی‌بستند: یا جوانی‌ خود را در مراكز فساد تباه‌ می‌كردند؛ و یا به‌ خدمت‌ قدرتهای‌ جهانخوار درآمده‌ و كشور را به‌ تباهی‌ می‌كشاندند. خداوند متعال‌ به‌ ما و آنان‌ منت‌ گذاشت‌ و همه‌ را از شر مفسدین‌ و غارتگران‌ نجات‌ داد.

اكنون‌ وصیت‌ من‌ به‌ مجلس‌ شورای‌ اسلامی‌ در حال‌ و آینده‌ و رئیس‌جمهور و رؤسای‌ جمهور مابعد و به‌ شورای‌ نگهبان‌ و شورای‌ قضایی‌ و دولت‌ در هر زمان‌، آن‌ است‌ كه‌ نگذارند این‌ دستگاههای‌ خبری‌ و مطبوعات‌ و مجله‌ها از اسلام‌ و مصالح‌ كشور منحرف‌ شوند. و باید همه‌ بدانیم‌ كه‌ آزادی‌ به‌ شكل‌ غربی‌ آن‌، كه‌ موجب‌ تباهی‌ جوانان‌ و دختران‌ و پسران‌ می‌شود، از نظر اسلام‌ و عقل‌ محكوم‌ است‌. و تبلیغات‌ و مقالات‌ و سخنرانیها و كتب‌ و مجلات‌ برخلاف‌ اسلام‌ و عفت‌ عمومی‌ و مصالح‌ كشور حرام‌ است‌. و بر همة‌ ما و همة‌ مسلمانان‌ جلوگیری‌ از آنها واجب‌ است‌. و از آزادیهای‌ مخرب‌ باید جلوگیری‌ شود. و از آنچه‌ در نظر شرع‌ حرام‌ و آنچه‌ برخلاف‌ مسیر ملت‌ و كشور اسلامی‌ و مخالف‌ با حیثیت‌ جمهوری‌ اسلامی‌ است‌ به‌ طور قاطع‌ اگر جلوگیری‌ نشود، همه‌ مسئول‌ می‌باشند. و مردم‌ و جوانان‌ حزب‌اللهی‌ اگر برخورد به‌ یكی‌ از امور مذكور نمودند به‌ دستگاههای‌ مربوطه‌ رجوع‌ كنند و اگر آنان‌ كوتاهی‌ نمودند، خودشان‌ مكلف‌ به‌ جلوگیری‌ هستند. خداوند تعالی‌ مددكار همه‌ باشد.

ن‌ نصیحت‌ و وصیت‌ من‌ به‌ گروهها و گروهكها و اشخاصی‌ كه‌ در ضدیت‌ با ملت‌ و جمهوری‌ اسلامی‌ و اسلام‌ فعالیت‌ می‌كنند، اول‌ به‌ سران‌ آنان‌ در خارج‌ و داخل‌، آن‌ است‌ كه‌ تجربة‌ طولانی‌ به‌ هر راهی‌ كه‌ اقدام‌ كردید و به‌ هر توطئه‌ای‌ كه‌ دست‌ زدید و به‌ هر كشور و مقامی‌ كه‌ توسل‌ پیدا كردید به‌ شماها كه‌ خود را عالم‌ و عاقل‌ می‌دانید باید آموخته‌ باشند كه‌ مسیر یك‌ ملت‌ فداكار را نمی‌شود با دست‌ زدن‌ به‌ ترور و انفجار و بمب‌ و دروغ‌پردازیهای‌ بی‌ سر و پا و غیرحساب‌ شده‌ منحرف‌ كرد، و هرگز هیچ‌ حكومت‌ و دولتی‌ را نمی‌توان‌ با این‌ شیوه‌های‌ غیرانسانی‌ و غیرمنطقی‌ ساقط‌ نمود، بویژه‌ ملتی‌ مثل‌ ایران‌ را كه‌ از بچه‌های‌ خردسالش‌ تا پیرزنها و پیرمردهای‌ بزرگسالش‌، در راه‌ هدف‌ و جمهوری‌ اسلامی‌ و قرآن‌ و مذهب‌ جانفشانی‌ و فداكاری‌ می‌كنند. شماها كه‌ می‌دانید (و اگر ندانید بسیار ساده‌لوحانه‌ فكر می‌كنید) كه‌ ملت‌ با شما نیست‌ و ارتش‌ با شماها دشمن‌ است‌. و اگر فرض‌ بكنید با شما بودند و دوست‌ شما بودند، حركات‌ ناشیانة‌ شما و جنایاتی‌ كه‌ با تحریك‌ شما رخ‌ داد آنان‌ را از شما جدا كرد و جز دشمن‌ تراشی‌ كار دیگری‌ نتوانستید بكنید.

من‌ وصیت‌ خیرخواهانه‌ در این‌ آخر عمر به‌ شما می‌كنم‌ كه‌ اولاً با این‌ ملت‌ طاغوتزدة‌ رنج‌ كشیده‌ كه‌ پس‌ از 2500 سال‌ ستمشاهی‌ با فدا دادن‌ بهترین‌ فرزندان‌ و جوانانش‌ خود را از زیر بار ستم‌ جنایتكارانی‌ همچون‌ رژیم‌ پهلوی‌ و جهانخواران‌ شرق‌ و غرب‌ نجات‌ داده‌ به‌ جنگ‌ و ستیز برخاسته‌اید. چطور وجدان‌ یك‌ انسان‌ هر چه‌ پلید باشد، راضی‌ می‌شود برای‌ احتمال‌ رسیدن‌ به‌ یك‌ مقام‌ با میهن‌ خود و ملت‌ خود اینگونه‌ رفتار كند و به‌ كوچك‌ و بزرگ‌ آنها رحم‌ نكند؟ من‌ به‌ شما نصیحت‌ می‌كنم‌ دست‌ از این‌ كارهای‌ بیفایده‌ و غیرعاقلانه‌ بردارید و گول‌ جهانخواران‌ را نخورید. و در هر جا هستید اگر به‌ جنایتی‌ دست‌ نزدید به‌ میهن‌ خود و دامن‌ اسلام‌ برگردید و توبه‌كنید كه‌ خداوند ارحم‌ الراحمین‌ است‌؛ و جمهوری‌ اسلامی‌ و ملت‌ از شما ان‌شا ء الله می‌گذرند. و اگر دست‌ به‌ جنایتی‌ زدید كه‌ حكم‌ خداوند تكلیف‌ شما را معین‌ كرده‌، باز از نیمه‌ راه‌ برگشته‌ و توبه‌ كنید. و اگر شهامت‌ دارید تن‌ به‌ مجازات‌ داده‌ و با این‌ عمل‌ خود را از عذاب‌ الیم‌ خداوند نجات‌ دهید؛ و ال در هر جا هستید عمر خود را بیش‌ از این‌ هدر ندهید و به‌ كار دیگر مشغول‌ شوید كه‌ صلاح‌ در آن‌ است‌.

و بعد، به‌ هواداران‌ داخلی‌ و خارجی‌ آنان‌ وصیت‌ می‌كنم‌ كه‌ با چه‌ انگیزه‌ جوانی‌ خود را برای‌ آنان‌ كه‌ اكنون‌ ثابت‌ است‌ كه‌ برای‌ قدرتمندان‌ جهانخوار خدمت‌ می‌كنند و از نقشه‌های‌ آنها پیروی‌ می‌كنند و ندانسته‌ به‌ دام‌ آنها افتاده‌اند به‌ هدر می‌دهید؟ و با ملت‌ خود در راه‌ چه‌ كسی‌ جفا می‌كنید؟ شما بازی‌ خوردگان‌ دست‌ آنها هستید. و اگر در ایران‌ هستید به‌ عیان‌ مشاهده‌ می‌كنید كه‌ توده‌های‌ میلیونی‌ به‌ جمهوری‌ اسلامی‌ وفادار و برای‌ آن‌ فداكارند؛ و به‌ عیان‌ می‌بینید كه‌ حكومت‌ و رژیم‌ فعلی‌ با جان‌ و دل‌ در خدمت‌ خلق‌ و مستمندان‌ هستند؛ و آنان‌ كه‌ به‌ دروغ‌ ادعای‌ «خلقی‌» بودن‌ و «مجاهد» و «فدایی‌» برای‌ خلق‌ می‌كنند، با خلق‌ خدا به‌ دشمنی‌ برخاسته‌ و شما پسران‌ و دختران‌ ساده‌دل‌ را برای‌ مقاصد خود و مقاصد یكی‌ از دو قطب‌ قدرت‌ جهانخوار به‌ بازی‌ گرفته‌ و خود یا در خارج‌ در آغوش‌ یكی‌ از دو قطب‌ جنایتكار به‌ خوشگذرانی‌ مشغول‌ و یا در داخل‌ به‌ خانه‌های‌ مجلل‌ تیمی‌ با زندگی‌ اشرافی‌، نظیر منازل‌ جنایتكارانی‌ بدبخت‌ به‌ جنایت‌ خود ادامه‌ می‌دهند و شما جوانان‌ را به‌ كام‌ مرگ‌ می‌فرستند.

نصیحت‌ مشفقانة‌ من‌ به‌ شما نوجوانان‌ و جوانان‌ داخل‌ و خارج‌ آن‌ است‌ كه‌ از راه‌ اشتباه‌ برگردید؛ و با محرومین‌ جامعه‌ كه‌ با جان‌ و دل‌ به‌ جمهوری‌ اسلامی‌ خدمت‌ می‌كنند متحد شوید؛ و برای‌ ایران‌ مستقل‌ و آزاد فعالیت‌ نمایید تا كشور و ملت‌ از شرّ مخالفین‌ نجات‌ پیدا كند، و همه‌ با هم‌ به‌ زندگی‌ شرافتمندانه‌ ادامه‌ دهید. تا چه‌ وقت‌ و برای‌ چه‌ گوش‌ به‌ فرمان‌ اشخاصی‌ هستید كه‌ جز به‌ نفع‌ شخصی‌ خود فكر نمی‌كنند و در آغوش‌ و پناه‌ ابرقدرتها با ملت‌ خود در ستیز هستند و شما را فدای‌ مقاصد شوم‌ و قدرت‌طلبی‌ خویش‌ می‌نمایند؟ شما در این‌ سالهای‌ پیروزی‌ انقلاب‌ دیدید كه‌ ادعاهای‌ آنان‌ با رفتار و عملشان‌ مخالف‌ است‌ و ادعاها فقط‌ برای‌ فریب‌ جوانان‌ صاف‌ دل‌ است‌. و می‌دانید كه‌ شما قدرتی‌ در مقابل‌ سیل‌ خروشان‌ ملت‌ ندارید و كارهایتان‌ جز به‌ ضرر خودتان‌ و تباهی‌ عمرتان‌ نتیجه‌ای‌ ندارد. من‌ تكلیف‌ خود را كه‌ هدایت‌ است‌ ادا كردم‌. و امید است‌ به‌ این‌ نصیحت‌ كه‌ پس‌ از مرگ‌ من‌ به‌ شما می‌رسد و شائبة‌ قدرت‌طلبی‌ در آن‌ نیست‌ گوش‌ فرا دهید و خود را از عذاب‌ الیم‌ الهی‌ نجات‌ دهید. خداوند منان‌ شما را هدایت‌ فرماید و صراط‌ مستقیم‌ را به‌ شما بنماید.

وصیت‌ من‌ به‌ چپگرایان‌، مثل‌ كمونیستها و چریكهای‌ فدایی‌ خلق‌ و دیگر گروهها [ی] متمایل‌ به‌ چپ‌، آن‌ است‌ كه‌ شماها بدون‌ بررسی‌ صحیح‌ از مكتبها و مكتب‌ اسلام‌ نزد كسانی‌ كه‌ از مكتبها و خصوص‌ اسلام‌ اطلاع‌ صحیح‌ دارند، با چه‌ انگیزه‌ خودتان‌ را راضی‌ كردید به‌ مكتبی‌ كه‌ امروز در دنیا شكست‌ خورده‌ رو آورید و چه‌ شده‌ كه‌ دل‌ خود را به‌ چند «ایسم‌» كه‌ محتوای‌ آنها پیش‌ اهل‌ تحقیق‌ پوچ‌ است‌ خوش‌ كرده‌اید؟ و شما را چه‌ انگیزه‌ای‌ وادار كرده‌ كه‌ می‌خواهید كشور خود را به‌ دامن‌ شوروی‌ یا چین‌ بكشید؛ و با ملت‌ خود به‌ اسم‌ «توده‌ دوستی‌» به‌ جنگ‌ برخاسته‌ یا به‌ توطئه‌هایی‌ برای‌ نفع‌ اجنبی‌ به‌ ضد كشور خود و توده‌های‌ ستمدیده‌ دست‌ زدید؟ شما می‌بینید كه‌ از اول‌ پیدایش‌ كمونیسم‌ مدعیان‌ آن‌ دیكتاتورترین‌ و قدرت‌طلب‌ و انحصارطلبترین‌ حكومتهای‌ جهان‌ بوده‌ و هستند. چه‌ ملتهایی‌ زیر دست‌ و پای‌ شوروی‌ مدعی‌ طرفدار توده‌ها خُرد شدند و از هستی‌ ساقط‌ گردیدند. ملت‌ روسیه‌، مسلمانان‌ و غیرمسلمانان‌، تاكنون‌ در زیر فشار دیكتاتوری‌ حزب‌ كمونیست‌ دست‌ و پا می‌زنند و از هرگونه‌ آزادی‌ محروم‌ و در اختناق‌ بالاتر از اختناقهای‌ دیكتاتورهای‌ جهان‌ به‌ سر می‌برند. استالین‌، كه‌ یكی‌ از چهره‌های‌ به‌ اصطلاح‌ «درخشان‌» حزب‌ بود، ورود و خروجش‌ را و تشریفات‌ آن‌ و اشرافیت‌ او را دیدیم‌. اكنون‌ كه‌ شما فریب‌ خوردگان‌ در عشق‌ آن‌ رژیم‌ جان‌ می‌دهید، مردم‌ مظلوم‌ شوروی‌ و دیگر اقمار او چون‌ افغانستان‌ از ستمگریهای‌ آنان‌ جان‌ می‌سپارند، و آنگاه‌ شما كه‌ مدعی‌ طرفداری‌ از خلق‌ هستید، بر این‌ خلق‌ محروم‌ در هر جا كه‌ دستتان‌ رسیده‌ چه‌ جنایاتی‌ انجام‌ دادید و با اهالی‌ شریف‌ آمل‌ كه‌ آنان‌ را به‌ غلط‌ طرفدار پر و پا قرص‌ خود معرفی‌ می‌كردید و عدة‌ بسیاری‌ را به‌ فریب‌ به‌ جنگ‌ مردم‌ و دولت‌ فرستادید و به‌ كشتن‌ دادید، چه‌ جنایتها كه‌ نكردید. و شما «طرفدار خلق‌ محروم‌» می‌خواهید خلق‌ مظلوم‌ و محروم‌ ایران‌ را به‌ دست‌ دیكتاتوری‌ شوروی‌ دهید و چنین‌ خیانتی‌ را با سرپوش‌ «فدایی‌ خلق‌» و طرفدار محرومین‌ در حال‌ اجرا هستید، منتها «حزب‌ توده‌» و رفقای‌ آن‌ با توطئه‌ و زیر ماسك‌ طرفداری‌ از جمهوری‌ اسلامی‌، و دیگر گروهها با اسلحه‌ و ترور و انفجار.

من‌ به‌ شما احزاب‌ و گروهها، چه‌ آنان‌ كه‌ به‌ چپگرایی‌ معروف‌ ـ گرچه‌ بعضی‌ شواهد و قرائن‌ دلالت‌ دارد كه‌ اینان‌ كمونیست‌ امریكایی‌ هستند ـ و چه‌ آنان‌ كه‌ از غرب‌ ارتزاق‌ می‌كنند و الهام‌ می‌گیرند و چه‌ آنها كه‌ با اسم‌ «خودمختاری‌» و طرفداری‌ از كرد و بلوچ‌ دست‌ به‌ اسلحه‌ برده‌ و مردم‌ محروم‌ كردستان‌ و دیگر جاها را از هستی‌ ساقط‌ نموده‌ و مانع‌ از خدمتهای‌ فرهنگی‌ و بهداشتی‌ و اقتصادی‌ و بازسازی‌ دولت‌ جمهوری‌ در آن‌ استانها می‌شوند، مثل‌ حزب‌ «دموكرات‌» و «كومله‌» وصیت‌ می‌كنم‌ كه‌ به‌ ملت‌ بپیوندند. و تاكنون‌ تجربه‌ كرده‌اند كه‌ كاری‌ جز بدبخت‌ كردن‌ اهالی‌ آن‌ مناطق‌ نكرده‌اند و نمی‌توانند بكنند، پس‌ مصلحت‌ خود و ملت‌ خود و مناطق‌ خود آن‌ است‌ كه‌ با دولت‌ تشریك‌ مساعی‌ نموده‌ و از یاغی‌گری‌ و خدمت‌ به‌ بیگانگان‌ و خیانت‌ به‌ میهن‌ خود دست‌ بردارند و به‌ ساختن‌ كشور بپردازند و مطمئن‌ باشند كه‌ اسلام‌ برای‌ آنان‌ هم‌ از قطب‌ جنایتكار غرب‌ و هم‌ از قطب‌ دیكتاتور شرق‌ بهتر است‌ و آرزوهای‌ انسانی‌ خلق‌ را بهتر انجام‌ می‌دهد.

و وصیت‌ من‌ به‌ گروههای‌ مسلمان‌ كه‌ از روی‌ اشتباه‌ به‌ غرب‌ و احیاناً به‌ شرق‌ تمایل‌ نشان‌ می‌دهند و از منافقان‌ كه‌ اكنون‌ خیانتشان‌ معلوم‌ شد گاهی‌ طرفداری‌ می‌كردند و به‌ مخالفانِ بدخواهان‌ اسلام‌ از روی‌ خطا و اشتباه‌ گاهی‌ لعن‌ می‌كردند و طعن‌ می‌زدند، آن‌ است‌ كه‌ بر سر اشتباه‌ خود پافشاری‌ نكنند و با شهامت‌ اسلامی‌ به‌ خطای‌ خود اعتراف‌، و با دولت‌ و مجلس‌ و ملت‌ مظلوم‌ برای‌ رضای‌ خداوند هم‌صدا و هم‌مسیر شده‌ و این‌ مستضعفان‌ تاریخ‌ را از شرّ مستكبران‌ نجات‌ دهید؛ و كلام‌ مرحوم‌ مدرس‌ آن‌ روحانی‌ متعهد پاك‌ سیرت‌ و پاك‌ اندیشه‌ را به‌ خاطر بسپرید كه‌ در مجلس‌ افسردة‌ آن‌ روز گفت‌: اكنون‌ كه‌ باید از بین‌ برویم‌ چرا با دست‌ خود برویم‌.

من‌ هم‌ امروز به‌ یاد آن‌ شهید راه‌ خدا به‌ شما برادران‌ مؤمن‌ عرض‌ می‌كنم‌ اگر ما با دست‌ جنایتكار امریكا و شوروی‌ از صفحة‌ روزگار محو شویم‌ و با خون‌ سرخ‌ شرافتمندانه‌ با خدای‌ خویش‌ ملاقات‌ كنیم‌، بهتر از آن‌ است‌ كه‌ در زیر پرچم‌ ارتش‌ سرخ‌ شرق‌ و سیاه‌ غرب‌ زندگی‌ اشرافی‌ مرفه‌ داشته‌ باشیم‌. و این‌ سیره‌ و طریقة‌ انبیای‌ عظام‌ و ائمة‌ مسلمین‌ و بزرگان‌ دین‌ مبین‌ بوده‌ است‌ و ما باید از آن‌ تبعیت‌ كنیم‌؛ و باید به‌ خود بباورانیم‌ كه‌ اگر یك‌ ملت‌ بخواهند بدون‌ وابستگیها زندگی‌ كنند می‌توانند؛ و قدرتمندان‌ جهان‌ بر یك‌ ملت‌ نمی‌توانند خلاف‌ ایدة‌ آنان‌ را تحمیل‌ كنند.

از افغانستان‌ عبرت‌ باید گرفت‌ با آنكه‌ دولت‌ غاصب‌ و احزاب‌ چپی‌ با شوروی‌ بوده‌ و هستند، تاكنون‌ نتوانسته‌اند توده‌های‌ مردم‌ را سركوب‌ نمایند. علاوه‌ بر این‌ اكنون‌ ملتهای‌ محروم‌ جهان‌ بیدار شده‌اند و طولی‌ نخواهد كشید كه‌ این‌ بیداریها به‌ قیام‌ و نهضت‌ و انقلاب‌ انجامیده‌ و خود را از تحت‌ سلطة‌ ستمگران‌ مستكبر نجات‌ خواهند داد. و شما مسلمانانِ پایبند به‌ ارزشهای‌ اسلامی‌ می‌بینید كه‌ جدایی‌ و انقطاع‌ از شرق‌ و غرب‌ بركات‌ خود را دارد نشان‌ می‌دهد؛ و مغزهای‌ متفكر بومی‌ به‌ كار افتاده‌ و به‌ سوی‌ خودكفایی‌ پیشروی‌ می‌كند و آنچه‌ كارشناسان‌ خائن‌ غربی‌ و شرقی‌ برای‌ ملت‌ ما محال‌ جلوه‌ می‌دادند، امروز به‌ طور چشم‌گیری‌ با دست‌ و فكر ملت‌ انجام‌ گرفته‌ و ان‌شا ء الله تعالی‌ در دراز مدت‌ انجام‌ خواهد گرفت‌. و صد افسوس‌ كه‌ این‌ انقلاب‌ دیر تحقق‌ پیدا كرد و لااقل‌ در اول‌ سلطنت‌ جابرانة‌ كثیف‌ محمدرضا تحقق‌ نیافت‌؛ و اگر شده‌ بود، ایران‌ غارتزده‌ غیر از این‌ ایران‌ بود.

و وصیت‌ من‌ به‌ نویسندگان‌ و گویندگان‌ و روشنفكران‌ و اشكالتراشان‌ و صاحب‌عقدگان‌ آن‌ است‌ كه‌ به‌ جای‌ آنكه‌ وقت‌ خود را در خلاف‌ مسیر جمهوری‌ اسلامی‌ صرف‌ كنید و هرچه‌ توان‌ دارید در بدبینی‌ و بدخواهی‌ و بدگویی‌ از مجلس‌ و دولت‌ و سایر خدمتگزاران‌ به‌ كار برید، و با این‌ عمل‌ كشور خود را به‌ سوی‌ ابرقدرتها سوق‌ دهید، با خدای‌ خود یك‌ شب‌ خلوت‌ كنید و اگر به‌ خداوند عقیده‌ ندارید با وجدان‌ خود خلوت‌ كنید و انگیزة‌ باطنی‌ خود را كه‌ بسیار می‌شود خود انسانها از آن‌ بیخبرند بررسی‌ كنید، ببینید آیا با كدام‌ معیار و با چه‌ انصاف‌ خون‌ این‌ جوانان‌ قلم‌ قلم‌ شده‌ را در جبهه‌ها و در شهرها نادیده‌ می‌گیرید و با ملتی‌ كه‌ می‌خواهد از زیر بار ستمگران‌ و غارتگران‌ خارجی‌ و داخلی‌ خارج‌ شود و استقلال‌ و آزادی‌ را با جان‌ خود و فرزندان‌ عزیز خود به‌ دست‌ آورده‌ و با فداكاری‌ می‌خواهد آن‌ را حفظ‌ كند، به‌ جنگ‌ اعصاب‌ برخاسته‌اید و به‌ اختلاف‌انگیزی‌ و توطئه‌های‌ خائنانه‌ دامن‌ می‌زنید و راه‌ را برای‌ مستكبران‌ و ستمگران‌ باز می‌كنید. آیا بهتر نیست‌ كه‌ با فكر و قلم‌ و بیان‌ خود دولت‌ و مجلس‌ و ملت‌ را راهنمایی‌ برای‌ حفظ‌ میهن‌ خود نمایید؟ آیا سزاوار نیست‌ كه‌ به‌ این‌ ملت‌ مظلوم‌ محروم‌ كمك‌ كنید و با یاری‌ خود حكومت‌ اسلامی‌ را استقرار دهید؟ آیا این‌ مجلس‌ و رئیس‌ جمهور و دولت‌ و قوة‌ قضایی‌ را از آنچه‌ در زمان‌ رژیم‌ سابق‌ بود بدتر می‌دانید؟ آیا از یاد برده‌اید ستمهایی‌ كه‌ آن‌ رژیم‌ لعنتی‌ بر این‌ ملت‌ مظلوم‌ بی‌پناه‌ روا می‌داشت‌؟ آیا نمی‌دانید كه‌ كشور اسلامی‌ در آن‌ زمان‌ یك‌ پایگاه‌ نظامی‌ برای‌ امریكا بود و با آن‌ عمل‌ یك‌ مستعمره‌ می‌كردند و از مجلس‌ تا دولت‌ و قوای‌ نظامی‌ در قبضة‌ آنان‌ بود و مستشاران‌ و صنعتگران‌ و متخصصان‌ آنان‌ با این‌ ملت‌ و ذخائر آن‌ چه‌ می‌كردند؟ آیا اشاعة‌ فحشا در سراسر كشور و مراكز فساد، از عشرتكده‌ها و قمارخانه‌ها و میخانه‌ها و مغازه‌های‌ مشروب‌فروشی‌ و سینماها و دیگر مراكز كه‌ هر یك‌ برای‌ تباه‌ كردن‌ نسل‌ جوان‌ عاملی‌ بزرگ‌ بود، از خاطرتان‌ محو شده‌؟ آیا رسانه‌های‌ گروهی‌ و مجلات‌ سراسر فسادانگیز و روزنامه‌های‌ آن‌ رژیم‌ را به‌ دست‌ فراموشی‌ سپرده‌اید؟ و اكنون‌ كه‌ از آن‌ بازارهای‌ فساد اثری‌ نیست‌، برای‌ آنكه‌ در چند دادگاه‌، یا چند جوان‌ كه‌ شاید اكثر از گروههای‌ منحرف‌ نفوذ كرده‌ و برای‌ بدنام‌ نمودن‌ اسلام‌ و جمهوری‌ اسلامی‌ كارهای‌ انحرافی‌ انجام‌ می‌دهند، و كشتن‌ عده‌ای‌ كه‌ مفسد فی‌الارض‌ هستند و قیام‌ بر ضد اسلام‌ و جمهوری‌ اسلامی‌ می‌كنند شما را به‌ فریاد درآورده‌، و با كسانی‌ كه‌ با صراحت‌ اسلام‌ را محكوم‌ می‌كنند و بر ضد آن‌ قیام‌ مسلحانه‌ یا قیام‌ با قلم‌ و زبان‌ كه‌ أسفناكتر از قیام‌ مسلحانه‌ است‌، نموده‌اند پیوند می‌كنید و دست‌ برادری‌ می‌دهید؛ و آنان‌ را كه‌ خداوند مهدورالدم‌ فرموده‌ نور چشم‌ می‌خوانید، و در كنار بازیگرانی‌ كه‌ فاجعة‌ چهارده‌ اسفند را برپا كردند و جوانان‌ بیگناه‌ را با ضرب‌ و شتم‌ كوبیدند نشسته‌ و تماشاگر معركه‌ می‌شوید، یك‌ عمل‌ اسلامی‌ و اخلاقی‌ است‌! و عمل‌ دولت‌ و قوة‌ قضاییه‌ كه‌ معاندین‌ و منحرفین‌ و ملحدین‌ را به‌ جزای‌ اعمال‌ خویش‌ می‌رسانند، شما را به‌ فریاد درآورده‌ و داد مظلومیت‌ می‌زنید؟ من‌ برای‌ شما برادران‌ كه‌ از سوابقتان‌ تا حدی‌ مطلع‌ و علاقه‌مند به‌ بعضی‌ از شما هستم‌ متأسف‌ هستم‌، نه‌ برای‌ آنان‌ كه‌ اشراری‌ بودند در لباس‌ خیرخواهی‌ و گرگهایی‌ در پوشش‌ چوپان‌ و بازیگرانی‌ بودند كه‌ همه‌ را به‌ باد بازی‌ و مسخره‌ گرفته‌ و در صدد تباه‌كردن‌ كشور و ملت‌ و خدمتگزاری‌ به‌ یكی‌ از دو قطب‌ چپاولگر بودند ـ آنان‌ كه‌ با دست‌ پلید خود جوانان‌ و مردان‌ ارزشمند و علمای‌ مربی‌ جامعه‌ را شهید نمودند و به‌ كودكان‌ مظلوم‌ مسلمانان‌ رحم‌ نكردند، خود را در جامعه‌ رسوا و در پیشگاه‌ خداوند قهار مخذول‌ نمودند و راه‌ بازگشت‌ ندارند كه‌ شیطانِنفس‌ اماره‌ بر آنان‌ حكومت‌ می‌كند.

لكن‌ شما برادران‌ مؤمن‌ با دولت‌ و مجلس‌ كه‌ كوشش‌ دارد خدمت‌ به‌ محرومین‌ و مظلومین‌ و برادران‌ سر و پا برهنه‌ و از همة‌ مواهب‌ زندگی‌ محروم‌ نماید چرا كمك‌ نمی‌كنید و شكایت‌ دارید؟ آیا مقدار خدمت‌ دولت‌ و بنیادهای‌ جمهوری‌ را با این‌ گرفتاریها و نابسامانیها كه‌ لازمة‌ هر انقلاب‌ است‌، و جنگ‌ تحمیلی‌ با آنهمه‌ خسارت‌ و میلیونها آوارة‌ خارجی‌ و داخلی‌ و كارشكنیهای‌ بیرون‌ از حد را در این‌ مدت‌ كوتاه‌ مقایسه‌ با كارهای‌ عمرانی‌ رژیم‌ سابق‌ نموده‌اید؟ آیا نمی‌دانید كه‌ كارهای‌ عمرانی‌ آن‌ زمان‌ اختصاص‌ داشت‌ تقریباً به‌ شهرها آن‌ هم‌ به‌ محلات‌ مرفه‌؛ و فقرا و مردمان‌ محروم‌ از آن‌ امور بهرة‌ ناچیز داشته‌ یا نداشتند؛ و دولت‌ فعلی‌ و بنیادهای‌ اسلامی‌ برای‌ این‌ طایفة‌ محروم‌ با جان‌ و دل‌ خدمت‌ می‌كنند؟ شما مؤمنان‌ هم‌ پشتیبان‌ دولت‌ باشید تا كارها زود انجام‌ گیرد و در محضر پروردگار كه‌ خواه‌ ناخواه‌ خواهید رفت‌ با نشان‌ خدمتگزاری‌ به‌ بندگان‌ او بروید. \*

\* ـ چنانكه‌ در نسخة‌ خطی‌ مشهود است‌ امام‌ خمینی‌ در این‌ قسمت‌ مرقوم‌ فرموده‌اند: «این‌ مقدار بریده‌ شده‌ راخودم‌ انجام‌ داده‌ام‌».

س‌ یكی‌ از اموری‌ كه‌ لازم‌ به‌ توصیه‌ و تذكر است‌، آن‌ است‌ كه‌ اسلام‌ نه‌ باسرمایه‌داری‌ ظالمانه‌ و بیحساب‌ و محروم‌ كنندة‌ توده‌های‌ تحت‌ ستم‌ و مظلوم‌ موافق‌ است‌، بلكه‌ آن‌ را به‌ طور جدی‌ در كتاب‌ و سنت‌ محكوم‌ می‌كند و مخالف‌ عدالت‌ اجتماعی‌ می‌داند ـ گرچه‌ بعض‌ كج‌فهمان‌ بی‌ اطلاع‌ از رژیم‌ حكومت‌ اسلامی‌ و ازمسائل‌ سیاسی‌ حاكم‌ در اسلام‌ در گفتار و نوشتار خود طوری‌ وانمود كرده‌اند (و باز هم‌ دست‌ برنداشته‌اند) كه‌ اسلام‌ طرفدار بی‌ مرز و حد سرمایه‌داری‌ و مالكیت‌ است‌ و با این‌ شیوة‌ كه‌ با فهم‌ كج‌ خویش‌ از اسلام‌ برداشت‌ نموده‌اند چهرة‌ نورانی‌ اسلام‌ را پوشانیده‌ و راه‌ را برای‌ مغرضان‌ و دشمنان‌ اسلام‌ باز نموده‌ كه‌ به‌ اسلام‌ بتازند، و آن‌ را رژیمی‌ چون‌ رژیم‌ سرمایه‌داری‌ غرب‌ مثل‌ رژیم‌ امریكا و انگلستان‌ و دیگر چپاولگران‌ غرب‌ به‌ حساب‌ آورند، و با اتكال‌ به‌ قول‌ و فعل‌ این‌ نادانان‌ یا غرضمندانه‌ و یا ابلهانه‌ بدون‌ مراجعه‌ به‌ اسلام‌شناسان‌ واقعی‌ با اسلام‌ به‌ معارضه‌ برخاسته‌اند ـ و نه‌ رژیمی‌ مانند رژیم‌ كمونیسم‌ و ماركسیسم‌ لنینیسم‌ است‌ كه‌ با مالكیت‌ فردی‌ مخالف‌ و قائل‌ به‌ اشتراك‌ می‌باشند با اختلاف‌ زیادی‌ كه‌ دوره‌های‌ قدیم‌ تاكنون‌ حتی‌ اشتراك‌ در زن‌ و همجنس‌ بازی‌ بوده‌ و یك‌ دیكتاتوری‌ و استبداد كوبنده‌ در بر داشته‌.

بلكه‌ اسلام‌ یك‌ رژیم‌ معتدل‌ با شناخت‌ مالكیت‌ و احترام‌ به‌ آن‌ به‌ نحو محدود در پیدا شدن‌ مالكیت‌ و مصرف‌، كه‌ اگر بحق‌ به‌ آن‌ عمل‌ شود چرخهای‌ اقتصاد سالم‌ به‌ راه‌ می‌افتد و عدالت‌ اجتماعی‌، كه‌ لازمة‌ یك‌ رژیم‌ سالم‌ است‌ تحقق‌ می‌یابد. در اینجا نیز یك‌ دسته‌ با كج‌ فهمیها و بی‌اطلاعی‌ از اسلام‌ و اقتصاد سالم‌ آن‌ در طرف‌ مقابل‌ دستة‌ اول‌ قرار گرفته‌ و گاهی‌ با تمسك‌ به‌ بعضی‌ آیات‌ یا جملات‌ نهج‌البلاغه‌، اسلام‌ را موافق‌ با مكتبهای‌ انحرافی‌ ماركس‌ و امثال‌ او معرفی‌ نموده‌اند و توجه‌ به‌ سایر آیات‌ و فقرات‌ نهج‌ البلاغه‌ ننموده‌ و سرخود، به‌ فهم‌ قاصر خود، بپاخاسته‌ و «مذهب‌ اشتراكی‌» را تعقیب‌ می‌كنند و از كفر و دیكتاتوری‌ و اختناق‌ كوبنده‌ كه‌ ارزشهای‌ انسانی‌ را نادیده‌ گرفته‌ و یك‌ حزب‌ اقلیت‌ با توده‌های‌ انسانی‌ مثل‌ حیوانات‌ عمل‌ می‌كنند، حمایت‌ می‌كنند.

وصیت‌ من‌ به‌ مجلس‌ و شورای‌ نگهبان‌ و دولت‌ و رئیس‌ جمهور و شورای‌ قضایی‌ آن‌ است‌ كه‌ در مقابل‌ احكام‌ خداوند متعال‌ خاضع‌ بوده‌؛ و تحت‌ تأثیر تبلیغات‌ بی‌محتوای‌ قطب‌ ظالم‌ چپاولگر سرمایه‌داری‌ و قطب‌ ملحد اشتراكی‌ و كمونیستی‌ واقع‌ نشوید، و به‌ مالكیت‌ و سرمایه‌های‌ مشروع‌ با حدود اسلامی‌ احترام‌ گذارید، و به‌ ملت‌ اطمینان‌ دهید تا سرمایه‌ها و فعالیتهای‌ سازنده‌ به‌ كار افتند و دولت‌ و كشور را به‌ خودكفایی‌ و صنایع‌ سبك‌ و سنگین‌ برسانند.

و به‌ ثروتمندان‌ و پولداران‌ مشروع‌ وصیت‌ می‌كنم‌ كه‌ ثروتهای‌ عادلانة‌ خود را به‌ كار اندازید و به‌ فعالیت‌ سازنده‌ در مزارع‌ و روستاها و كارخانه‌ها برخیزید كه‌ این‌ خود عبادتی‌ ارزشمند است‌.

و به‌ همه‌ در كوشش‌ برای‌ رفاه‌ طبقات‌ محروم‌ وصیت‌ می‌كنم‌ كه‌ خیر دنیا و آخرت‌ شماها رسیدگی‌ به‌ حال‌ محرومان‌ جامعه‌ است‌ كه‌ در طول‌ تاریخ‌ ستمشاهی‌ و خان‌خانی‌ در رنج‌ و زحمت‌ بوده‌اند. و چه‌ نیكو است‌ كه‌ طبقات‌ تمكندار به‌ طور داوطلب‌ برای‌ زاغه‌ و چپرنشینان‌ مسكن‌ و رفاه‌ تهیه‌ كنند. و مطمئن‌ باشند كه‌ خیر دنیا و آخرت‌ در آن‌ است‌. و از انصاف‌ به‌ دور است‌ كه‌ یكی‌ بی‌خانمان‌ و یكی‌ دارای‌ آپارتمانها باشد.

ع‌ وصیت‌ اینجانب‌ به‌ آن‌ طایفه‌ از روحانیون‌ و روحانی‌نماها كه‌ با انگیزه‌های‌ مختلف‌ با جمهوری‌ اسلامی‌ و نهادهای‌ آن‌ مخالفت‌ می‌كنند و وقت‌ خود را وقف‌ براندازی‌ آن‌ می‌نمایند و با مخالفان‌ توطئه‌گر و بازیگران‌ سیاسی‌ كمك‌، و گاهی‌ به‌ طوری‌ كه‌ نقل‌ می‌شود با پولهای‌ گزافی‌ كه‌ از سرمایه‌داران‌ بیخبر از خدا دریافت‌ برای‌ این‌ مقصد می‌كنند كمكهای‌ كلان‌ می‌نمایند، آن‌ است‌ كه‌ شماها طرْفی‌ از این‌ غلط‌كاریها تاكنون‌ نبسته‌ و بعد از این‌ هم‌ گمان‌ ندارم‌ ببندید. بهتر آن‌ است‌ كه‌ اگر برای‌ دنیا به‌ این‌ عمل‌ دست‌ زده‌اید ـ و خداوند نخواهد گذاشت‌ كه‌ شما به‌ مقصد شوم‌ خود برسید ـ تا درِ توبه‌ باز است‌ از پیشگاه‌ خداوند عذر بخواهید و با ملت‌ مستمند مظلوم‌ هم‌صدا شوید و از جمهوری‌ اسلامی‌ كه‌ با فداكاریهای‌ ملت‌ به‌ دست‌ آمده‌ حمایت‌ كنید، كه‌ خیر دنیا و آخرت‌ در آن‌ است‌. گرچه‌ گمان‌ ندارم‌ كه‌ موفق‌ به‌ توبه‌ شوید.

و اما به‌ آن‌ دسته‌ كه‌ از روی‌ بعض‌ اشتباهات‌ یا بعض‌ خطاها، چه‌ عمدی‌ و چه‌ غیرعمدی‌، كه‌ از اشخاص‌ مختلف‌ یا گروهها صادر شده‌ و مخالف‌ با احكام‌ اسلام‌ بوده‌ است‌ با اصل‌ جمهوری‌ اسلامی‌ و حكومت‌ آن‌ مخالفت‌ شدید می‌كنند و برای‌ خدا در براندازی‌ آن‌ فعالیت‌ می‌نمایند و با تصور خودشان‌ این‌ جمهوری‌ از رژیم‌ سلطنتی‌ بدتر یا مثل‌ آن‌ است‌، با نیت‌ صادق‌ در خلوات‌ تفكر كنند و از روی‌ انصاف‌ مقایسه‌ نمایند با حكومت‌ و رژیم‌ سابق‌. و باز توجه‌ نمایند كه‌ در انقلابهای‌ دنیا هرج‌ و مرجها و غلط‌رویها و فرصت‌طلبیها غیرقابل‌ اجتناب‌ است‌ و شما اگر توجه‌ نمایید و گرفتاریهای‌ این‌ جمهوری‌ را در نظر بگیرید ـ از قبیل‌ توطئه‌ها و تبلیغات‌ دروغین‌ و حملة‌ مسلحانة‌ خارج‌ مرز و داخل‌، و نفوذ غیر قابل‌ اجتناب‌ گروههایی‌ از مفسدان‌ و مخالفان‌ اسلام‌ در تمام‌ ارگانهای‌ دولتی‌ به‌ قصد ناراضی‌ كردن‌ ملت‌ از اسلام‌ و حكومت‌ اسلامی‌، و تازه‌ كار بودن‌ اكثر یا بسیاری‌ از متصدیان‌ امور و پخش‌ شایعات‌ دروغین‌ از كسانی‌ كه‌ از استفاده‌های‌ كلان‌ غیرمشروع‌ بازمانده‌ یا استفادة‌ آنان‌ كم‌ شده‌، و كمبود چشمگیر قضات‌ شرع‌ و گرفتاریهای‌ اقتصادی‌ كمرشكن‌ و اشكالات‌ عظیم‌ در تصفیه‌ و تهذیب‌ متصدیان‌ چند میلیونی‌، و كمبود مردمان‌ صالح‌ كاردان‌ و متخصص‌ و دهها گرفتاری‌ دیگر، كه‌ تا انسان‌ وارد گود نباشد از آنها بیخبر است‌ ـ و از طرفی‌ اشخاص‌ غرضمند سلطنت‌طلب‌ سرمایه‌دار هنگفت‌ كه‌ با رباخواری‌ و سودجویی‌ و با اخراج‌ ارز و گرانفروشی‌ به‌ حد سرسام‌آور و قاچاق‌ و احتكار، مستمندان‌ و محرومان‌ جامعه‌ را تا حد هلاكت‌ در فشار قرار داده‌ و جامعه‌ را به‌ فساد می‌كشند، نزد شما آقایان‌ به‌ شكایت‌ و فریبكاری‌ آمده‌ و گاهی‌ هم‌ برای‌ باور آوردن‌ و خود را مسلمان‌ خالص‌ نشان‌ دادن‌ به‌ عنوان‌ «سهم‌» مبلغی‌ می‌دهند و اشك‌ تمساح‌ می‌ریزند و شما را عصبانی‌ كرده‌ به‌ مخالفت‌ برمی‌انگیزانند، كه‌ بسیاری‌ از آنان‌ با استفاده‌های‌ نامشروع‌، خون‌ مردم‌ را می‌مكند و اقتصاد كشور را به‌ شكست‌ می‌كشند.

اینجانب‌ نصیحت‌ متواضعانة‌ برادرانه‌ می‌كنم‌ كه‌ آقایان‌ محترم‌ تحت‌ تأثیر اینگونه‌ شایعه‌سازیها قرار نگیرند و برای‌ خدا و حفظ‌ اسلام‌ این‌ جمهوری‌ را تقویت‌ نمایند. و باید بدانند كه‌ اگر این‌ جمهوری‌ اسلامی‌ شكست‌ بخورد، به‌ جای‌ آن‌ یك‌ رژیم‌ اسلامی‌ دلخواهِ بقیة‌الله ـ روحی‌ فداه‌ ـ یا مطیع‌ امر شما آقایان‌ تحقق‌ نخواهد پیدا كرد، بلكه‌ یك‌ رژیم‌ دلخواه‌ یكی‌ از دو قطب‌ قدرت‌ به‌ حكومت‌ می‌رسد و محرومان‌ جهان‌، كه‌ به‌ اسلام‌ و حكومت‌ اسلامی‌ رو ] ی‌ [ آورده‌ و دل‌ باخته‌اند، مأیوس‌ می‌شوند و اسلام‌ برای‌ همیشه‌ منزوی‌ خواهد شد؛ و شماها روزی‌ از كردار خود پشیمان‌ می‌شوید كه‌ كار گذشته‌ و دیگر پشیمانی‌ سودی‌ ندارد. و شما آقایان‌ اگر توقع‌ دارید كه‌ در یك‌ شب‌ همة‌ امور بر طبق‌ اسلام‌ و احكام‌ خداوند تعالی‌ متحول‌ شود یك‌ اشتباه‌ است‌، و در تمام‌ طول‌ تاریخ‌ بشر چنین‌ معجزه‌ای‌ روی‌ نداده‌ است‌ و نخواهد داد. و آن‌ روزی‌ كه‌ ان‌شا ء الله تعالی‌ مصلح‌ كل‌ ظهور نماید، گمان‌ نكنید كه‌ یك‌ معجزه‌ شود و یكروزه‌ عالم‌ اصلاح‌ شود؛ بلكه‌ با كوششها و فداكاریها ستمكاران‌ سركوب‌ و منزوی‌ می‌شوند. و اگر نظر شماها مثل‌ نظر بعض‌ عامیهای‌ منحرف‌، آن‌ است‌ كه‌ برای‌ ظهور آن‌ بزرگوار باید كوشش‌ در تحقق‌ كفر و ظلم‌ كرد تا عالم‌ را ظلم‌ فراگیرد و مقدمات‌ ظهور فراهم‌ شود، فانّا لله و انّا الیه‌ راجعون‌ .

و‌ وصیت‌ من‌ به‌ همة‌ مسلمانان‌ و مستضعفان‌ جهان‌ این‌ است‌ كه‌ شماها نباید بنشینید و منتظر آن‌ باشید كه‌ حكام‌ و دست‌ اندركاران‌ كشورتان‌ یا قدرتهای‌ خارجی‌ بیایند و برای‌ شما استقلال‌ و آزادی‌ را تحفه‌ بیاورند. ما و شماها لااقل‌ در این‌ صد سال‌ اخیر، كه‌ بتدریج‌ پای‌ قدرتهای‌ بزرگ‌ جهانخوار به‌ همة‌ كشورهای‌ اسلامی‌ و سایر كشورهای‌ كوچك‌ باز شده‌ است‌ مشاهده‌ كردیم‌ یا تاریخهای‌ صحیح‌ برای‌ ما بازگو كردند كه‌ هیچ‌ یك‌ از دوَل‌ حاكم‌ بر این‌ كشورها در فكر آزادی‌ و استقلال‌ و رفاه‌ ملتهای‌ خود نبوده‌ و نیستند؛ بلكه‌ اكثریت‌ قریب‌ به‌ اتفاق‌ آنان‌ یا خود به‌ ستمگری‌ و اختناق‌ ملت‌ خود پرداخته‌ و هر چه‌ كرده‌اند برای‌ منافع‌ شخصی‌ یا گروهی‌ نموده‌؛ یا برای‌ رفاه‌ قشر مرفه‌ و بالانشین‌ بوده‌ و طبقات‌ مظلوم‌ كوخ‌ و كپرنشین‌ از همة‌ مواهب‌ زندگی‌ حتی‌ مثل‌ آب‌ و نان‌ و قوت‌ لایموت‌ محروم‌ بوده‌، و آن‌ بدبختان‌ را برای‌ منافع‌ قشر مرفه‌ و عیاش‌ به‌ كار گرفته‌اند؛ و یا آنكه‌ دست‌ نشاندگان‌ قدرتهای‌ بزرگ‌ بوده‌اند كه‌ برای‌ وابسته‌ كردن‌ كشورها و ملتها هرچه‌ توان‌ داشته‌اند به‌ كار گرفته‌ و با حیله‌های‌ مختلف‌ كشورها را بازاری‌ برای‌ شرق‌ و غرب‌ درست‌ كرده‌ و منافع‌ آنان‌ را تأمین‌ نموده‌اند و ملتها را عقب‌ مانده‌ و مصرفی‌ بار آوردند و اكنون‌ نیز با این‌ نقشه‌ در حركتند.

و شما ای‌ مستضعفان‌ جهان‌ و ای‌ كشورهای‌ اسلامی‌ و مسلمانان‌ جهان‌ بپاخیزید و حق‌ را با چنگ‌ و دندان‌ بگیرید و از هیاهوی‌ تبلیغاتی‌ ابرقدرتها و عمّال‌ سرسپردة‌ آنان‌ نترسید؛ و حكام‌ جنایتكار كه‌ دسترنج‌ شما را به‌ دشمنان‌ شما و اسلام‌ عزیز تسلیم‌ می‌كنند از كشور خود برانید؛ و خود و طبقات‌ خدمتگزار متعهد، زمام‌ امور را به‌ دست‌ گیرید و همه‌ در زیر پرچم‌ پرافتخار اسلام‌ مجتمع‌، و با دشمنان‌ اسلام‌ و محرومان‌ جهان‌ به‌ دفاع‌ برخیزید؛ و به‌ سوی‌ یك‌ دولت‌ اسلامی‌ با جمهوریهای‌ آزاد و مستقل‌ به‌ پیش‌ روید كه‌ با تحقق‌ آن‌، همة‌ مستكبران‌ جهان‌ را به‌ جای‌ خود خواهید نشاند و همة‌ مستضعفان‌ را به‌ امامت‌ و وراثت‌ ارض‌ خواهید رساند. به‌ امید آن‌ روز كه‌ خداوند تعالی‌ وعده‌ فرموده‌ است‌.

ص‌ یك‌ مرتبة‌ دیگر در خاتمة‌ این‌ وصیتنامه‌، به‌ ملت‌ شریف‌ ایران‌ وصیت‌ می‌كنم‌ كه‌ در جهان‌ حجم‌ تحمل‌ زحمتها و رنجها و فداكاریها و جان‌نثاریها و محرومیتها مناسب‌ حجم‌ بزرگی‌ مقصود و ارزشمندی‌ و علوّ رتبة‌ آن‌ است‌، آنچه‌ كه‌ شما ملت‌ شریف‌ و مجاهد برای‌ آن‌ بپاخاستید و دنبال‌ می‌كنید و برای‌ آن‌ جان‌ و مال‌ نثار كرده‌ و می‌كنید، والاترین‌ و بالاترین‌ و ارزشمندترین‌ مقصدی‌ است‌ و مقصودی‌ است‌ كه‌ از صدر عالم‌ در ازل‌ و از پس‌ این‌ جهان‌ تا ابد عرضه‌ شده‌ است‌ و خواهد شد؛ و آن‌ مكتب‌ الوهیت‌ به‌ معنی‌ وسیع‌ آن‌ و ایدة‌ توحید با ابعاد رفیع‌ آن‌ است‌ كه‌ اساس‌ خلقت‌ و غایت‌ آن‌ در پهناور وجود و در درجات‌ و مراتب‌ غیب‌ و شهود است‌؛ و آن‌ در مكتب‌ محمدی‌ ـ صلی‌ الله علیه‌ و آله‌ و سلم‌ ـ به‌ تمام‌ معنی‌ و درجات‌ و ابعاد متجلی‌ شده‌؛ و كوشش‌ تمام‌ انبیای‌ عظام‌
ـ علیهم‌ سلام‌الله ـ و اولیای‌ معظم‌ ـ سلام‌ الله علیهم‌ ـ برای‌ تحقق‌ آن‌ بوده‌ و راهیابی‌ به‌ كمال‌ مطلق‌ و جلال‌ و جمال‌ بی‌نهایت‌ جز با آن‌ میسر نگردد. آن‌ است‌ كه‌ خاكیان‌ را بر ملكوتیان‌ و برتر از آنان‌ شرافت‌ داده‌، و آنچه‌ برای‌ خاكیان‌ از سیر در آن‌ حاصل‌ می‌شود برای‌ هیچ‌ موجودی‌ در سراسر خلقت‌ در سرّ و عَلن‌ حاصل‌ نشود.

شما ای‌ ملت‌ مجاهد، در زیر پرچمی‌ می‌روید كه‌ در سراسر جهان‌ مادی‌ و معنوی‌ در اهتزاز است‌، بیابید آن‌ را یا نیابید، شما راهی‌ را می‌روید كه‌ تنها راه‌ تمام‌ انبیا ـ علیهم‌ سلام‌الله ـ و یكتا راه‌ سعادت‌ مطلق‌ است‌. در این‌ انگیزه‌ است‌ كه‌ همة‌ اولیا شهادت‌ را در راه‌ آن‌ به‌ آغوش‌ می‌كشند و مرگ‌ سرخ‌ را «احلی‌ من‌ العسل‌» می‌دانند؛ و جوانان‌ شما در جبهه‌ها جرعه‌ای‌ از آن‌ را نوشیده‌ و به‌ وجد آمده‌اند و در مادران‌ و خواهران‌ و پدران‌ و برادران‌ آنان‌ جلوه‌ نموده‌ و ما باید بحق‌ بگوییم‌ یا لیتنا كنّا معكم‌ فنفوز فوزاً عظیماً . گوارا باد بر آنان‌ آن‌ نسیم‌ دل‌آرا و آن‌ جلوة‌ شورانگیز.

و باید بدانیم‌ كه‌ طرفی‌ از این‌ جلوه‌ در كشتزارهای‌ سوزان‌ و در كارخانه‌های‌ توانفرسا و در كارگاهها و در مراكز صنعت‌ و اختراع‌ و ابداع‌، و در ملت‌ به‌ طور اكثریت‌ در بازارها و خیابانها و روستاها و همة‌ كسانی‌ كه‌ متصدی‌ این‌ امور برای‌ اسلام‌ و جمهوری‌ اسلامی‌ و پیشرفت‌ و خودكفایی‌ كشور به‌ خدمتی‌ اشتغال‌ دارند جلوه‌گر است‌.

و تا این‌ روح‌ تعاون‌ و تعهد در جامعه‌ برقرار است‌ كشور عزیز از آسیب‌ دهر ان‌شا ء الله تعالی‌ مصون‌ است‌. و بحمدالله تعالی‌ حوزه‌های‌ علمیه‌ و دانشگاهها و جوانانِ عزیز مراكز علم‌ و تربیت‌ از این‌ نفخة‌ الهی‌ غیبی‌ برخوردارند؛ و این‌ مراكز دربست‌ در اختیار آنان‌ است‌، و به‌ امید خدا دست‌ تبهكاران‌ و منحرفان‌ از آنها كوتاه‌.

و وصیت‌ من‌ به‌ همه‌ آن‌ است‌ كه‌ با یاد خدای‌ متعال‌ به‌ سوی‌ خودشناسی‌ و خودكفایی‌ و استقلال‌، با همة‌ ابعادش‌ به‌ پیش‌، و بی‌تردید دست‌ خدا با شما است‌، اگر شما در خدمت‌ او باشید و برای‌ ترقی‌ و تعالی‌ كشور اسلامی‌ به‌ روح‌ تعاون‌ ادامه‌ دهید.

و اینجانب‌ با آنچه‌ در ملت‌ عزیز از بیداری‌ و هوشیاری‌ و تعهد و فداكاری‌ و روح‌ مقاومت‌ و صلابت‌ در راه‌ حق‌ می‌بینم‌ و امید آن‌ دارم‌ كه‌ به‌ فضل‌ خداوند متعال‌ این‌ معانی‌ انسانی‌ به‌ اعقاب‌ ملت‌ منتقل‌ شود و نسلاً بعد نسل‌ بر آن‌ افزوده‌ گردد.

با دلی‌ آرام‌ و قلبی‌ مطمئن‌ و روحی‌ شاد و ضمیری‌ امیدوار به‌ فضل‌ خدا از خدمت‌ خواهران‌ و برادران‌ مرخص‌، و به‌ سوی‌ جایگاه‌ ابدی‌ سفر می‌كنم‌. و به‌ دعای‌ خیر شما احتیاج‌ مبرم‌ دارم‌. و از خدای‌ رحمان‌ و رحیم‌ می‌خواهم‌ كه‌ عذرم‌ را در كوتاهی‌ خدمت‌ و قصور و تقصیر بپذیرد.

و از ملت‌ امیدوارم‌ كه‌ عذرم‌ را در كوتاهیها و قصور و تقصیرها بپذیرند. و با قدرت‌ و تصمیم‌ اراده‌ به‌ پیش‌ روند و بدانند كه‌ با رفتن‌ یك‌ خدمتگزار در سدّ آهنین‌ ملت‌ خللی‌ حاصل‌ نخواهد شد كه‌ خدمتگزاران‌ بالا و والاتر در خدمتند، و الله نگهدار این‌ ملت‌ و مظلومان‌ جهان‌ است‌.

والسلام‌ علیكم‌ و علی‌ عبادالله الصالحین‌ و رحمة‌الله و بركاته‌

26 بهمن ‌ 1361 / 1 جمادی‌ الاولی‌ 1403

روح‌الله الموسوی‌ الخمینی